



دانشگاه علم و صنعت ایران

Islamicarchitecture.ir

کتابخانه

قطب علمی
معماری اسلامی

کد فایل: قطب علمی معماری اسلامی - معماری اسلامی



دانشگاه علم و صنعت ایران

دانشکده معماری و شهرسازی

بهره برداری از آیات و احادیث در طراحی یک مجموعه مسکونی

استاد:

جناب آقای مهندس نقره کار

دانشجویان:

پانیز احمدپور - سیده سپیده قائم مقامی

۸۶۷۵۱۲۷۲ - ۸۶۷۵۱۲۵۴

سال تحصیلی ۸۷-۸۸

فهرست

۲.....	ضرورت تحقیق
۵.....	واژه شناسی

انتخاب مکان مسکن

۱۵.....	آیات مربوط به بلد
۱۹.....	احادیث مربوط به بلد
۲۰.....	احادیث مربوط به روستا
۲۱.....	تفسیر آیات و احادیث
۲۱.....	امنیت
۲۲.....	عدل
۲۲.....	رفاه
۲۳.....	تنظیم روابط اجتماعی
۲۳.....	عناصر شهری و معماری
۲۴.....	مسجد
۲۴.....	مسکن
۲۵.....	نشانه ها

محیط زیست طبیعی

۲۶.....	گیاهان
۲۶.....	آیات
۲۷.....	احادیث
۲۷.....	تفسیر
۲۸.....	درختکاری و کشاورزی
۲۸.....	احادیث

۲۸	تفسیر
۲۹	آب
۲۹	آیات
۲۹	احادیث
۲۹	تفسیر
۳۰	جریان هوا
۳۰	آیات
۳۰	احادیث
۳۰	تفسیر
۳۱	آفتاب و نور خورشید
۳۱	آیه
۳۱	تفسیر
۳۱	سایر عناصر
۳۱	تفسیر
۳۲	ارتباط طبیعت و مسکن مطلوب

همسایه

۳۳	احادیث مربوط به همسایه
۳۷	تفسیر احادیث
۳۷	حسن همسایگی
۳۸	اول همسایه بعد خانه
۳۸	همسایه بد
۳۸	ضرورت پرهیز از آزار همسایه
۳۹	حد همسایگی

- ۴۰ آیات مربوط به « سکن »
- ۴۰ مسکن
- ۴۱ سکونت در شهر
- ۴۲ سکونت
- ۴۳ شهر ویران
- ۴۴ بیوت - سایه ها
- ۴۶ چهارپایان
- ۴۷ سکونت زنان مطلقه
- ۴۸ احادیث مربوط به « مسکن »
- ۴۸ وسعت مسکن
- ۴۹ هشدار از ساختن بیش از نیاز
- ۵۱ نکوهش ارتفاع زیاد
- ۵۱ سلام کردن هنگام وارد شدن به خانه
- ۵۱ فروش خانه
- ۵۲ خودداری از اسکان مومن
- ۵۳ آیات مربوط به « بیت »
- ۶۲ آیه مربوط به « حجرات »
- ۶۳ احادیث مربوط به « مسجد »
- ۶۴ احادیث مربوط به « اجاره »
- ۶۴ حدیث مربوط به « حق شفعه »
- ۶۵ تفسیر آیات و احادیث
- ۶۵ ویژگی کیفی مسکن مطلوب
- ۶۶ توجه به انسان
- ۶۷ تعادل
- ۶۷ امنیت و ایمنی

۶۷	آرامش
۶۸	محرمیت
۶۹	خلوت
۷۰	امکان ارتباط با طبیعت
۷۰	میان‌ه روی
۷۱	احترام به حقوق دیگران
۷۳	احترام به خانواده
۷۳	درونگرائی

اشراف و محرمیت

۷۵	آیات مربوط به اشراف و محرمیت
۷۶	احادیث مربوط به اشراف و محرمیت
۷۶	تفسیر آیات و احادیث

مهمان

۷۸	آیات مربوط به میهمانی
۷۹	احادیث مربوط به میهمانی
۸۰	تفسیر آیات و احادیث
۸۰	حضور بموقع
۸۰	پرهیز از حضور بدون دعوت
۸۱	ورود با اجازه به منزل میزبان
۸۱	سلام کردن به اهل منزل

آرایه و تزیین

۸۳	آیات مربوط به زینه - زخرف
۸۸	احادیث مربوط به زینه - زخرف
۹۰	تفسیر آیات و احادیث

آرایه ها..... ۹۰

منع پیکر سازی و تصویر جانداران..... ۹۲

تصویری از خانه ها و معماری دوران آخرالزمان در روایات..... ۹۳

نتایج

انتخاب مکان مسکن..... ۹۴

طبیعت..... ۹۴

همسایه..... ۹۵

مسکن..... ۹۵

مهمان..... ۹۶

تزئین..... ۹۶

مبحث مسکن از ابتدایی ترین و در عین حال کلیدی ترین موضوعات مورد تحقیق در ارتباط با نیازهای بشر می باشد. هدف این پژوهش بررسی مفاهیم و تعاریف مسکن و اصول اولیه و راهکارهای پیشنهادی به منظور ارتقاء شرایط اسکان از منابع دین و درجه اول قرآن کریم و احادیث معتبر می باشد. با توجه به ابعاد همه جانبه قرآن کریم و احادیث موجود از ائمه اطهار، تحقیق پیش رو به بررسی و کنکاش درباره هنجارها و پیشنهادات این منابع اصیل و گرانبها در باب مسکن می پردازد. در این مقاله با جستجوی آیات قرآن کریم با موضوعات مسکن و با استفاده از آیاتی که در آنها از کلمات "بیت"، "سکن"، "منزل"، "حجره"، "بلد"، "جار" و غیره استفاده شده بود، آغاز گردید. همچنین در میان احادیث نیز گزینش احادیث مرتبط با کلمات فوق و مفاهیم آرامش و آسایش، میانه روی، تعادل و خانواده پرداخته شد. در این کار از منابع معتبری چون نهج البلاغه، بحارالانوار، اصول کافی و میزان الحکمه سود جسته شد. با توجه به ژرفای معنایی آیات و احادیث و لزوم دسترسی به عمق مطالب و مفاهیم آنها، در ادامه با مراجعه به لغت نامه های قرآنی و فارسی تعاریف لغات گردآوری شد. در این میان، آیات و احادیث جمع آوری شده، بر مبنای موضوعات کلیدی دسته بندی گردید و سپس با توجه به ارتباط با مبحث مورد تحقیق اولویت بندی شد. در گام بعد با استفاده از تفسیرهای آیات قرآنی هم چون تفسیر نمونه، به کشف ابعاد ناشناخته آیات پرداخته شد. و در پایان، پژوهش به نتیجه گیری و تبیین اصول قابل استفاده در مبحث ساخت و ساز مسکن و شهرسازی منتهی شد.

شهرسازی به معنای جامع کلمه همواره کمتر از حد لازم و حتی آن حدی که باید باشد، مورد توجه قرار گرفته است. همیشه این مهم فراموش شده است که شهرسازی به معنای علم و نظریه اسکان بشر با مسائل مربوط به سکونتگاه ها اعم از روستا و شهر سروکار دارد و این ارتباط تنها در حد سازماندهی کالبدی خلاصه نمی شود. شهر و روستا به عنوان کلیتی یکپارچه، پویا و زنده و با حرکت نمی توانند تابع برنامه ریزی ها و تحرک بخشی شوند و به همین دلیل است که همه تلاش های انجام شده برای تعریف این کلیت یکپارچه در دل یک نظام خاص علمی و یا یک بخش مشخص اداری منجر به شکست شده اند. تا وقتی که یک نگرش جامع و کلان در مقوله شهرسازی اتخاذ نشود، نمی توان بر این بحران ها فایق آمد و تا این امر صورت نپذیرد نمی توان در پهنه سرزمین به رابطه متعادل بین انسان، فعالیت و فضا دست یافت و آن را تعریف کرد و بنابراین دستیابی به توسعه ای پایدار و همگن با محیط ممکن نمی گردد.

شهرهای ایرانی از بدو تولد خویش (حداقل ۳ هزار سال) مکان تبلور اندیشه ها و آرمان هایی بوده که در مقیاس جهانی مطرح شده اند. این شهر با مسلمان شدن ایرانیان جایگاه خود در گفتگوی جهانی را ارتقاء بخشیده است. از همان آغاز شکل گیری، شهر ایرانی- اسلامی مکان انباشت تجربه ها و نظریه های متفاوت بوده است که در دل سرزمین پهناور اسلامی (از اسپانیا تا اندونزی) به بار نشسته اند. چهره و سیمای شهر ایرانی - اسلامی در هر عصری بیان زمان خویش را یافته بی آنکه از اصول و ضوابط و معیارهای اصیل خود سرباز زده باشد، از این روست که ارزش های نهفته در این شهرها می تواند همواره مبنایی برای گفتگو با تمدن های گذشته، معاصر و آینده ایران و جهان باشد.

فرهنگ اصیل ما می تواند مفاهیم پایه ای شهرسازی امروز ما را سامان دهد و اگر نتوانیم شهرسازی امروز را از دل این فرهنگ تدارک ببینیم، همانی خواهد شد که در نیم قرن اخیر بر ما رفته است: بی هویتی در شهرسازی و معماری. چهره شهرهای کنونی ما نشان از بحران عمیق هویتی دارد، بحرانی که سبب شده است هیچ چیزی در توسعه های شهری جدید در خاطره ها نماند و فضاهای شهر بی خاطره شکل گیرند. این امر زمانی حاد می گردد که به یاد آوریم که حیات مدنی و زندگی شهری بی وجود خاطره های جمعی میسر نمی گردد. کانون های زیستی امروزه ما دارای مکان های مرجع نیستند و بدون این مکان های مرجع آشنایی با فضای کالبدی صورت نمی گیرد. عدم آشنایی با فضای کالبدی یعنی نبود فضای مدنی و نبود فضای مدنی یعنی عدم تصور از موجودیت مکان. بنابراین آنچه در دستور کار امروز ما قرار دارد، علاوه بر در نظر داشتن کمیت، پرداخت به کیفیت ها است. لازم است به گونه ای توسعه و عمران کانون های زیستی را تدارک ببینیم که حاکی از هویت فرهنگی معماری و شهرسازی ایرانی و اسلامی و بومی باشد.

به منظور تشکیل الگویی جهت ایجاد و استقرار جامعه اسلامی، سه اصل بنیادین، به عنوان اصول دین، بدین ترتیب

مطرح شده است:

- ❖ اول - توحید، اعتقاد به یگانگی خالق کل هستی
- ❖ دوم - نبوت، اعتقاد به پیامبری حضرت محمد (ص) و قرآن مجید
- ❖ سوم - معاد، اعتقاد به حیات پس از مرگ (.. اولیه، هبوط انسان، صیوررت انسان و بازگشت به ... موعود)



دانشگاه علم و صنعت ایران

Islamicarchitecture.ir

کتابخانه

قطب علمی
معماری اسلامی

کد فایل: قطب علمی معماری اسلامی - معماری اسلامی

و در مکتب تشیع دو اصل بنیادین به عنوان اصول مذهب مطرح می باشد:

❖ اول - عدل؛ یعنی اعتقاد بر آنکه هستی بر اساس نظام احسن (قرار داشتن هر چیزی در جای خود) خلق شده است.

❖ دوم - امامت؛ یعنی علاوه بر نظام عادلانه تکوین و تشریح، نیاز به انسان معصوم و خطاناپذیر است که جامعه انسانی را به سوی غایت فردی و اجتماعی خود راهنمایی نماید.

براین اساس نمونه ای از شهرهای اسلامی ذیلا ذکر می شود:

❖ شهر ایمان - مرکز تجمع مومنانی که اهتمام هر یک از افراد آن زندگی در چارچوب عقاید و شریعت اسلامی است.

❖ شهر قرآن - شهری که براساس هدایت قرآن بنا شده

❖ شهر سنت - شهری که مرکز برای استقرار روش های پیامبر برای هر فرد و یک اجتماع است.

هم چنین صفات و مشخصات محیط اسلامی در شهر اسلام به قرار زیر است:

شهر خلافت الهی، شهر قانون، شهر عدالت، شهر نتایج و مسئولیت ها، شهر مقصود، شهر مراقبت، شهر زندگی و قدرت، شهر هماهنگی های محیط و طبیعت، شهر علم، شهر صمیمیت، تواضع و تدین، شهر ذکاوت و مهارت، شهر زیبایی

سلطه جهان بینی مادی گرای غرب از آن جا که جهان هستی را مترادف با همین طبیعت مادی دانسته و آن را محدود و محصور در عالم دنیا می داند، انسان نیز در این هستی، در ساحت حیوانی و غریزی خود محدود و محصور می شود و عقل جزئی نگر پوزیتیویستی، حداکثر او را "حیوان ناطق" می خواند و نه "حی متاله". این فرهنگ چون هستی را ماده می داند، بنابراین مهمترین ویژگی زندگی را غیر از تولیدمثل و تغذیه، حرکت می شناسد و حرکت را به مفهوم پویایی و پیشرفت، سکون و آرامش را که می تواند مقدمه عروج روحی باشد، مترادف مرگ و نیستی می داند. چون انسان را در بعد حواس و عقل جزئی نگر پوزیتیویستی محدود می شناسد، تنوع و تکثر مادی و صوری و سیر در آفاق را مهم ترین آرمان خود می شمرد و نوگرایی و تنوع طلبی ظاهری و شکل پردازانه (فرمالیستی) آرمان و ایده آل او می شود.

نکته ای که بیشتر موجب تاثر و تاسف می باشد، بی توجهی و از خود باختگی ما نسبت به راه حل های درخشان و ممتازی است که در طراحی شهرهای دوران اسلامی با آن مواجه هستیم و هنرمندان برجسته ما با اندیشه حکیمانه و طراحی شایسته خود توانسته اند با ایجاد خانه های مستقل، حیاط های داخلی در حریم های خارجی، مفصل های لازم بین فضاهای بیرونی و عبوری با فضاهای داخلی، آرامش بخش ترین و خصوصی ترین فضاهای فردی و خانوادگی را در کنار شلوغ ترین و پرجاذبه ترین فضاهای اجتماعی و عبوری و با کمترین مزاحمت ممکن ایجاد نمایند و امروز ما در یک گسست تاریخی از همه این شایستگی ها خود را و جامعه خود را محروم نموده ایم.

با توجه به مقدمه فوق، فضاهای معماری در طراحی شهری بر حسب نوع عملکرد خود از کاملا اجتماعی و عمومی و عبوری تا کاملا خصوصی و خانوادگی قابل تقسیم و تبیین می شوند و از این منظر واحدهای مسکونی به عنوان خصوصی ترین و درونگراترین و مستقل ترین فضاهای شهری در مقابل سایر فضاهای اجتماعی و اداری و تجاری و نمایشگاهی و

فضاهای عبوری و حتی آموزشی و عبادی قرار می گیرند. این امر باید مورد توجه دقیق معماران و شهرسازان قرار گیرد. با فرض فوق اگر تراکم های بالا و بلندمرتبه سازی و لاجرم مشاع سازی برای مراکز اداری و تجاری و نمایشگاهی و فروشگاههای با تدبیرهای مناسب خود به عنوان بهترین گزینه در طرح های جامع و تفصیلی پیش بینی و پیشنهاد شود، مشاع سازی و بلندمرتبه سازی برای واحدهای مسکونی قطعاً به عنوان بدترین و نامناسب ترین و ناهنجارترین گزینه ها خواهد بود. چرا که مشاع سازی واحدهای مسکونی، استقلال و آزادی و تنوع پذیری زندگی فردی و خانوادگی انسان ها را در طول زمان گرفته و مزاحمت های همجواری ناشی از آن مهم ترین عامل از خود بیگانگی، روان پریشی و ناراحتی های روحی و روانی و موجب اضمحلال بنیان های خانوادگی و بروز ناهنجاری های اجتماعی در سطح کلان خواهد شد.

مسکن اسم مکان است بر وزن مَفْعَل به معنای محل آرامش و سکونت که از ماده سَكَن به معنی آرامش می‌آید و در اصطلاح به مکانی می‌گویند که انسان در آن زندگی می‌کند.

مسکن در قاموس قرآن

سکن:

سکون آرام گرفتن بعد از حرکت است. «مَنْ إِلَهَ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَلِيلٌ تَسْكُنُونَ فِيهِ...» قصص: ۷۲. در وطن گرفتن و سکونت نیز بکار میرود «وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ...» ابراهیم: ۴۵.
 (سکن) (بر وزن فرس) آرامش و محل آرامش. چنانکه گفته‌اند «وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ...» توبه: بر آنها دعا کن دعای تو برای آنها آرامش و اطمینان خاطر است «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا...» نحل: ۸۰. «فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا...» انعام: ۹۶. خداوند از خانه‌های شما محل آرامش قرار داد- شگافنده صبح است و شب را محل آرامش کرد.

اسکان: سکونت دادن «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ...» ابراهیم: ۳۷. خدایا من بعضی از خانواده خود را بدره غیر قابل کشت سکونت دادم. «أَسْكِنُوهُمْ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ...» طلاق: ۶. زنان مطلقه را در قسمتی از مسکن خود سکونت دهید.

مسکن اسم مکان جمع آن مساکن میباشد «وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ...» ابراهیم: ۴۵.
سکینه آرامش قلب و اطمینان خاطر. طبرسی گوید: مصدر است بجای اسم مصدر آمده مثل قضیه و بقیه و عزیمت «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا...»

فتح: ۴. این کلمه شش بار در قرآن آمده و همه درباره آرامش قلب‌اند که سبب ثبات و آرامش ظاهری است.
 راغب گوید: گفته‌اند سکینه و سکن بمعنی زوال ترس است «إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ...» بقره: ۲۴۸. شرح آن در «تابوت» گذشت.

قاموس قرآن، ج ۳، ص: ۲۸۲

مسکن در لسان العرب

مسکن: جاء في الخبر:

أنه نهى عن بيع المسكانِ

، روی عن أبي عمرو أنه قال: المساكين العربيين، واحدها مسكان. و المساكين: الأذلاء المقهورون، و إن كانوا أغنياء.

لسان العرب، ج ۱۳، ص: ۴۰۸

مسکن در لغت نامه دهخدا

(ع ا) جای باشش و خانه . (منتهی الارب) . منزل و بیت . ج ، مساکن . (اقرب الموارد) . جای سکونت و مقام . (غیاث) (آندراج) . جای آرام . (ترجمان القرآن علامه جرجانی) . آرامگاه . (دهار) . جایباش . مقر . مقام . جای . جایگاه . نشیمن: لقد كان لسبأً في مسكنهم آية جنتان عن يمين و شمال ... (قرآن ۱۵/۳۴)

سکونت در لغت نامه دهخدا

آوا: س ن
نوع لغت: ع مص
شرح: اقامت و آرامش . سکون: که اگر در آن وقت سکونت را کاری پیوستند اندر آن فرمانی ... داشتند.
(تاریخ بیهقی)

بیت

مکانی است که در آن بیتوته شود یعنی شب به روز آورده شود.

بیت در قاموس قرآن

بیت:

مسکن. اعم از آنکه از سنگ باشد یا موی و غیره (طاق- خیمه) (اقرب الموارد، مفردات) طبرسی ذیل آیه ۱۲۵ بقره فرماید: بیت و منزل و مأوی نظیر هم‌اند و بیت شعر را از آن بیت گویند که حروف و کلام را جمع کرده مثل منزل که اهلس را جمع میکند. راغب گوید: جمع بیت، بیوت و ابیات است لیکن بیوت مخصوص بمسکن و ابیات مخصوص بشعر است. «فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا» بقره:

هر که خانه خدا را قصد کند (حج آورد) یا عمره آورد بر او گناه نیست که بصفا و مروه بگردد و طواف کند. «فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا» نمل: ۵۲ اینک خانه‌هایشان- در اثر ظلمیکه کردند خالی مانده است.

کلمه بیت در قرآن در بیوت مردم و حشرات و چادر و غیره بکار رفته است مثل «وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا» نحل: ۸۰ «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا» نحل: ۶۸ «كَمَثَلِ الْعَنكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بُيُوتًا» عنكبوت: ۴۱.

«- وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَ أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أُبْوَابِهَا» بقره: ۱۸۹.

اهل تفسیر گفته‌اند: در جاهلیت اشخاص محرم مادامیکه در حال احرام بودند بمنازل خود نقبی زده و از آن داخل میشدند و آنرا کار خوب می‌پنداشتند، در مجمع البیان آنرا از ابی جارود از امام باقر علیه السلام نقل کرده است.

بنا بر این، آیه میگوید خوبی آن نیست که بخانه‌ها از عقب آنها در آئید بلکه خوبی در تقوی است و بمنازل از درهای آنها در آئید.

و در وجه ربط ما بعد آیه با ما قبل آن که میگوید «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» گفته‌اند: چون در ما قبل از حج یاد شده بدان مناسبت این عادت بد ذکر و رد آن تذکر داده شده است.

در اخبار اهل بیت علیهم السلام که در تفسیر عیاشی و غیره نقل شده «وَ أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» باتیان امور از وجوه شرعی معنی شده و نیز نقل شده: «آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ابواب الله و سبيله و الدعاة الى الجنة و القادة اليها و الأدلاء عليها الى يوم القيمة.»

نا گفته نماند از اینکه نقل شد: بیت بمعنی مسکن است خواه از سنگ باشد یا پارچه و از اینکه در معنی «دار» میگویند: محلی است که جامع بناء و عرصه است (قاموس) روشن میگردد که ترجمه صحیح بیت، اطاق و ترجمه «دار» خانه است، اطلاعات قرآن نیز از این قرار است، چنانکه با مراجعه به المعجم - المفهرس واضح میگردد.

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ: احزاب: ۳۳ در باره این آیه به «اهل» رجوع شود.

قاموس قرآن، ج ۱، ص: ۲۴۸

بیت در لغت نامه دهخدا

آوا: ب

نوع لغت: ع

شرح: خانه . ج ، ایات ، بیوت . جج ، ابابیت ، بیوتات ، ایباوات . (منتهی الارب) (ناظم الاطباء). خانه . (ترجمان القرآن). مسکن . (اقرب الموارد). خانه و سرای . بیوت جمع و بیوتات جمعالجمع. (آندراج). محل سکونت . جای باش ، از هر چه ساخته باشند. (از اقرب الموارد). خانه و این ماخوذ است از بیتوته ای که بمعنی شب گذرانیدن باشد چون اکثر اوقات بیتوتت در خانه میباشد لهذا خانه را بیت گفتند. (غیاث). خانه و سرای . ج ، بیوت . جج ، بیوتات . (آندراج)

منزل

جای فرود آمدن و وارد شدن می باشد. در حالیکه مسکن مفهوم کلی تری داشته و منظور مکانی است که انسان در آن ساکن بوده و آرامش می گیرد.

منزل در قاموس قرآن

نزول:

اصل نزول بمعنی فرود آمدن است چنانکه در مفردات و مصباح و اقرب گفته است عبارت راغب چنین است: «النزول فی الاصل:

هو انحطاط من علو» در باره باران آمده: أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ واقعه: ۶۹. آیا شما آنرا از ابر فرود آورده‌اید یا ما فرود آوردگانیم؟ ایضا: رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ ... مائده: ۱۱۴. خدایا بما از آسمان مائدهای فرود آور.

(نزل): (بضم ن، ز): آنچه برای میهمان آماده شده تا بر آن نازل شود چنانکه در قاموس گوید: آنرا منزل نیز گفته‌اند
راغب گوید: النَّزْلُ:

ما يعدّ للنَّازل من الزَّاد

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا كهف: ۱۰۷. باهل ایمان و عمل جنات فردوس منزل
یا مهیّا شده است. وَ أَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكذِّبِينَ الضَّالِّينَ. فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ. وَ تَصْلِيَةٌ جَهِيمٍ واقعه: ۹۲-۹۴. اما اگر از مکذبین و
گمراهان باشد پس برای اوست آماده شده‌ای از آب جوشان و انداخته شدن بآتش بزرگ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا
كهف: ۱۰۲. نزلة:

یکبار نازل شدن وَ لَقَدْ رَأَى نَزْلَةَ أُخْرَىٰ نُجُم: ۱۳. در یک نزول دیگر او را دیده است.

(منزل): (بصیغه مفعول) مصدر میمی و اسم مفعول است وَ قُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا ... مؤمنون:

بگو پروردگارا مرا از کشتی فرود آور فرود آوردن مبارکی و در آیه أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزِلِينَ
آل عمران: ۱۲۴.

اسم مفعول است. (تنزل): در صحاح، قاموس و اقرب آنرا نزول با مهلت و تأنی گفته است وَ مَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ...
شعراء: ۲۱۰. قرآن را شیاطین نازل نکرده‌اند میشود مهلت و تدریج را از آیه اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ
مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ طلاق: ۱۲. فهمید که نزول امر تدریجی است.

قاموس قرآن، ج ۷، ص: ۴۴

منزل در تفسیر نمونه

نزل (بر وزن رسل) هم به معنی منزلگاه آمده، و هم به معنی چیزی که برای پذیرائی میهمان آماده می شود، بعضی
گفته اند نخستین چیزی است که با آن از میهمان پذیرائی می کنند، همانند شربت یا میوه ای که در آغاز ورود میهمان
برای او می آورند. (تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۵۵۷)

منزل در لغت نامه معین

آوا: مَ ز

نوع لغت: اِ

شرح: ۱- خانه، سرای. ۲- جای فرود آمدن. ج.

منازل.

ریشه: ع.

تفاوت غرفه و حجره

تعریف حجره:

حجره در تفسیر نمونه

حجرات " جمع " حجره " اشاره به اطاقهای متعدد است و در اصل از ماده حجر (بر وزن اجر) به معنی منع است ، زیرا " حجره " مانع ورود دیگران در حریم زندگی انسان است (تفسیر نمونه جلد ۲۲ صفحه ۱۴۱)

حجره در لغت نامه دهخدا

آوا: ح ر

نوع لغت: ع ا

:

شرح: پاره ای زمین دیوار در کشیده مسقف . (پاره ای از زمین) . دهار. ج ، حَجْر، حُجرات ، حُجرات و حُجرات.

- ❖ در تداول فارسی زبانان ، اطاق طلبه در مدرسه .
- ❖ دکان تاجر .
- ❖ هریک از خلوتهای حمام : حمامی دارای ده حجره .
- ❖ خانه خرد (منتهی الارب) . خانه . اتاق . غرفه : خرد برزین گل مهر خواست .

تعریف غرفه:

غرفه در قاموس قرآن:

غَرْف:

(بر وزن فلس) اخذ کردن.

« غرف الماء بیده: اخذه: بها» در مفردات آمده: غرف برداشتن و اخذ شیء است و غرفه بضم اول بمعنی برداشته شده است.

وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ بقره: ۲۴۹.

اغتراف مثل غرف بمعنی اخذ است غُرْفَةً را بفتح اول و ضم آن خوانده‌اند ولی بضم اول مشهور است در صورت اول مفعول مطلق است و در صورت دوم مفعول به اغْتَرَفَ. و بمعنی مغروف است یعنی: هر که از آن نهر نخورد او از من است مگر آنکه کسی مقداری با دست خود اخذ و تناول کند إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ استثنا است از قَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ در صدر آیه. أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ (الْغُرْفَةَ) بِمَا صَبَرُوا فرقان: ۷۵. طبرسی رحمه الله غرفه را درجه رفیعہ معنی کرده و فرماید آن در اصل بنائی است بالای بنائی و بقولی غرفه عالیترین و نیکو- ترین منازل بهشت است چنانکه در دنیا عالیترین مساکن است. اهل لغت غرفه را بنای عالی و مرتفع گفته‌اند جمع آن در قرآن غرفات بضم اول و دوم و غرف (بر وزن سرد) آمده است.

لَتُبَوَّئِنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا عَنكَبُوتٍ: ۵۸. حتما حتما غرفه‌هایی از بهشت برایشان مهیا میکنیم. وَ هُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ سَبَاء: ۳۷. اللهم اجعلنا منهم بمحمد و آله صلواتک علیهم اجمعین.

قاموس قرآن، ج ۵، ص: ۹۳

گرفته در تفسیر نمونه

غرفات جمع غرفه به معنی حجره هائی است در طبقه بالا قرار گرفته که هم نور بیشتر دارد و هم هوای بهتر، و هم از آفات به دور است، به همین دلیل این تعبیر در مورد برترین منازل بهشت به کار رفته است. این لغت در اصل از ماده غرف (بر وزن برف) به معنی بالا بردن و برداشتن چیزی است. (تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۱۰)

گرفته در لغت نامه دهخدا

آوا: غ ف

نوع لغت: ا

شرح: ۱ - بالاخانه، بام. ۲ - اتاق یا قسمتی مجزا از یک سالن

بلد

سرزمین، شهر

بلد در قاموس قرآن:

بَلَد:

سرزمین «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا» اعراف: ۵۸، سرزمین پاک و خوب علفش باذن پروردگارش میروید و سرزمینیکه خبیث است علف آن نمیروید مگر بصعوبت. باید دانست: بلد بمعنی شهر نیست و معنای آن چنانکه از خود قرآن نیز بدست میاید، سرزمین و دیار است و در اصطلاح فعلی، عربها (سال ۱۳۹۰ قمری هجری) بمالک، بلاد میگویند. در قاموس گوید: «البلد و البلدة ... کلّ قطعة من الارض مستخيرة عامرة او غامرة» در اقرب الموارد آمده: «البلد و البلدة کلّ موضع من الارض عامرا او خلاء» راغب گفته: بلد مکانی است محدود و معین و محلّ انس باجتماع ساکنین و اقامتشان، جمع آن بلاد و بلدان است.

سُقْنَاهُ لِيَلِدَ مَيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ» اعراف: ۵۷. ابر را برای سرزمینی مرده سوق دادیم و بواسطه آن آب نازل نمودیم. «بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ غَفُورٌ» سباء: ۱۵ سرزمین دلچسب و خوش آیند و پروردگار چاره ساز «فَتَقَبَّوْا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّحِيصٍ»

ق: ۳۶. در سرزمین‌ها راهها ساختند آیا فرارگاهی هست؟

در آیهی «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا» ابراهیم: ۳۵، و آیات ۱ و ۲ سوره بلد- و ۳ سوره تین- و ۱۲۶ بقره- و ۹۱ نمل که نوعاً «بلد» را شهر مکه گفته‌اند، اگر سرزمین بگوئیم و از معنی اول خارج نشویم هیچ اشکالی نخواهد داشت، زیرا دیار و سرزمین شامل شهر نیز هست بقیه‌ی مطلب در «قریه و مدینه» دیده شود.

قاموس قرآن، ج ۱، ص: ۲۲۵

بلد در لغت نامه معین

آوا: بَلَّ

نوع لغت: اِ

شرح: ۱- شهر. ج . بلاد، بلدان . ۲- زمین ، ناحیه . ۳- آن که راه را می شناسد و دیگران را راهنمایی می کند

جار در لغت نامه دهخدا

نوع لغت: ع ص ، اِ

شرح: همسایه . (منتهی الارب) (مهذب الاسماء) (آندراج) آنکه خانه اش نزدیک یا چسبیده به خانه شخص باشد. ج ، جیران ، آجوار، جیره. (منتهی الارب). مولف کشف اصطلاحات الفنون آرد: جار بتخفیف راء مهمله در لغت همسایه را گویند. ابوحنیفه گفته همسایه کسی را نامند که خانه اش پهلو به پهلوِ خانه تو باشد بنحوی که اگر مالک خانه بود استحقاق هم شفعیگی با تو پیدا کند، زیرا جار در لغت عرب از مجاورت آمده که بمعنی ملاصقت حقیقی است . بدین مناسبت همسایه شامل کسی است که خانه او ملاصق خانه تو باشد.

علامه طباطبایی در تعریف زینت می‌فرماید: زینت هر چیز زیبا و دوست داشتنی است که ضمیمه چیز دیگری شده، به آن زیبایی می‌بخشد و مرغوب و محبوب قرار می‌دهد. طالب زینت به طمع رسیدن به آن حرکت می‌کند و در نتیجه از فواید آن چیز هم منتفع می‌شود.

زینت در قاموس قرآن:

زینت:

زینت سه گونه است: زینت باطنی مثل علم و اعتقادات خوب، زینت بدنی مثل نیرومندی و غیره، زینت خارجی مثل زبور و مال و غیره (استفاده از مفردات)

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا: كهف: ۷. «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...» كهف: ۴۶. «وَلَكِنَّا حُمَلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ» طه: ۸۷.

زینت در این آیات در زیور و مال و وسائل زندگی بکار رفته است و آن از «زبور» فارسی اعم است.

كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ... انعام: ۱۰۸.

«وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَزِينَةً فِي قُلُوبِكُمْ...» حجرات

زینت در این دو آیه و نظیر آنها زینت باطنی است.

زینت در قرآن بخدا نسبت داده شده چنانکه گذشت و مثل «زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ» نمل: ۴. «زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا» صافات: ۶.

و نیز بشیطان نسبت داده شده «وَ إِذْ زَيَّنَّا لَهُمُ الشَّيْطَانَ أَعْمَالَهُمْ...» انفال: شیطان در اثر قدرت و مهلتی که از جانب

خدا باو داده شده میتواند عمل بد را در نظر انسان خوب جلوه دهد.

ازینت

از باب تَفَعَّلَ بمعنی زینت گرفتن و آراسته شدن است و آن فقط یکبار در قرآن آمده است: حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ... یونس: ۲۴. زمین زیور خود را اخذ کرد و آراسته شد.

یا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...: اعراف: ۳۱. غرض از آیه لباس تازه پوشیدن است در نمازهای جمعه و

اعیاد چنانکه از امام باقر علیه السلام نقل شده. و گفته‌اند در هر نماز، عیاشی از حضرت مجتبی علیه السلام نقل کرده که

چون بنماز بر میخاست بهترین لباسهای خویش را می‌پوشید از آنحضرت علت این کار پرسیدند فرمود: خدا زیباست

زیبائی را دوست دارد ان الله جمیل یحب الجمال برای خدایم آراسته می‌شوم و او میفرماید «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»

لذا دوست میدارم که بهترین لباسهایم را بیوشم از امام صادق علیه السلام اخذ زینت، شانه زدن نقل شده (مجمع)

وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...

نور: ۳۱. روایات اهل بیت علیهما السلام درباره زینت چنین است.

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم آیا دو بازوی زن از زینت است که خدا فرموده «وَ لَا يُبْدِينَ

زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ»؟ فرمود:



دانشگاه علم و صنعت ایران

Islamicarchitecture.ir

کتابخانه

قطب علمی معماری اسلامی

کد فایل: قطب علمی معماری اسلامی - معماری اسلامی

نعم و ما دون الخمار من الزينة و ما دون السوارين» یعنی آنچه رو سری آنرا میپوشاند (از سر و گردن) و بالاتر از دو دستبند از زینت است. در این روایت گردن، موی سر، بازوها و غیره مصداق زینت‌اند.

زراره از امام صادق علیه السلام از: «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» پرسید فرمودند: الزينة الظاهرة الكحل و الخاتم یعنی: زینت ظاهر سرمه چشم و انگشتر است.

ابو بصیر از آنحضرت از «و لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» پرسید فرمود: «الخاتم و المسكة و هي القلب» یعنی انگشتر و دستبند. کافی ج ۶ ص ۵۲۱.

علی هذا مراد از زینت در آیه اعم از زیور و زینت طبیعی است در روایت دیگر راوی بامام گفت کدام قسمت از بدن جایز است مرد نامحرم به بیند فرمود: «الوجه و الكفان و القدمان» چهره و دو دست و دو پا. ۲۰ ربیع الاول ۱۳۹۲.

قاموس قرآن، ج ۳، ص: ۱۹۵

زخرف

هر چیز تزویر کرده و خوب نمایی را که باطن نازیبای آن را بوسیله آرایش ظاهری پنهان کنند زخرف گویند. (از دهار). تزویر کرده (از لسان العرب)

زخرف در اصل بمعنی زر است و یا در اصل بمعنی زینت و کمال خوبی است و سپس بدین مناسبت آن را بر زر اطلاق کنند. (از محیط المحيط). ابن سیده گوید: معنی اصلی و اولی زخرف زر است سپس هر زیوری را زخرف خواندند، سپس باز هر چیز که تزویر و تدلیس در آن بکار رفته و ظاهری آراسته و فریبنده برای آن ساخته شده باشد، زخرف خوانده اند. (از لسان العرب): او یکون لك بیت من زخرف . (قرآن ۹۳/۱۷); یعنی تا تو را خانه ای بود زرین . (از کشف الاسرار ج ۵ ص ۶۰۴ و ۶۱۸) زخرف در آیه: «حتى اذا اخذت الارض زخرفها» (قرآن ۲۴/۱۰) بمعنی کمال خوبی است یعنی تا آن زمان که زمین به کمال آرایش خود رسید. احتمال دیگر آن است که زخرف در این آیه بمعنی گیاهان رنگارنگ باشد. (از تاج العروس)

زیور پیرایش شده (ساخته شده) است . و بدین مناسبت طلا را نیز زخرف گویند. «بیت من زخرف» (قرآن ۹۳/۱۷) بمعنی خانه ای است از طلای پیراسته . (از مفردات راغب)

زخرف در این حدیث به معنی نقش و نگار زرین است: «لم يدخل الكعبة حتى امر الزخرف فمحي»؛ یعنی (پیغمبر ص درون کعبه نرفت تا اینکه فرمان داد نقش و نگار را از (در و دیوار) کعبه محو کردند. (از منتهی الارب). زخرف در این حدیث بمعنی نقوش و تصاویری است که در آن وقت کعبه را بدان میآراستند و همه از طلا بود و پیغامبر اسلام (ص) فرمان داد جمله آنها را نابود کردند. (از لسان العرب)

زخرف در قاموس قرآن:

زخرف:

زینت «حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ ...» یونس:

راغب آنرا زینت روکش گفته که نقش و نگار است. و نیز آنرا کمال حسن گفته‌اند (مجمع - اقرب) یعنی چون زمین زیبایی خود را گرفت و آراسته شد. «أَوْ يَكُونُ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُخْرَفٍ ...» اسراء: ۹۳. یعنی برای تو اطافی باشد از طلا.

ظاهراً مراد آنست که زینت آن از طلا باشد. طلا را بجهت کمال حسن زخرف گفته‌اند زخرف القول سخنی است باطل که ظاهر آن صدق و راست می‌نماید «يُوحَىٰ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا...» انعام: ۱۱۲. بعضی قول باطل و ظاهر الصدق را برای فریب القا میکند. آن بمعنی مفعول (مزخرف) است.

زخرف نام سوره چهل و سوم از قرآن است گوئی بمناسبت آیه ۳۵ همان سوره، زخرف خوانده شده است «وَلِيُؤْتِيَهُمْ أُبُوبًا وَ سُرُرًا عَلَیْهَا يَتَّكُونَ وَ زُخْرَفًا». در مجمع گوید: زخرف کمال حسن شیء است و لذا بطلا و بنقوش و تصاویر زخرف گفته‌اند در حدیث است که «أَنَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَمْ يَدْخُلِ الْكَعْبَةَ حَتَّىٰ أَمَرَ بِالزُّخْرَفِ فَتَحَّىٰ» آنحضرت وارد کعبه نشد تا فرمود که تصاویر و نقوش را از آن کنار کردند.

در مجمع گوید: «زخرفا» در آیه منصوب است با فعل مضمر یعنی «و جعلنا لهم زخرفا» ولی شاید عطف باشد به "سررا".

قاموس قرآن، ج ۳، ص: ۱۵۹

انتخاب مکان مسکن

آیات مربوط به بلد

احادیث مربوط به بلد

احادیث مربوط به روستا

تفسیر آیات و احادیث

امنیت

عدل

رفاه

تنظیم روابط اجتماعی

عناصر شهری و معماری

مسجد

مسکن

نشانه ها

❖ وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ

آیه ۵۸ سوره اعراف

ترجمه:

❖ و سرزمین پاکیزه (و شیرین) گیاهش به فرمان پروردگار میروید اما سرزمینهای بدطینت (و شورهزار) جز گیاه ناچیز و بی ارزش از آن نمیروید، اینگونه، آیات را برای آنها که شکر گزارند بیان میکنیم.

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۱۵

تفسیر:

در این آیه برای اینکه گمان نشود یکنواخت بودن باران دلیل آن است که همه سرزمینها یکسان زنده شوند، و برای اینکه روشن گردد، استعدادها و آمادگیهای متفاوت سبب استفاده های مختلف از مواهب الهی میگوید سرزمین شیرین و پاکیزه گیاهان پربرکت و مفید و سودمند خود را به اذن پروردگارش بیرون میفرستد: و البلد الطیب یخرج نباته باذن ربه اما زمینهای شوره زار و خبیث و زشت، چیزی جز گیاهان ناچیز و کم ارزش نمی رویند: و الذی خبث لا یخرج الا نکدا. آیه فوق در حقیقت اشاره به یک مساله مهم است که در زندگی این جهان و جهان دیگر در همه جا تجلی میکند، و آن اینکه تنها فاعلیت فاعل برای به ثمر رسیدن یک موضوع، کافی نیست بلکه استعداد و قابلیت قابل نیز شرط است، از دانه های باران حیاتبخشتر و لطیفتر تصور نمیشود، اما همین بارانی که در لطافت طبعش کلامی نیست در یک جا سبزه و گل می رویند و در جای دیگر خاشاک.

❖ وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ

آیه ۳ سوره تین

ترجمه:

❖ و قسم به این شهر امن (مکه)

تفسیر نمونه جلد ۲۷ صفحه ۱۳۹

تفسیر:

در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می خوانیم که خداوند از میان شهرها چهار شهر را برگزید، و در باره آنها فرمود: و التین و الزیتون و طور سینین و هذا البلد الامین : تین مدینه است و زیتون بیت المقدس و طور سینین کوفه و هذا البلد الامین مکه است منظور از ((طور سینین)) ظاهرا همان طور سیناء است که مفسران آن را اشاره به کوه طور معروف که در صحرای سیناء است دانسته اند، و در آنجا درختان پر بار زیتون وجود دارد. سینا را به معنی کوه پر برکت، یا پر درخت، یا زیبا، می دانند، و همان کوهی است که موسی به هنگام مناجات به آنجا می رفت. بعضی نیز آن را کوهی در نزدیک کوفه و سرزمین نجف دانسته اند. بعضی تصریح کرده اند که سینین و سیناء یکی است و معنای آن پر برکت است و اما هذا البلد الامین مسلما اشاره به سرزمین مکه است سرزمینی که حتی در عصر جاهلیت به عنوان منطقه امن و حرم خدا شمرده می شد، و کسی در آنجا حق تعرض به دیگری نداشت، حتی مجرمان و قاتلان وقتی به آن سرزمین می رسیدند در امنیت بودند. این سرزمین در اسلام اهمیت فوق العاده ای دارد، حیوانات و درختان و پرندهگان او، تا چه رسد به انسانها، از امنیت خاصی باید در آنجا برخوردار باشند.

❖ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّتِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

آیه ۹۱ سوره نمل

ترجمه:

❖ (بگو) من مامورم پروردگار این شهر (مقدس مکه) را عبادت کنم همان کسی که این شهر را حرمت بخشیده و همه چیز از آن اوست و من مامورم که از مسلمین باشم.

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۷۲

تفسیر:

نخست می فرماید: من مامورم پروردگار این شهر مقدس (شهر مکه) را عبادت کنم! (انما امرت ان اعبد رب هذه البلده) این شهر مقدسی که تمام افتخار شما و موجودیتتان در آن خلاصه می شود، شهر مقدسی که خدا آن را با برکاتش به شما ارزانی داشته ولی شما بجای شکر نعمتش کفران می کنید. شهر مقدسی که حرم امن خداست و شریفترین نقطه روی زمین، و قدیمی ترین معبد توحید است.

آری من مامورم پروردگاری را عبادت کنم که این شهر را حرمت نهاده: الذی حرّمها ویزگیهائی برای آن قرار داده، و احترامات و احکام خاص، و ممنوعیتهائی که برای شهرهای دیگر در جهان نیست.

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ
وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ

آیه ۱ و ۲ سوره بلد

ترجمه :

۱- قسم به این شهر مقدس (مکه)

۲- شهری که تو ساکن آنی

تفسیر نمونه جلد ۲۷ صفحه ۷

تفسیر :

سوگند به این شهر مقدس

سنت قرآن در بسیاری از موارد بر این است که بیان حقایق بسیار مهم را با سوگند شروع می کند. سوگندهائی که خود نیز سبب حرکت اندیشه و فکر و عقل انسان است ، سوگندهائی که ارتباط خاصی با همان مطلب مورد نظر دارد. در اینجا نیز برای بیان این واقعیت که زندگی انسان در دنیا توأم با درد و رنج است از سوگند تازه ای شروع می کند و می فرماید :

قسم به این شهر مقدس شهر مکه: لا اقسام بهذا البلد.

شهری که تو ساکن آن هستی : و انت حل بهذا البلد.

گرچه در این آیات نام مکه صریحاً نیامده است ، ولی با توجه به مکی بودن سوره از یکسو، و اهمیت فوق العاده این شهر مقدس از سوی دیگر، پیدا است که منظور همان مکه است ، و اجماع مفسران نیز بر همین است

حقیقت این است که ارزش سرزمینها به ارزش انسانهای مقیم در آن است ، مبادا کفار مکه تصور کنند اگر قرآن به این سرزمین قسم یاد می کند برای وطن آنها و یا کانون بتهایشان اهمیت قائل شده است ، نه چنین نیست ، تنها ارزش این شهر (گذشته از سوابق تاریخی خاص آن) به خاطر وجود ذیجود بنده خاص خدا محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

❖ «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَىٰ ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ» .

«و میان آنان و آبادیهایی که برکت داده بودیم، آبادیهای به هم پیوسته قرار دادیم و در آنها مسیری مشخص قرار دادیم، پس در آن قریه‌ها شبها و روزها سیر و سفر کنید در حالی که ایمن هستید» .
(مراجعه به الانبیاء : ۷۱ ، ۸۱ والمؤمنون : ۵۰ والقصص : ۲۹ ، ۳۰ والنازعات : ۱۶ والبلد : ۱ ، ۲ والتین : ۱-۳) .

عَلَيْكُمْ بِالْأَمْصَارِ الْعِظَامِ - به شهرهای بزرگ بروید

❖ الإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِيمَا كَتَبَهُ إِلَى الْحَارِثِ الْهَمْدَانِيِّ : وَاسْكُنِ الْأَمْصَارَ الْعِظَامَ ، فَإِنَّهَا جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ ، وَاحْذَرِ مَنَازِلَ الْغَفْلَةِ وَالْجَفَاءِ .

امام علی علیه السلام - در نامه خود به حارث همدانی - : در شهرهای بزرگ سکونت کن که محل گرد آمدن مسلمانان است و از جاهایی که مردمش نادان و درشت‌خویند دوری کن .

خَيْرُ الْبِلَادِ - بهترین سرزمین‌ها

❖ الإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَيْسَ بَلَدٌ بِأَحَقَّ بِكَ مِنْ بَلَدٍ ، خَيْرُ الْبِلَادِ مَا حَمَلَكَ .

امام علی علیه السلام : برای تو شهری سزاوارتر از شهر دیگر نیست ؛ بهترین شهرها آن است که تو را تحمل کند (در آن رفاه و آسایش داشته باشی) .

مَا لَا يَسْتَعْنِي عَنْهُ أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ - نیاز ضروری مردم هر سرزمینی

❖ الإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَسْتَعْنِي أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنْ ثَلَاثَةٍ يُفَزَعُ إِلَيْهِمْ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ وَأَخْرَجَتْهُمْ ، فَإِنْ عَدِمُوا ذَلِكَ كَانُوا هَمَجًا : فَفَقِيهٌ عَالِمٌ وَرِعٌ ، وَأَمِيرٌ خَيْرٌ مُطَاعٌ ، وَطَبِيبٌ بَصِيرٌ ثِقَةٌ .

امام صادق علیه السلام : مردم هر شهری به سه چیز نیازمندند که در کار دنیا و آخرت خود به آنها رجوع کنند و چنانچه آن سه را نداشته باشند گرفتار جهل و نابسامانی می‌شوند : فقیه دانا و پارسا ، فرمانروای نیکوکار و مطاع و پزشک حاذق و مطمئن .

❖ أوصى النبي صلى الله عليه وآله لعلى عليه السلام : يا على لا تسكن الرستاق ، فانَّ شيوخهم جهلة ، و شبابهم عرمة ، و نسوانهم كشفة ، و العالم بينهم كالجيفة بين الكلاب.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! در روستا سکونت مکن ، زیرا که پیران روستا نادانند و جوانانش شرور و ددمنش اند و زنانش بی پرده و حجاب و عالم در میان آنها چونان لاشه مرداری است در میان سگان.

❖ و قال النبي صلى الله عليه وآله : من لم يتورع في دين الله ابتلاه الله تعالى بثلاث خصالٍ إما أن يمته شابا ، أو يوقعه في خدمة السلطان ، أو يسكنه في الرساتيق .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که در دین خدا ورع و پارسایی نداشته باشد ، خداوند او را به سه چیز گرفتار سازد : یاجوانمرگش کند ، یا به خدمتگزاری سلطان در آوردش ، یا در روستاها اسکانش دهد.

❖ و قال صلى الله عليه وآله : ستة يدخلون النار قبل الحساب بستة : قيل : من هم يا رسول الله ؟ قال : و الامراء بالجور و العرب بالعصبية ، و الدهاقين بالكبر ، و التجار بالخيانة ، و أهل الرساتيق بالجهالة ، و العلماء بالحسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شش گروهند که به سبب شش خصلت ، بی حساب به دوزخ روند... و روستائیان به سبب جهل و نادانی .

❖ عن علي قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : الرستاق حظيرة من حظائر جهنم ، ليس فيها حد و لا جمعة و لا جماعة ، صبيهم عارم و شبانهم شياطين و شيوخهم جهال ، المؤمن أتنن فيهم من الجيفة

علی علیه اسلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روستا آغلی از آغلهای دوزخ است و در آن نه حدی اجرا می شود ، نه نماز جمعه ای و نه جماعتی کودکانشان شرور و موذی اند ، جوانانشان شیطان صفتند و پیرانشان نادانند ، مؤمن در میان آن ها گندیده تر از لاشه مردار است .

میزان الحکمه ، صفحه ۲۰۶۸



دانشگاه علم و صنعت ایران

Islamicarchitecture.ir

کتابخانه

قطب علمی
معماری اسلامی

کد فایل: قطب علمی معماری اسلامی - معماری اسلامی

در روایات بسیاری به سکونت در شهرهای بزرگ و ممانعت از تشکیل روستاهای کوچک و پراکنده و یا کوچ نشینی و زندگی عشایری توصیه شده است، زیرا رساندن خدمات اقتصادی، فرهنگی و امنیتی به این مکانهای پراکنده، مقدور نیست و اکثرا این گونه افراد زندگی‌های بسیار سطح پایینی دارند. حضرت علی (علیه السلام) در نامه ای به حارث همدانی می‌فرماید: «وَأَسْكُنِ الْأَمْصَارِ الْعِظَامِ فَإِنَّهَا جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ». در شهرهای بزرگ سکونت کن زیرا این گونه بلاد عظیم مایه تجمع مسلمین است. آن حضرت در جمله‌ی دیگری در نهج البلاغه می‌فرماید: «الزُّمُورُ سِوَادُ الْأَعْظَمِ فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الْجَمَاعَةِ». ملازم جمعیت‌ها و شهرهای بزرگ باشید زیرا دست خدا همراه و پشت و پناه جماعت است.

یکی از مهمترین دستاوردهای فکری، فلسفی، هنری، صناعی و تولیدی تمدنها و جوامع بشری «شهر» است که هم از ماندگاری نسبی برخوردار می‌باشد، هم تجلی باورها و ارزشهای فرهنگی جامعه است و هم اینکه بر رفتار انسان اثر می‌گذارد و ضمن آنکه بیانگر هویت جامعه در انظار جهانیان و تاریخ است. تنظیم کننده روابط آحاد جامعه با یکدیگر نیز می‌باشد و بسیاری خواص دیگر که از ذکر آنها احتراز جسته و مطالعه در آنها به منابع مربوط ارجاع می‌گردد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: سه چیز است که همه مردم به آنها محتاجند: امنیت، عدالت، رفاه. از جمله ویژگی‌های شهر اسلامی تأمین رفاه و آسایش شهروندان، با جهت گسترش معنویت، امنیت و عدالت می‌باشد.

امنیت

واژه امن در تعالیم قرآنی در برابر خوف [نساء/۳۶] و از نتایج شرک ورزیدن [انعام/۸۱] و آلودن ایمان به ظلم بکار رفته است. علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه ۵۵ سوره نور می‌فرماید: «این آیه به مؤمنین وعده می‌دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کنند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند.»

به این ترتیب مشخص می‌شود که امنیت یکی از مختصات معنوی مهم جامعه اسلامی است و آن را در زمینه‌های مختلف می‌توان مورد مطالعه قرار داده و راههای فراهم آوردن هر کدام را برای شهروندان شناسایی و آنها را در شهر اسلامی به منصفه ظهور رساند. اهمیت امنیت و ایمنی در جامعه مسلمین به حدی است که اولین وظیفه مسلمین در تماس با یکدیگر القاء این مطلب به طرف مقابل است و در این راستا ابتدایی‌ترین راه القاء امنیت، سلام است. اهمیت امنیت برای شهر و شهروندان به حدی است که خداوند تبارک و تعالی به هنگام قسم یاد کردن به شهر (مکه) آن را به صفت امین یاد می‌فرماید: «و هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» و قسم به این شهر امن و امان (مکه معظمه). (تین - ۸) امنیت در جامعه و شهر اسلامی مشتمل بر ابعاد متفاوتی است که از اهم آنها عبارتند از: امنیت اجتماعی، امنیت در مقابل هجوم بیگانه، امنیت در مقابل بلایای طبیعی، امنیت در مقابل عوارض فعالیت‌های انسان (انواع آلودگیهای محیطی صوتی و بصری) امنیت در مقابل وسوسه شیطانی و مصرف‌گرایی و رقابتهای مادی، امنیت روانی در مقابل ساخته‌های انسان (مقیاس انسانی در بعد روانی) و امنیت ضعفا در برابر اقویا (مانند امنیت پیاده در مقابل سواره)

آیات متعددی از قرآن کریم مسلمین را به رعایت عدل توصیه نموده است. از جمله این آیات عبارتند از:

«یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین لله قوامین شهداء بالقسط و لایجرمنکم شئان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتعوی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعلمون» ای اهل ایمان در راه خدا پایدار و استوار بوده و (بر سایر ملل عالم) شما گواه عدالت و راستی و درستی باشید و البته شما را نباید عداوت گروهی بر آن بدارد که از طریق عدل بیرون روید. عدالت کنید که عدل به تقوی نزدیکتر از هر عمل است و از خدا بترسید که خدا البته به هر چه میکنید آگاهست. (مائده- ۸)

«قل امر ربی بالقسط و اقیما وجهکم عند کل مسجد و ادعوا مخلصین له الدین کما بداکم تعدون» بگو ای رسول ما پروردگار من شما را به عدل و درستی امر کرده و نیز فرموده که در هر عبادت روی به حضرت او آرید و خدا را از سر اخلاص بخوانید که چنانچه شما را در اول بیافرید، دیگر بار به سویش باز آیید. (اعراف- ۲۹)

عدالت منحصر به عدالت قضایی و اجتماعی نیست. مفهوم عدل به عنوان صفت بارز فعل الهی مفهوم بسیار والایی است که اساس خلقت عالم وجود و برپایی و تداوم هستی کائنات است. نقش عدل در ایجاد شهر مناسب زیست مسلمین و تداوم حیات آن، بسیار حساس و حیاتی است. رعایت عدل نافی ایجاد قطبهای شهری بر مبنای درآمد و ثروت مردم و معیارهای مادی است. توزیع عادلانه امکانات شهری و فراهم آوردن امکان دسترسی متعادل ساکنین به آنها مورد مهم دیگری است که مرعی داشتن آن نشانه تجلی عدل در شهر است. استقرار و مکانیابی مناسب هر عنصر و فضای شهر و ارتباط منطقی و مناسب آنها با یکدیگر نیز موضوعی است که ریشه در رعایت عدل دارد.

با وجود اینکه در آیات و روایات به جنبه های رفاه انسان توجه زیادی مبذول شده ولی همواره در پی آن به رعایت حد و تعادل و عدم اسراف توصیه شده است. تعادل مناسب در محیط زندگی، فی الواقع، تجلی و نتیجه رعایت عدل در اعمال و فعالیت های فردی و جمعی جامعه است. واگذاری و توجه متعادل و مناسب به همه جنبه های زندگی و اصول و ارزشهایی که بایستی بر آن حاکم باشند، زمینه ساز ظهور جامعه های متعادل خواهد بود. تعادل موجود در عالم وجود، می تواند و باید به عنوان الگویی مورد نظر و توجه انسان باشد.

امیرالمؤمنین (ع) می فرماید که خداوند تبارک و تعالی حدود اشیاء را هنگام آفریدن هر یک تعیین فرمود تا خود از شبیه و مانند بودن به آنها امتیاز داشته باشد. لذا می توان گفت که یکی از مهمترین ویژگی های عناصر، عملکردها و فضاهای شهر اسلامی عبارت از تعریف و تعیین حدود آنها به وضوح و روشنی است، به گونه ای که هرگونه شبهه ای در نامحدود بودن آنها منتفی گردد. علاوه بر این بی حد و مرز بودن و اختلاط عملکردها و فضاها، مشکلات عدیده ای را در استفاده از آنها برای ساکنین شهر فراهم خواهد آورد.

یکی از روابط مهمی که انسان با جهان خارج از خویش برقرار می‌نماید، ارتباط او با سایر هم‌نوعانش در جامعه می‌باشد. برای تنظیم این روابط در سطح شهر می‌توان از تعالیم قرآنی دستورالعمل‌هایی را استخراج نمود که به عنوان مبانی نظری برنامه‌ریزی روابط انسانها و ایجاد محیطی که بتواند تقویت‌کننده و تجلیگاه این روابط بوده و از خلل و خدشه در آنها پیشگیری نماید، مورد استناد و استفاده قرار گیرد.

شهرها، توسط سازمان فضایی خاص خود، تنوع عناصر شهری، نوع پراکندگی و ارتباط عناصر شهری، نوع ارتباطاتی که بین آحاد جامعه بوجود می‌آورند، سلسله مراتب بین فضاهای مختلف شهر مشتمل بر فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی، نیمه عمومی و عمومی، و وحدت کالبدی و فضایی شهر، نقش بسیار مهمی در تنظیم روابط اجتماعی و ارتباطاتی که هر فرد با جامعه خویش دارد ایفا می‌نمایند.

وحدت جامعه اسلامی از مقولات مهمی است که تعالیم قرآنی بر آن تاکید ورزیده و مسلمین را به آن دعوت و ترغیب نموده است. برای این وحدت نیز مختصاتی را بر شمرده و عواملی را نیز باعث تقویت آن شمرده است از جمله: «و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا» و همگی به رشته دین خدا چنگ زده و براههای متفرق نروید و بیاد آرید، این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید و خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف خداوند همه برادر دینی یکدیگر شدید. (آل عمران- ۱ تا ۳)

بنابراین تنظیم روابط اجتماعی به نحوی که سبب تقویت وحدت جامعه شود، از مواردی است که توجه جدی را طلب می‌نماید. یکی از عواملی که می‌تواند روابط آحاد یک جامعه را به سمت اهداف و ارزشهای مورد انتظار آن جامعه هدایت نماید، محیط زندگی و فضاهایی است که ارتباطات اجتماعی و تماسهای مردم با یکدیگر در آنها رخ می‌دهد. این فضاها و همچنین سازمان فضایی شهرها و ارتباطات عناصر شهری با یکدیگر می‌توانند تاثیر بسزایی در افزایش تماس‌های مناسب اجتماعی و یا تقلیل آنها داشته باشند که به هر حال بر میزان احساس یگانگی و وحدت جامعه نقش دارند. یکی از عوامل تاثیرگذار بر وحدت جامعه عبارت از میزان امکان تماسهای رو در رو بین آحاد جامعه است که در مکانهای مختلفی چون کوچه، خیابان، مسجد، بازار، میدان و سایر امکان عمومی و در مراسمی چون نماز جمعه، نماز جماعت، مراسم فرهنگی، مراسم ملی، اعیاد و جشنها، ورزشهای جمعی، و حتی تجمعات و دیدارهای اتفاقی امکان آن افزایش می‌یابد. پس توجه به فضاها و مکانهایی که در تقویت وحدت مورد نظر تعالیم اسلامی مؤثرند، در برنامه‌ریزی و طراحی شهر اسلامی نقشی شایان توجه ایفا نموده و بایستی مورد توجه طراحان و برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان قرار داشته باشد.

در هر شهر و در هر عمارتی، عناصر بسیاری وجود دارند که هر کدام به طور مستقل و نسبت به سایر عناصر، هویت و ویژگیهای خاص خود را نیز طلب می‌نمایند. بعنوان مثال ویژگیهای مسجد با مسکن متفاوت خواهند بود. در این قسمت

برخی از آیاتی که به عناصر شهری یا معماری اشاره داشته و یا می‌توان از آنها در تبیین ویژگی این عناصر بهره گرفت، آورده شده‌اند.

مسجد

• اولین خانه

«ان اول بیت وضع للناس للذی بیکه مبارکاً و هدی للعالمین» بدانید اول خانه‌ای که برای مکان عبادت خلق بنا شده همان خانه مکه است. آن خانه برای مردم خیر بسیار دارد و سبب هدایت عالمیان است. (آل عمران - ۹۶)

این آیه مشخص میکند که اولین بنایی که به فرمان حضرت احدیت در جهان برای عبادت برپا شد، همان خانه کعبه است که آدم (ع) پس خلق شدن و هبوط به زمین به فرمان الهی آن را بنا کرد. با توجه به مقام خلیفه‌اللهی انسان در زمین، می‌توان نتیجه گرفت که اولین بنای هر مجموعه مسکونی باید محلی برای عبادت (مسجد) باشد. به عبارت دیگر مسجد باید اولین بنایی باشد که در هر مکان جدیدالتاسیس مسلمین بنا می‌گردد. این اصل را می‌توان به محلات و نواحی و شهرک‌ها و توسعه‌های جدید شهری تعمیم داد.

• تسلط بر سایر ابنیه

« فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ یسبح له فیها بالغدو والاصال » در خانه‌هایی که خدا رخصت داده، رفعت‌یابد و در آن ذکر نام خدا شود و صبح و شام تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند. (نور - ۳۶)

این آیه شریفه رفعت‌بنای مسجد را بر سایر ابنیه موجود در مجتمع روا می‌شمارد. این رفعت اعم از رفعت معنوی و روحانی و رفعت فیزیکی و مادی است. از این آیه شریفه می‌توان چنین استنباط کرد که کالبد مسجد بایستی تسلط روانی و فیزیکی خویش را بر محیط مصنوع (عمارات و شهر) بالاخص ابنیه‌ای که محل فعالیت‌های صرف مادی هستند، حفظ نماید. به عکس شهرهای امروزه که با کمال تأسف این نقش را به ابنیه اقتصادی داده‌اند و اهل شهرها همواره خویشتن را تحت سیطره پول و سرمایه حس می‌کنند.

مسکن

• محل آرامش

قرآن مسکن را محل آرامش می‌خواند: «والله جعل لکم من بیوتکم سکناً» و خدا برای سکونت دائم شما منزل‌هایتان را قرار داد. (نحل - ۸۰)

این آیه نشان می‌دهد که مکان‌یابی مسکن در شهر امری حساس است. به بیان دیگر، توجه به این اصل در مکان‌یابی مسکن در شهر و رابطه و همجواری آن با عملکردهای پرسروصدا و مولد آلاینده‌ها همچون کارخانه‌ها و معابر اصلی و نظایر آنها و هر آنچه که به آرامش انسان خدشه وارد نماید، نقش مهمی ایفا می‌کند. این امر همچنین به نوع استفاده از مصالح و استقرار فضاهای داخلی و رابطه آنها با یکدیگر تاثیر دارد.

• رعایت حقوق همسایگان

زمینه رعایت حقوق همسایگان نیز از اموری است که توسط طراح مسکن باید مورد توجه قرار گیرد. به بیان دیگر، طراح مسکن بایستی به ایجاد محیطی بیندیشد که در آن زمینه تضييع آگاهانه و ناآگاهانه حقوق همسایگان توسط ساکنان از بین برود. در روایتی از حضرت علی (ع) آمده است: «جاء رجل الى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال : يا رسول الله ، انى اردت شراء دار ، اين تامرنى اشترى فى جهينه ام فى مزينه ام فى ثقيف ام فى قریش ؟ فقال له رسول الله صلى الله عليه وآله : الجار ثم الدار ، الرفيق ثم السفر» امام علی علیه السلام: مردی خدمت پیامبر خدا آمد و عرض کرد: می خواهم خانه ای بخرم، دستور می فرمایید کجا بخرم؟ در میان جهینه یا مزینه یا ثقیف و یا قریش؟ پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به او فرمود: اول همسایه سپس خانه، اول یار راه سپس مسافرت. با توجه به مضمون این روایت می بایست در انتخاب مکان مسکن، در ابتدا توجه را به همسایگان مبذول داشت.

نشانه‌ها

در تعالیم اسلامی، نشانه‌ها یا "آیات" نقش مهمی در معرفی و ترویج حقایق و هدایت مردم ایفا می‌نمایند و بر همین اساس راهها و فضاها و عناصر شهری هر کدام بایستی حاوی نشانه‌هایی باشند که مردم را به سمت ارزشها هدایت نموده و به آنها متذکر گردند.

محیط زیست طبیعی

جریان هوا	گیاهان
آیات	آیات
احادیث	احادیث
تفسیر	تفسیر
آفتاب و نور خورشید	درختکاری و کشاورزی
آیه	احادیث
تفسیر	تفسیر
سایر عناصر	آب
تفسیر	آیات
ارتباط طبیعت و مسکن مطلوب	احادیث
	تفسیر

محیط زیست طبیعی از دیدگاه اسلام

محیط زیست طبیعی سالم تأثیر شگرفی بر روح و روان آدمی دارد. دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان با توجه به طبیعت، از تأثیر حیرت‌آور آن بر جسم و جان انسان سخن‌ها گفته و تأثیر فراوان طبیعت را بر اعمال و رفتار و فکر و اندیشه و نیز خصوصیات ظاهری انسان، تبیین و تشریح کرده‌اند. تعالیم قرآنی عناصر طبیعی را آیات و نشانه‌های قدرت و علم الهی و ابزار و وسیله شناخت اصولی چون توحید و معاد می‌شمارد. همه اینها لزوم ارتباطی نزدیک و مداوم بین انسان و طبیعت را ضروری می‌نماید تا امکان بهره‌گیری از این آیات الهی و تفکر در آنها فراهم آید. برخی از آیات و احادیثی که از عناصر طبیعی و نقش آنها در حیات و زندگی مادی و معنوی انسان سخن گفته‌اند، به این قرار است.

گیاهان

آیات:

❖ وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ أَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

❖ زمین را مرده و فسرده می‌بینی و چون آب باران بر آنها فرستیم، بجنبند و بر دمد و انواع گیاهان زیبا و شادی‌آفرین برویاند.

سوره حج، آیه ۶۲

واژه «بهیج» از ماده «بهج و بهجه» است که به معنای شادی، خوشحالی و سروری است که از نیکویی و زیبایی چیزی برخیزد.

❖ أَمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَلَمْ يَكُنْ مَعَهُ اللَّهُ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعِدُونَ

❖ آیا بتهائی که معبود شما هستند بهترند یا کسی که آسمان و زمین را آفریده؟ و برای شما از آسمان آبی فرستاد که با آن باغهایی زیبا و سرور انگیز رویاندیم، و شما قدرت نداشتید درختان آنرا برویاندید، آیا معبود دیگری با خداست؟ نه، آنها گروهی هستند که (از روی نادانی) مخلوقات خدا را در ردیف او قرار می‌دهند.

سوره نمل، آیه ۶۰

تفسیر:

علامه شعرانی (ره) در این باره می‌نویسد: «خرمی گیاه سبز و درخت و گل و شکوفه که در این آیات ذکر شده است، در انسان رغبت و نشاطی به وجود می‌آورد که زمین را آباد کند و کشت و زرع بسیار شود و روزی مردم فراح گردد.» (نثر طوسی، ص ۹۷) این طراوت، نشاط و بهجت‌انگیزی گیاهان و درختان در انسان انگیزه‌ای ایجاد می‌کند و او را به سمت عمران و آبادانی زمین و امیدواری به زندگی سوق می‌دهد.

❖ الامام الصادق علیه السلام: اربع یضثن الوجه: النظر الی الوجه الحسن، و النظر الی الماء الجاری، و النظر الی الخضره و الکحل عندالنوم

❖ امام صادق (ع): چهار چیز چهره را نورانی و روشن می‌کند که یکی از آنها تماشای گیاهان خرم و سرسبز است. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۲۸۹، و ج ۷۳، ص ۹۴

❖ عن ابی الحسن (ع): ثلاثه یجلون البصر: لنظر الی الخضره و النظر الی الماء الجاری و النظر الی الوجه الحسن
❖ سه چیز است که چشم را جلا می‌دهد: ۱- نگاه کردن به سبزی، ۲- نگاه کردن به آب جاری، ۳- نگاه کردن به روی زیبا

بحارالانوار ج ۱۰، ص ۲۴۶ و ج ۵۹، ص ۱۴۴ و ج ۷۵، ص ۲۹۱ و ج ۱۰۱، ص ۴۵

❖ الطیب نشره و العسل نشره، و الرکوب نشره و النظر الی الخضره نشره

❖ امام رضا (ع): بوی خوش، عسل، سوارکاری و نگاه به مناظر سرسبز و خرم، باعث نشاط و شادی می‌شود. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۲۸۹

بر طبق این نقل، نگاه به مناظر جذاب و سرسبز گیاهان برخی از بیماری‌ها را روحی و روانی را از بین می‌برد و افسردگی‌ها و غمها را می‌زداید. (نشره چیزی است که موجب آرامش و راحتی اعصاب می‌شود، پس از آن که دچار بیماری و افسردگی شده است.)

❖ الامام الصادق علیه السلام: مع ما فی النبات من التلذذ بحسن منظره و نظاراتها الی لا یعد لها شیء من مناظر العام و ملاهیة.

❖ امام صادق (ع)، در ابتدا متذکر منافع فراوان گیاهان و درختان و استفاده بیشتر از آنها می‌شود، و آن‌گاه می‌فرماید: نگاه کن به گل‌های رنگارنگ، شکوفه‌های زیبا و درختان سرسبز و خرم، جنان لذتی به آدمی می‌بخشد که هیچ لذتی را با آن برابر، نمی‌توان کرد.

بحارالانوار، ج ۳، ص ۱۲۹

گاهی احتمال داده می‌شود که مراد از این‌گونه روایات این است که نگاه کردن بر سبزی و خرمی گلها و گیاهان، بر بصیرت آدمی می‌افزاید و چشم دل را روشن می‌سازد؛ زیرا در برخی تعبیرها، این‌گونه آمده است:

«نگاه به سبزی و نشستن روبه روی کعبه (و نگریستن بدان) ... و پاکیزه نگه داشتن محل سکونت، بر قوت دیده می‌افزاید.» (اربعه تقوی البصر: الجلوس تجاه الكعبه، الکحل عندالنوم و النظر الی الخضره و تنظیف المجلس)

❖ اساساً تأمل عمیق در مظاهر زیبای عظیم آفرینش در جسم و روح آدمی سه اثر بسیار بزرگ دارد:

الف - تماشای طبیعت سرسبز و اصولاً شگفتی‌های زیبای جهان هستی می‌تواند انسان را به نظاره زیبایی‌های نامحسوس رهنمون کند.

ب - غم‌ها را می‌زداید، به انسان آرامش و آسودگی خاصی می‌بخشد و او را شاد و خوشحال می‌کند.

ج - خداوند روح بشر به گونه‌ای آفرید که استعداد بسیار گسترده‌ای دارد که بدون ارتباط با زیبایی‌ها، راکد و خنثی می‌گردد و در نتیجه روح تنها با کمیت و گسترش‌های مادی محض ارتباط پیدا می‌کند و خود را در قفس می‌بیند.

درختکاری و کشاورزی

قرآن کریم، از درختان و گیاهان، گاهی به عنوان «متاع» زندگی انسان یاد می‌کند (عبس / ۳ و ۲) و گاهی نیز آن‌ها را «معیشت»

(حجر / ۲۰) یعنی وسیله برآوردن نیازهای انسان می‌شمارد و برایشان کرامت و شأن ویژه‌ای قائل است. (لقمان / ۱۰)
حضرات معصومین (علیهم‌السلام) همواره مسلمانان را به بازپروری و احیاء طبیعت، از جمله اراضی و جنگل‌ها، تشویق و ترغیب می‌کردند؛ چنان که رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرمود: " **احی بلدک المیت**: زمین مرده و بایر شهر خود را آباد کن. "

علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۳۰۸

احادیث:

❖ الامام الصادق علیه السلام: **أزرعوا و اغرسوا، فلا والله ما عمل الناس عملاً أحل و لا أطیب منه، و الله لیزرعن**

الزرع، و لیغرسن الغرس النخل بعد خروج الدجال

❖ درخت بکارید و کشاورزی کنید، که هیچ عملی از آن حلال‌تر و پاکیزه‌تر نیست. سوگند به خدا که هنگام ظهور حضرت ولی عصر (عج)، درختکاری و کشاورزی بسیار گسترده می‌شود.

شیخ کلینی، فروع الکافی، ج ۵، ص ۲۶۰؛ شیخ حر عاملی، پیشین، ج ۱۳، ص ۱۹۳، ح ۱

❖ الامام الصادق علیه السلام: **سئل النبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله): أی المال خیر؟ قال: الزرع زرعه صاحبه و أصلحه و**

أدی حقه یوم حصاده... قال: فأی المال بعد الزرع خیر؟ قال: الراسیات فی الوحل و المطاعم فی المحل، نعم

الشیء النخل من باعه فانما ثمنه بمنزله رماد علی رأس شاهق اشتدت به الريح فی یوم عاصف الا أن یخلف

مکانها

❖ از پیامبر اسلام (ص) سؤال شد: بهترین ثروت چیست؟ حضرت (ص) فرمود: بهترین ثروت، کشاورزی است؛ اگر

به طور صحیح و اصلاح شده انجام گیرد و زکات آن داده شود. در مرحله بعد، حضرت به دآمداری اشاره فرمود

و آن را پس از کشاورزی، بهترین کار دانست و در مرتبه سوم فرمود: درختان استوار و بلند خرما که در گل

می‌رویند و درختانی که در بیابان‌ها خشک و تفتیده میوه می‌دهند. در پایان، دوباره از فروختن درخت خرما به

شدت نهی فرمود. (شیخ کلینی، همان، ص ۲۶۰ و ۲۶۱؛ شیخ حر عاملی، همان، ص ۱۹۲)



دانشگاه علم و صنعت ایران

Islamicarchitecture.ir

کتابخانه

قطب علمی معماری اسلامی

کد فایل: قطب علمی معماری اسلامی - معماری اسلامی

- ❖ **أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ**
- ❖ آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم؟ و هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم، آیا ایمان نمی آورند!

سوره انبیاء، آیه ۳۰

- ❖ **وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا**
 - ❖ و او کسی است که بادهای را بشارتگرانی پیش از رحمتش فرستاد و از آسمان آبی پاک کننده نازل کردیم.
- سوره فرقان، آیه ۴۸

- ❖ **الامام الصادق علیه السلام: طعم الماء طعم الحياة! قال الله سبحانه و جعلنا من الماء كل شيء حي**
- ❖ امام صادق (ع): طعم آب، طعم حیات و زندگی است! خداوند می گوید: ما هر موجود زنده ای را از آب آفریدیم ..

تفسیر نمونه ج: ۱۳ ص: ۳۹۷ و بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۴۴۷

علامه مجلسی (ره) در تشریح این حدیث می نویسد: «مراد از (طعم زندگی) این است که طعم آب با سایر مزه ها قابل مقایسه نیست و از بالاترین وسایل برای ایجاد و بقای حیات است؛ پس مزه آب، مزه حیات است.»

- ❖ **الامام الصادق علیه السلام: اربع يضئن الوجه: و النظر الى الماء الجاری،**
 - ❖ امام صادق (ع): چهار چیز چهره را روشن و نورانی می کند که یکی از آنها نگاه کردن به آب جاری است.
- بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۸۹

- ❖ **عن ابی الحسن (ع): ثلاثه یجلون البصر: و النظر الى الماء الجاری**
 - ❖ امام کاظم (ع): نگاه به آب جاری چشم را جلا داده و به روشنایی آن می افزاید.
- بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۲۴۶ و ج ۵۹، ص ۱۴۴

نگاه مسلمانان به آب، نگاهی سرشار از قداست و پاکیزگی و عظمت است، آب وسیله ای است که زمینه ارتباط آنان با معبودشان را فراهم می سازد. آب نه تنها جسم ظاهری را شستشو می دهد، بلکه حالتی روحی و روانی در انسان ایجاد می کند و به او تقدس می بخشد و زمینه ساز راه یافتن به حریم مقدسات دینی می شود. بنابر آنچه آمد، می توان تماس با آب، این عنصری نمادین و حیاتبخش را به صورتهای جاری و ساکن در فضاهای مختلف شهری توصیه نمود .

باد (هوا) علاوه بر نقشی که در تداوم حیات بسیاری از موجودات موجود در کره زمین دارد، نقشهای مهمی نیز در تنظیم شرایط اقلیمی (حرکت ابرها)، انتقال آلودگیها، تلقیح گیاهان، بشارت دهندگان رحمت الهی، آیه الهی بودن، و همچنین نزول عذاب الهی دارد. در منابع روایی اسلام به منافع فراوان گرما و سرما در طول سال اشاره شده و نیز در قرآن و روایات «بادها» با اهمیت تلقی شده‌اند.

خداوند متعال در سوره مبارکه ذاریات، سوره را با سوگند به بادها آغاز می‌کند:

❖ وَالذَّرِيَّتِ ذَرَوًا

❖ سوگند به بادهایی که ابرها را به حرکت در می‌آورند (و گرد و غبار و بذرها را)

که همه مفسران قرآن مراد از آن را بادها دانسته‌اند. (ر.ک: روح المعانی، آلوسی، ج ۲۷ - ۲۸، ص ۲، مجمع البیان، طبرسی، ج ۹، ص ۲۵۴، تبیان، طوسی، ج ۹، ص ۳۷۹، تفسیر شبر، ص ۴۸۶، تفسیر کشاف، زمخشری، ج ۴، ص ۳۹۴) و دلیل آن را بیان پیامبر اکرم (ص) (روح المعانی، ج ۲۸-۲۷، ص ۲) و حدیث امام علی (ع) (کشاف، ج ۴، ص ۳۹۴) در پاسخ سوال ابن کوا و... دانسته‌اند. شیخ طوسی (ره) پس از بیان این که شاید مراد قسم به پروردگار بادها باشد، می‌گوید: اگر قسم به خود بادها باشد دلیل آن، عظمت مهمی است که در سکون و وزش بادها، برای پراکندن ابرها و گردافشانی میوه‌ها و غذاها نهفته است. (التبیان، ج ۹، ص ۳۷۹)

❖ وَ أَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَّاحٍ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَزِينٍ

❖ ما بادها را برای تلقیح (ابرها و بهم پیوستن و بارور ساختن آنها) فرستادیم، و از آسمان آبی نازل کردیم با آن سیراب ساختیم، در حالی که شما توانائی حفظ و نگهداری آن را نداشتید.

سوره حجر آیه ۲۲

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۶۰

باید در ساخت و توسعه شهرها و جهت‌های وزش باد و به شدت و تواتر آن در ایام مختلف توجه نمود. ضمن آنکه نحوه استقرار و جهت‌گیری ابنیه و تنظیم ارتفاع عمارت و مکان‌یابی ساختمانهای کوتاه و مرتفع در نقاط مختلف هر شهری به همراه توجه به جهت معابر و نسبت به تناسبات بین فضاهای باز و ساخته شده مواردی هستند که در رابطه با مختصات باد باید مورد ارزیابی جدی قرار گیرند. همانطور که از زکریای رازی نقل شده است: می‌خواستند بیمارستانی بسازند از وی پرسیدند کجا بسازیم؟ فرمود: چهار قطعه گوشت در چهار منطقه شهر آویزان کنید، هر منطقه‌ای که گوشت دیرتر فاسد شد آنجا هوا خنک‌تر است. پس آنجا بیمارستان بسازید.

در قرآن در خصوص غار اصحاب کهف آمده است:

❖ وَ تَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَّوَّرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشَّمَالِ وَ هُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا

❖ خورشید را می دیدی که به هنگام طلوع به طرف راست (غار) آنها متمایل می گردد، و به هنگام غروب بطرف چپ ، و آنها در محل وسیعی از غار قرار داشتند (وآنها کاملاً از حرارت خورشید در آسایش بودند)، این از آیات خدا است ، هر کس را خدا هدایت کند هدایت یافته واقعی او است ، و هر کس را گمراه کند ولی و راهنمایی هرگز برای او نخواهی یافت.

سوره کهف، آیه ۱۷

این آیه نشان می‌دهد که جهت‌گیری ابنیه به نحوی که بتواند بهره مناسب را از آفتاب و نور خورشید ببرند، اهمیت دارد.

سایر عناصر

عناصر دیگر مانند گیاهان، جانوران، کوهها، آسمان و آنچه در آن است مانند ماه و خورشید و ستارگان بر شهر باید این‌گونه باشد که محیط به گونه‌ای ساخته شود که بهره‌گیری از این عناصر و تماس با آنها در حد لازم ممکن گردد . اینها نه تنها برکات مادی دارند؛ بلکه عاملی در جهت تقویت تفکر و تذکر هستند . همچنین عوامل آگاهی به زمان و مکان و جهت نیز هستند (یونس/۳) (إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَيْعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ)

ممکن است این ایراد مطرح شود که برخی از این عناصر طبیعی، دور از دسترس انسان بوده و نمی‌توانند نقشی در شهرسازی ایفا نمایند. در پاسخ می‌توان گفت که موضوع مهم، فراهم آوردن امکان رؤیت آنها و همچنین بهره‌گیری از ویژگیهایشان چون نور و موقعیت و درک زمان و تاثیرشان بر زمین و انسان و سایر موارد مشابه است .

قوانین حاکم بر عالم طبیعت در متون اسلامی به عنوان آیات علم و قدرت و وحدانیت الهی برای تفکر و تعقل و تذکر و تفقه و تدبیر مورد اشاره قرار گرفته‌اند و همواره الگوی انسانهای آگاه بوده‌اند اهم این قوانین عبارت است از: وحدت، تعادل، نظم، هماهنگی، زیبایی، توازن، حساب، اندازه و امثالهم .

آن چه از تأکید تعالیم اسلام بر تفکر، تدبیر و تعقل در طبیعت و عناصر طبیعی به عنوان آیات الهی، می توان استنتاج کرد، توجه به طبیعت و عناصر طبیعی است. همچنین یکی از ارتباطات انسان با عالم وجود، ارتباط انسان با طبیعت است. فراهم بودن این ارتباط که کثرت تأکید بر لزوم آن در تعالیم اسلامی و فرهنگ ایرانی ما را از ذکر جزئیات آن بی نیاز می نماید، امر مهمی است که می تواند به عنوان یکی از معیارهای مسکن مطلوب مطرح شود. علاوه بر نیاز انسان به تماس با طبیعت، هماهنگی محیط مصنوع و از جمله عمارت و مسکن (به عنوان مهمترین و بیشترین اثر معماری مستحده توسط انسان در زمین با طبیعت (محیط، عناصر، سیما و مناظر، مصالح، زیبایی های طبیعی) ضرورتی انکارناپذیر است. بنابراین انسان از جنبه های مادی و معنوی متفاوتی به طبیعت و عناصر طبیعی و برخورداری از تماس مداوم با آنها نیازمند است. در این مقوله توجه به چند نکته اهمیت دارد: اولاً اینکه این تماس باید در یک سلسله مراتب منطقی از واحد مسکونی از کوچه، خیابان، محله، شهر و حتی خارج شهر (طبیعت بکر) برقرار باشد. ثانیاً عناصر طبیعی بسته به ارزشی که در برآورده نمودن نیازهای معنوی و روانی انسان با توجه به معانی نمادینشان دارند شناسایی و دسته بندی و به مردم معرفی شوند و امکان تماس با آنها برقرار گردد. ثالثاً به نقش عناصر طبیعی در جهت پاسخگویی به نیازهای معنوی انسان نیز توجه شده، این نقش مهم به مردم معرفی می شود. علاوه بر آن لحاظ داشتن شرایط اقلیمی و محیطی در طراحی مسکن نقشی بسیار مهم ایفا می نماید و نکته مهم در این مقوله آن است که این به گونه ای طراحی شوند تا نیاز به تنظیم کننده های مصنوعی شرایط محیطی به حداقل ممکن کاهش یابد. در این صورت است که نه تنها در بلند مدت فواید زیست محیطی و حتی صرفه های اقتصادی فراوانی برای جامعه خواهد داشت، در جهت خود کفایی و هویت ملی نیز عمل خواهد کرد. نکته بعدی در ارتباط با بهره گیری از طبیعت عبارت از شناسایی قوانین حاکم بر طبیعت و استفاده از آنها در طراحی و برنامه ریزی محیط مصنوع و از جمله مسکن است. این موضوع به وظیفه مهم انسان به عنوان خلیفه الله رجوع داده می شود که در جهت حفظ امانت الهی باید اصول حاکم بر اعمالش را اصولی قرار دهد که در افعال و خلقت الهی مشاهده می شوند.

همسایه

احادیث مربوط به همسایه

تفسیر احادیث

حسن همسایگی

اول همسایه بعد خانه

همسایه بد

ضرورت پرهیز از آزار همسایه

حد همسایگی

❖ «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ». .

«خدای را بپرستید و هیچ چیز شریک او مسازید و با پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و همنشین خود نیکی کنید».

❖ رسولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله : حُرْمَةُ الْجَارِ عَلَى الْإِنْسَانِ كَحُرْمَةِ أُمِّهِ .

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله : احترام همسایه بر انسان ، همانند احترام مادرش می باشد .

❖ الإمامُ عليُّ عليه السلام - عندَ وفاته - : اللَّهُ اللَّهُ فِي جِيرَانِكُمْ فَإِنَّهُمْ وَصِيَّةُ نَبِيِّكُمْ ، مَا زَالَ يُوصِي بِهِمْ حَتَّى ظَنَّنَا أَنَّهُ سَيُورِثُهُمْ .

امام علی علیه السلام - در هنگام وفات - : خدا را ، خدا را درباره همسایگانتان که آنان سفارش شده پیامبر شماست . آن حضرت صلی الله علیه وآله پیوسته درباره همسایگان سفارش می کرد چندان که گمان بردیم آنها را ارث بر قرار خواهد داد .

❖ الإمامُ الصادقُ عليه السلام : حُسْنُ الْجَوَارِ يُعَمِّرُ الدِّيَارَ ، وَيَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ .

امام صادق علیه السلام : حُسن همسایگی خانه ها را آباد و عمرها را زیاد می کند .

❖ الإمامُ الكاظمُ عليه السلام : لَيْسَ حُسْنُ الْجَوَارِ كَفَّ الْأَذَى ، وَلَكِنْ حُسْنُ الْجَوَارِ الصَّبْرُ عَلَى الْأَذَى .

امام کاظم علیه السلام : حُسن همسایگی این نیست که آزار نرسانی بلکه حسن همسایگی این است که در برابر آزار و اذیت همسایه شکیبای باشی .

میزان الحکمه ، صفحه ۹۱۶

❖ الإمامُ الصادقُ عليه السلام : عَلَيْكُمْ بِحَسَنِ الْجَوَارِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَمْرٌ بِذَلِكَ .

امام صادق (علیه السلام) بر شما باد به رفتار نیکو با همسایه، پس به درستی که خدای بلندمرتبه بدان دستور داده است.

❖ الإمامُ عليُّ عليه السلام :: مَنْ حَسَنَ جَوَارَهُ كَثُرَ خَدْمُهُ .

امام علی (علیه السلام) فرمود هر کس با همسایه خوش رفتاری کند خدمت گزاران او زیاد می شوند.

❖ الإمام الصادق عليه السلام: حُسْنُ الْجَوَارِ لَعَمْرُ الدِّيَارِ وَ يُزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: همسایه داری شهرها را آباد می کند و ساختمانها را زیاد می نماید.

تقدّم الجار علی الدّار – اول همسایه بعد خانه

❖ الإمام علیّ عليه السلام: جاء رجل الى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال : يا رسول الله , انى اردت شراء دار , اين تامرنى اشترى فى جهينئ ام فى مزينة ام فى ثقيف ام فى قريش ؟ فقال له رسول الله صلى الله عليه وآله : الجوار ثم الدار , الرفيق ثم السفر

امام علی علیه السلام: مردی خدمت پیامبر خدا آمد و عرض کرد: می خواهم خانه ای بخرم، دستور می فرمایید کجا بخرم؟ در میان جهینه یا مزینه یا ثقیف و یا قریش؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: اول همسایه سپس خانه، اول یار راه سپس مسافرت.

❖ الإمام علیّ عليه السلام : سل عن الجار قبل الدار

امام علی علیه السلام: پیش از خریدن خانه ببین همسایه ها کیستند.

جار السوء – همسایه بد

❖ رسول الله صلى الله عليه وآله : يا على , اربعة من قواصم الظهر : ... و جار سوء فى دار مقام

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای علی! چهار چیز کمرشکن است: ... و همسایه بد.

❖ رسول الله صلى الله عليه وآله : اعوذ بالله من جار السوء فى دار اقامة , تراک عيناه ويرعاک قلبه , ان رآک

بخیرساءه , وان رآک بشر سره

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به خدا پناه می برم از همسایه بد. چشمانش تو را می بیند و دلش مراقب توست، اگر تو را در خوشی و خوبی دید ناراحت می شود و اگر تو را گرفتار و بدحال دید خوشحال می شود.

❖ رسول الله صلى الله عليه وآله : ثلاثة هن ام الفواقر : ... و جار عينه ترعاک و قلبه ينعاک , ان راى حسنة دفنها

ولم يفشها , وان راى سيئة اظهرها و اذاعها

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه چیز در راس مصیبت های کمرشکن است: ... و همسایه ای که چشمانش تو را می پاید و دلش خواهان رسوایی توست، اگر خوبی ببیند آن را می پوشاند و فاش نمی سازد و اگر بدی ببیند آن را آشکار و همه جا پخش می کند.

❖ الإمام علیّ عليه السلام : جار السوء اعظم الضراء و اشد البلاء

امام علی علیه السلام: همسایه بد بزرگترین رنج و سخت ترین بلا و مصیبت است.

❖ الإمام الرضا عليه السلام: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ جَارٍ سَوْءٍ فِي دَارِ إِقَامَةٍ.

امام رضا (علیه السلام) فرمود: من از همسایه بد در محل اقامت خود به خدای خود پناه می‌برم.

إِذَاءُ الْجَارِ - آزار رساندن به همسایه

❖ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِي جَارَهُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که به خدا و روز واپسین ایمان داشته باشد همسایه خود را آزار نمی‌رساند .

❖ الإمام الرضا عليه السلام : لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمَّ يَأْمَنُ جَارَهُ بَوَائِقَهُ .

امام رضا علیه السلام : از ما نیست کسی که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد .

❖ الإمام الصادق عليه السلام : ان رسول الله صلى الله عليه وآله اتاه رجل من الانصار فقال : انى اشتريت دارا

من بنى فلان , وان اقرب جيرانى منى جوارا من لارجو خيره ولا آمن شره . قال : فامر رسول الله

صلى الله عليه وآله عليا وسلمان و ابا ذر - ونسيت آخرواظنه المقداد - ان ينادوا فى المسجد باعلى اصواتهم

بانه لايمان لمن لم يامن جاره بوائقه , فنادوا بها ثلاثا

امام صادق علیه السلام: مردی از انصار خدمت پیامبر خدا آمد و عرض کرد: من از بنی فلان خانه ای خریده ام

و نزدیکترین همسایه ام کسی است که امیدی به خیر و خوبی او ندارم و از شر و بدیش در امان نیستم. پس،

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی و سلمان و ابوذر - و یکی دیگر که فراموش کرده ام و فکر می‌کنم مقداد

باشد (فراموشی از راوی یعنی عمرو بن عکرمه است) - دستور داد با تمام قدرت در مسجد اعلام کنند ایمان

ندارد هر آن کس که همسایه اش از شر او در امان نباشد. آنان سه بار این سخن را اعلام کردند.

تَفَقُّدُ الْجَارِ - جویا شدن از حال همسایه

❖ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : فَمَا اقْرَبِي مِنْ بَاتِ شَبْعَانَ وَجَارِهِ الْمَسْلَمِ جَائِعٍ

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به من ایمان نیاورده است آن که شب سیر بخوابد و همسایه مسلمانش گرسنه

باشد.

❖ الإمام علي عليه السلام : مِنْ حُسْنِ الْجَوَارِ تَفَقُّدُ الْجَارِ .

امام علی علیه السلام : از نشانه‌های حُسن همسایگی جویا شدن از احوال همسایه است .

❖ الإمام الباقر عليه السلام : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ شَبْعَانَ وَجَارُهُ جَائِعٌ . قَالَ :

وما من أهل قرية بييت و فيهم جائع ، ينتظر الله إليهم يوم القيامة .



دانشگاه علم و صنعت ایران

Islamicarchitecture.ir

کتابخانه

قطب علمی معماری اسلامی

کد فایل: قطب علمی معماری اسلامی - معماری اسلامی

امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود : به من ایمان نیاورده‌است آن که شب را با شکم سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد . فرمود : اهل هر آبادی که شب را بگذرانند و در میان ایشان گرسنه‌ای باشد ، روز قیامت خداوند به آنان نظر (رحمت) نمی‌افکند .

حَقُّ الْجَارِ - حَقُّ هَمْسَايَه

❖ رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فِي حُقُوقِ الْجَارِ - : إِنْ اسْتَعَاثَكَ أَغْنَتْهُ ، وَإِنْ اسْتَقْرَضَكَ أَقْرَضْتَهُ ، وَإِنْ ائْتَقَرَ عُدْتَ عَلَيْهِ ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ عَزَّيْتَهُ ، وَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ هَنَّأْتَهُ ، وَإِنْ مَرِضَ عُدْتَهُ ، وَإِنْ مَاتَ اتَّبَعْتَ جَنَازَتَهُ ، وَلَا تَسْتَبِلْ عَلَيْهِ بِالْبِنَاءِ فَتَحْجُبَ عَنْهُ الرِّيحَ إِلَّا بِإِذْنِهِ ، وَإِذَا اشْتَرَيْتَ فَاكِهَةً فَأَهْدِلْ لَهُ ، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَأَدْخِلْهَا سِرًّا ، وَلَا تُخْرِجْ بِهَا وُلْدَكَ تَغِيظُ بِهَا وُلْدَهُ ، وَلَا تُؤْذِهِ بِرِيحٍ قَدْرِكَ إِلَّا أَنْ تَعْرِفَ لَهُ مِنْهَا .

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله درباره حقوق همسایه فرمود : اگر از تو کمک خواست کمکش کنی ، اگر از تو قرض خواست به او قرض دهی ، اگر نیازمند شد نیازش را برطرف سازی ، اگر مصیبتی دید او را دلداری دهی ، اگر خیر و خوبی به او رسید به وی تبریک و شادباش گویی ، اگر بیمار شد به عیادتش روی ، وقتی مرد در تشییع جنازه‌اش شرکت کنی ، خانه‌ات را بلندتر از خانه او نسازی تا جلوی جریان هوا را بر او بگیری مگر آن که خودش اجازه دهد ، هرگاه میوه‌ای خریدی برای او تعارف بفرستی و اگر اینکار را نکردی مخفیانه میوه را به خانه‌ات ببر ، فرزندان را همراه میوه بیرون میاور که بچه او با دیدن میوه در دست او ناراحت شود ، با بوی و دود دیگت او را آزار مده مگر آن که مقداری از غذای آن را برای او بفرستی .

حَدُّ الْجَارِ - مَرْزُ هَمْسَايَكِي

❖ الإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَرِيمُ الْمَسْجِدِ أَرْبَعُونَ ذِرَاعًا ، وَالْجَوَارُ أَرْبَعُونَ دَارًا مِنْ أَرْبَعَةٍ جَوَانِبِهَا .
امام علی علیه السلام : حریم مسجد چهل ذراع است و تا چهل خانه از چهار طرف منزل همسایه به شمار می‌آیند .

❖ رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَرْبَعُونَ دَارًا جَارٍ
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : تا چهل خانه همسایه به شمار می‌آیند .

از جمله سنت‌های زیبا و پسندیده اسلامی برخوردار خوب و شایسته با همسایگان و در اصطلاح عرفی «همسایه‌داری» است. در قرآن کریم و به ویژه در سخنان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) توجه بسیاری به موضوع همسایه‌داری شده است و به گونه‌ای جدی در رفتارهای معصومین (علیهم‌السلام) مورد سفارش قرار گرفته است. پیشوایان معصوم اسلام همواره شعار «الجَارِ ثَمَّ الدَّارِ» را سر لوحه رفتار خود قرار داده و آن را به شیعیان خویش نیز توصیه می‌نموده‌اند.

در قرآن کریم آیاتی مربوط به همسایه و همسایگی وارد شده است. خداوند متعال در آیه‌ای به گونه آشکار مؤمنان و مسلمانان را به رعایت همسایگان دعوت می‌نماید و می‌فرماید: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَمَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ؛ وَ خُذُوا حَقَّهُمْ بِمَا نَفْسُهُمْ بِالْحَقِّ وَ بِالْإِحْسَانِ» (نساء-۳۶). در این آیه دیده می‌شود که خداوند نیکی با همسایه را، خواه فامیل باشد و یا بیگانه، سفارش کرده و نیکی به همسایه را در ردیف نیکی به پدر و مادر، یتیمان و... قرار داده است.

در آیه دیگر خداوند در مورد همسایگان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) که وی را آزار می‌دادند می‌فرماید: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِعُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا؛ اِذَا جَاءَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَتَاوَىٰ مِنْهُمْ فَهُوَ يَكْفُرُ بِاللَّهِ وَ النَّبِيِّ وَ انْفِرْ عَلَيْهِمْ جُنُودًا كَثِيرَةً وَ اصْلُبْهُمْ لَنْ نَسْفَعَهُمْ اِلَّا بِحَقِّ الْحَرْبِ وَ لَنْ نُنْفِذَهُمْ اِلَّا بِحَقِّ الْحَرْبِ وَ لَنْ نَجْعَلَ لَكَ عَلَيْهِمْ حَرْبًا اِلَّا بِحَقِّ الْحَرْبِ وَ لَنْ نَجْعَلَ لَكَ عَلَيْهِمْ حَرْبًا اِلَّا بِحَقِّ الْحَرْبِ» (احزاب- ۶۰). و این گونه خداوند مهر همسایه آزاران را از سر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برمی‌دارد.

حسن همسایگی

امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «عليكم بحسن الجوار فان الله عزوجل أمر بذلك؛ بر شما باد به رفتار نیکو با همسایه، پس به درستی که خدای بلندمرتبه بدان دستور داده است». مواردی از سیره و کلام معصومین (علیهم‌السلام) در هنگام درگذشت‌شان وارد شده است که آنان نیکی به همسایگان را وصیت خود قرار داده‌اند. در احوال امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) هنگام شهادتش نوشته‌اند که ایشان فرمود: «الله الله في جيرانكم فانه وصيت نبينا؛ خدا را خدا را، در مورد همسایگان‌تان که به درستی این وصیت پیامبرتان هنگام رحلت است»

نرمش نشان دادن با همسایه آثار و برکات فراوانی دارد. از جمله آن، جا گرفتن در دل مردم است. امام علی (علیه‌السلام) فرمود: «مَنْ حَسَنَ جَوَارَهُ كَثَرَ خَدْمُهُ، هر کس با همسایه خوش‌رفتاری کند خدمت‌گزاران او زیاد می‌شوند». از دیگر آثار همسایه داری رونق گرفتن محله‌ها و شهرهاست. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «حَسَنُ الْجَوَارِ لَعَمْرُ الدِّيَارِ وَ يُزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ؛ همسایه‌داری شهرها را آباد می‌کند و ساختمان‌ها را زیاد می‌نماید» زیرا مردم نسبت به

همسایه داشتن ترغیب می‌شوند. اما از سوی دیگر آزردهن همسایه نیز تبعات بدی به دنبال خواهد داشت، تا جایی که امام رضا (علیه‌السلام) فرمود: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارَهُ بِوَأْتِقِهِ؛ از ما نیست کسی که همسایه‌اش از آزار او در امان نباشد».

اول همسایه بعد خانه

در این باره نوشته‌اند حضرت فاطمه (علیهاالسلام) پس از هر نماز ابتدا برای مؤمنانی که در همسایگی آنان می‌زیستند و سپس برای اهل خانه دعا می‌کردند «الجار ثم الدار». همچنین در مورد خرید خانه امام علی علیه‌السلام فرموده اند: «سل عن الجار قبل الدار، پیش از خریدن خانه بین همسایه‌ها کیستند».

همسایه بد

رعایت حق همسایه، حقی ثابت در اسلام و تا آخرین درجه توان الزام آور است اما اسلام برای وقتی که آزار همسایه از حد فراتر رفت و دیگر تحمل او ممکن نبود نیز راهکاری پسندیده و بجا در نظر گرفته است و حتی در این حالت نیز آزار او را جایز نمی‌داند بلکه واگذار کردن عقاب او به پروردگار را مطلوب‌تر می‌داند. به گونه‌ای که خود معصومین نیز از شر چنین همسایگانی به خدا پناه می‌برده‌اند. امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: «أعوذ بالله من جار سوء في دار إقامة؛ من از همسایه بد در محل اقامت خود به خدای خود پناه می‌برم».

ضرورت پرهیز از آزار همسایه

در اسلام، حُسن هم‌جواری تعریف مشخصی دارد و همسایه‌آزاری نیز به گونه‌ای آشکار معین شده است. شاید برای برخی، رعایت همسایه مفهوم واضحی نداشته باشد و ندانند که اساساً چه نوع رفتارهایی از مصادیق رعایت حقوق هم‌جواری محسوب می‌شود. در این باره امام کاظم (علیه‌السلام) می‌فرماید: «لَيْسَ حُسْنُ الْجَوَارِ كَفُّ الْأَذَى وَ لَكِنْ حُسْنُ الْجَوَارِ الصَّبْرُ عَلَى الْأَذَى؛ همسایه‌داری (تنها) آزار نرساندن به همسایه نیست بلکه رفتار خوب با همسایه صبر پیشه کردن بر آزارهای اوست». با این وصف، اهل بیت اطهار (علیهم‌السلام) آزار رساندن به همسایه را حتی در مواقع آزار رسانی او نیز جایز نمی‌دانند بلکه در فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام) پاسخ بدی با نیکی است.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «در عصر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) شخصی از انصار و مسلمانان مدینه خدمت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمد و عرض کرد: در فلان محله خانه‌ای خریده‌ام. در همسایگی آن خانه مردی زندگی می‌کند که نه به خیر او امیدی دارم و نه از گزند شر او در امان هستم، چه باید بکنم؟ پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به سلمان و ابوذر و شخصی دیگری که به گمانم مقدار بود فرمود: به مسجد بروید و با صدای بلند اعلام کنید: آن کسی که به همسایه خود آزار برساند ایمان ندارد. علی (علیه‌السلام) و سلمان و ابوذر و مقدار به مسجد و اطراف آن رفتند و سه مرتبه این جمله را با صدای بلند اعلام نمودند و به اطلاع مردم رساندند.

در خصوص حد همسایگی، رسول اکرم(ص) فرموده‌اند: **تا چهل خانه از روبرو، پشت سر، طرف راست و سوی چپ همسایه محسوب می‌شوند.** بر اساس این روایت در روستاها و شهرهای کوچک، محلات مسکونی، شهرک‌ها و بلوک‌های ساختمانی افراد کنیری با یکدیگر همسایه‌اند و لازم است حقوق متقابل خویش را مراعات نمایند اگر سفارش موکد اسلام در این نواحی بین ساکنین آنان عمل گردد مردمی که تا مسافتهای قابل توجهی با هم زندگی می‌کنند بسیاری از دشواری‌های اجتماعی، اخلاقی، امنیتی و تربیتی را پشت سر نهاده و از زندگی آمیخته به مودت بهره‌مند می‌گردند، چنین پدیده‌ای در رشد عاطفی و بهبود ساختار اقتصادی اجتماعی مناطق مسکونی تأثیری قابل ملاحظه خواهد گذاشت.

مسکن

احادیث مربوط به « مسجد »
احادیث مربوط به « اجاره »
حدیث مربوط به « حق شفعه »

تفسیر آیات و احادیث
ویژگی کیفی مسکن مطلوب
توجه به انسان
تعادل
امنیت و ایمنی
آرامش
محرمیت
خلوت
امکان ارتباط با طبیعت
میانہ روی
احترام به حقوق دیگران
احترام به خانواده
درونگرایی

آیات مربوط به « سکن »

مسکن
سکونت در شهر
سکونت
شهر ویران
بیوت - سایه ها
چهارپایان
سکونت زنان مطلقه

احادیث مربوط به « مسکن »

وسعت مسکن
هشدار از ساختن بیش از نیاز
نکوهش ارتفاع زیاد
سلام کردن هنگام وارد شدن به خانه
فروش خانه
خودداری از اسکان مومن

آیات مربوط به « بیت »

آیه مربوط به « حجرات »

❖ لَقَدْ كَانَ لِسَبَا فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّانٍ عَنِ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّهُ
غَفُورٌ

آیه ۱۵ سوره سبأ

ترجمه :

❖ برای قوم سبأ در محل سکونتشان نشانه ای (از قدرت الهی) بود، دو باغ (عظیم و گسترده) از راست و چپ (با میوه های فراوان، به آنها گفتیم) از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را بجا آورید، شهری است پاک و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده (و مهربان)

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۵۶

تفسیر :

قرآن مجید سرگذشت عبرت انگیز قوم سبأ را ضمن پنج آیه بیان کرده، و به قسمت مهمی از جزئیات و خصوصیات زندگی آنها در همین پنج آیه مختصر اشاره کرده است:

نخست می گوید: "برای قوم سبأ در محل سکونتشان نشانه ای از قدرت الهی بود" لقد كان لسبأ في مسكنهم به طوری که خواهیم دید این آیت بزرگ الهی از اینجا سرچشمه می گرفت که قوم سبأ با استفاده از شرائط خاص مکانی و چگونگی کوههای اطراف آن منطقه و هوش سرشار خدا داد، توانستند سیلابهایی را که جز ویرانی نتیجه ای نداشت، در پشت سدی نیرومند متمرکز کنند، و به وسیله آن کشوری بسیار آباد بسازند، چه آیت بزرگی که عامل ویرانی تبدیل به مهمترین عامل عمران گردد؟

سپس قرآن به شرح این آیت الهی که در اختیار قوم سبأ قرار داشت پرداخته چنین می گوید: دو باغ (بزرگ) بود از طرف راست و چپ (جنتان عن یمن و شمال).

سکن - سکونت در شهر

❖ وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ

آیه ۱۶۱ سوره اعراف

ترجمه:

❖ و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که به آنها گفته شد در این قریه (بیت المقدس) ساکن شوید و از هر جا (و بهر کیفیت) بخواهید از آن بخورید (و بهره گیرید) و بگوئید خداوندا! گناهان ما را بریز، و از در (بیت المقدس) با تواضع وارد شوید، اگر چنین کنید گناهان شما را می بخشیم و نیکوکاران را پاداش بیشتر خواهیم داد.

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۱۴

تفسیر:

نخست می گوید: "به خاطر بیاورید هنگامی را که به آنها گفته شد در این سرزمین (بیت المقدس) ساکن گردید و از نعمتهای فراوان آن، در هر نقطه و هر گونه که می خواهید استفاده کنید" (و اذ قیل لهم اسکنوا هذه القرية و کلوا منها حیث شئتم) که اگر این برنامه ها را انجام دهید، خطاهائی را که مرتکب شده اید می بخشیم، و به نیکوکاران پاداش بیشتر و بهتر خواهیم داد (نغفر لکم خطیئاتکم سنزید المحسنین) باید توجه داشت که مضمون این آیه نیز با تفاوت مختصری در سوره بقره آیه ۵۸ و ۵۹ آمده است.

❖ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ

آیه ۳۷ سوره ابراهیم

ترجمه:

❖ پروردگارا من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی در کنار خانه ای که حرم تو است ساکن ساختم تا نماز را بر پای دارند، تو قلبهای گروهی از مردم را متوجه آنها ساز و از ثمرات به آنها روزی ده شاید آنان شکر تو را بجای آورند.

تفسیر نمونه جلد ۱۰ صفحه ۳۰۱

تفسیر:

ابراهیم (ع) دعا و نیایش خود را این چنین ادامه می دهد: پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین فاقد هر گونه زراعت و آب و گیاه، نزد خانه ای که حرم تو است گذاشتم تا نماز را بر پای دارند. خداوندا! اکنون که آنها در این بیابان سوزان برای احترام خانه بزرگ تو مسکن گزیده اند، تو قلوب گروهی از مردم را به آنها متوجه ساز و مهر آنها را در دلهایشان بیفکن (فاجعل افئدة من الناس تهوی الیهم). و آنها را از انواع میوه ها (ثمرات مادی و معنوی) بهره مند کن، شاید شکر نعمتهای تو را ادا کنند (و ارزقهم من الثمرات لعلهم یشکرون).

نکته ها:

۱ - آیا مکه در آن زمان شهر بود؟

در آیات فوق دیدیم که ابراهیم یکبار عرض می کند خداوندا من فرزندم را در یک سرزمین فاقد آب و آبادی و زراعت گذاشتم، این مسلماً اشاره به آغاز ورود او در سرزمین مکه است که در آن موقع نه آب بود و آبادی و نه خانه و ساکن خانه، ولی می دانیم این تنها سفر ابراهیم به سرزمین مکه نبود بلکه باز هم مکرر به این سرزمین مقدس گام گذارد، در حالی که مکه تدریجاً شکل شهری را بخود می گرفت، و پیدایش چشمه زمزم آنجا را قابل سکونت ساخت.

۲ - امنیت سرزمین مکه:

جالب اینست که ابراهیم نخستین تقاضائی را که در این سرزمین از خداوند کرد تقاضای امنیت بود، این نشان می دهد که نعمت امنیت نخستین شرط برای زندگی انسان و سکونت در یک منطقه، و برای هر گونه عمران و آبادی و پیشرفت و ترقی است، و به راستی هم چنین است. اگر جائی امن نباشد قابل سکونت نیست، در اینجا به این نکته نیز باید توجه داشت که خداوند دعای ابراهیم را در باره امنیت مکه از دو سو اجابت کرد: هم امنیت تکوینی به آن داد، زیرا شهری شد که در طول تاریخ حوادث نا امن کننده کمتر به خود دیده، و هم امنیت تشریعی، یعنی خدا فرمان داده که همه انسانها و حتی حیوانها در این سرزمین در امن و امان باشند

❖ وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسْكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَ كُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ

آیه ۵۸ سوره قصص

ترجمه:

❖ بسیاری از شهرها و آبادیهائی که بر اثر فزونی نعمت مست و مغرور شده بود هلاک کردیم. این خانه های آنهاست (که ویران شده) و بعد از آنها جز اندکی کسی در آن سکونت نکرد، و ما وارث آنان بودیم

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۲۷

تفسیر:

نخست می فرماید: به فرض که شما ایمان را نپذیرفتید و در سایه کفر و شرک زندگی مرفه مادی پیدا کردید، اما فراموش نکنید: "ما بسیاری از شهرهائی را که مست و مغرور نعمت و زندگی مرفه بودند نابودشان کردیم" (فکم اهلکنا من قریة بطرت معیشتها).
غرور نعمت آنها را به طغیان دعوت کرد، و طغیان سرچشمه ظلم و بیدادگری شد، و ظلم ریشه زندگانی آنها را به آتش کشید.
"این خانه ها و دیار آنها است که بعد از آنان جز مدت قلیلی کسی در آن سکونت نکرد" (و تلک مساکنهم لم تسکن من بعدهم الا قلیلا).
شهرها و خانه های ویران آنها همچنان خالی و خاموش و بدون صاحب مانده است و اگر کسانی به سراغ آن آمدند افراد کم و در مدت کوتاهی بود. آیا شما مشرکان مکه نیز می خواهید در سایه کفر به همان زندگی مرفهی برسید که پایانش همانست که گفته شد، این چه ارزشی می تواند داشته باشد؟!
جمله الا قلیلا که به صورت استثناء آمده است سه احتمال دارد: نخست اینکه استثناء از ساکنان باشد، دوم از مساکن و سوم از سکونت. ولی قدر مسلم این است که این شهرهای آلوده به گناه و شرک چنان ویران گشت که دیگر روی آبادی به خود ندید.

❖ أَوِ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَ مِنْ أَصْوَابِهَا وَ أَوْبَارِهَا وَ أَشْعَارِهَا أَثْنَا وَ مَتَاعًا إِلَى حِينٍ
❖ وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِّنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَ جَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ

سوره نحل آیه ۸۰ و ۸۱

ترجمه:

❖ و خدا برای شما از خانه هایایتان محل سکونت (و آرامش) قرار داد، و از پوست چهارپایان نیز برای شما خانه هائی قرار داد که کوچ کردن و روز اقامتتان به آسانی می توانید آنها را جابجا کنید، و از پشم و کرک و موی آنها اثاث و متاع (وسائل مختلف زندگی) تا زمان معینی قرار داد.
❖ خداوند از آنچه آفریده سایه هائی برای شما قرار داده، و از کوهها پناهگاههائی، و برای شما پیراهنهائی آفریده که شما را از گرما (و سرما) حفظ میکند، و پیراهنهائی که حافظ شما به هنگام جنگ است، اینگونه نعمتهایش را بر شما کامل میکند تا تسلیم فرمان او شوید.

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۳۴۳

تفسیر:

یکی از نامهای این سوره، سوره نعمتها است به خاطر اینکه به نعمتهای گوناگون مادی و معنوی پروردگار که بالغ بر پنجاه نعمت می شود در این سوره اشاره شده است، تا هم دلیلی بر شناسائی ذات پاک او باشد و هم انگیزه ای بر شکر نعمتش در سومین آیه مورد بحث می فرماید: خداوند برای شما از خانه هایایتان محل سکونت قرار داد (و الله جعل لكم من بيوتكم سكنا). (و حقا نعمت مسکن از مهمترین نعمتهائی است که تا آن نباشد، بقیه گوارا نخواهد بود.
کلمه " بیوت " جمع " بیت " به معنی اطاق یا خانه است. و ماده بیتوته که این کلمه از آن گرفته شده است در اصل به معنی توقف شبانه می باشد، و از آنجا که انسان از اطاق و خانه خود بیشتر برای آرامش در شب استفاده می کند، کلمه بیت به آن اطلاق شده است.
توجه به این نکته نیز لازم است که قرآن نمی گوید: خانه شما را محل سکونتتان قرار داد بلکه با ذکر کلمه " من " که برای تبعیض است می گوید: قسمتی از خانه و اطاقهای شما را محل سکونت قرار داد و این تعبیر کاملا دقیقی است چرا که یک خانه کامل خانه ای است که دارای مرافق مختلف باشد از محل سکونت گرفته تا محل توقف مرکب و انبار برای ذخیره های لازم، و سایر نیازمندیها.
و به دنبال ذکر خانه های ثابت سخن از خانه های سیار به میان می آورد و می گوید خداوند برای شما از پوست چهارپایان خانه هائی قرار داد (و جعل لكم من جلود الانعام بيوتا). (خانه هائی که بسیار سبک و کم وزن است، و به هنگام کوچ کردن و موقع اقامت به آسانی آنرا جابجا می کنید) تستخفونها يوم ظعنكم و يوم اقامتكم



دانشگاه علم و صنعت ایران

Islamicarchitecture.ir

کتابخانه

قطب علمی معماری اسلامی

کد فایل: قطب علمی معماری اسلامی - معماری اسلامی

علاوه بر این از پشمها و کرکها و موهای این چهار پایان برای شما، اثاث و متاع و وسائل مختلف زندگی تا زمان معینی قرار داد: و من اصوافها و اوبارها و اشعارها اثاثا و متاعا الی حین

سایه ها، مسکنها، و پوششها

سپس به سراغ یکی دیگر از نعمتهای الهی میروود و می گوید: خداوند از آنچه آفریده است سایه هائی برای شما قرار داد (و الله جعل لکم مما خلق ظللا)

و از کوهها، برای شما پناهگاههائی (و جعل لکم من الجبال اکنانا).

"اکنان" جمع "کن" بر وزن جن به معنی وسیله پوشش و حفظ و نگهداری است، و به همین جهت به مخفیگاهها و غارها و پناهگاههائی که در کوهها وجود دارد، اکنان گفته می شود.

در اینجا به وضوح می بینیم که سایه ها اعم از سایه درختان و اشیاء دیگر و یا سایه های غارها و پناهگاههای کوهستانی به عنوان یک نعمت قابل ملاحظه الهی بیان شده است، و حقیقت نیز همین است، زیرا همانگونه که انسان در زندگی خود نیاز به تابش نور دارد، در بسیاری از اوقات نیاز به سایه دارد، چرا که اگر نور یکنواخت بتابد، زندگی غیر ممکن خواهد بود.

ذکر نعمت "سایه ها" و "پناهگاههای کوهستانی" پس از ذکر نعمت خانه ها و خیمه ها که در آیه قبل گذشت گویا اشاره به این است که انسانها از سه گروه خارج نیستند: گروهی در شهرها و آبادیها زندگی می کنند و از خانه ها بهره می گیرند، گروهی دیگر که در سفرند و خیمه با خود دارند از خیمه ها استفاده می کنند، اما خداوند گروه سوم یعنی مسافرانی که حتی خیمه با خود ندارند، محروم نگذاشته، و در مسیر راه پناهگاههائی برای آنها تهیه دیده است. ممکن است اهمیت غارها و پناهگاههای کوهستانی برای شهرنشینان آسوده خاطر، هرگز روشن نباشد، ولی بیابانگردها، مسافران بی دفاع، چوپانها و خلاصه همه کسانی که از نعمت خانه های ثابت و سیار محرومند و در یک آفتاب داغ تابستان و یا سوز سرمای زمستان گرفتار می شوند می دانند تا چه اندازه وجود یک پناهگاه کوهستانی، اهمیت حیاتی دارد و گاهی انسانها و حیوانات زیادی را از مرگ حتمی نجات می بخشد، بخصوص اینکه این گونه پناهگاهها معمولا در زمستان گرم و در تابستان سرد است.

❖ وَ الْأَنْعَمَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَ مَنَفَعٌ وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ

سوره نحل آیه ۵

ترجمه:

❖ و چهار پایان را آفرید در حالی که برای شما در آنها وسیله پوشش و منافع دیگر است و از گوشت آنها میخورید.

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۱۵۸

تفسیر:

در این آیه نخست به مسأله خلقت چهار پایان که دلیلی بر علم و قدرت خدا است، پرداخته، سپس به بیان نعمتهای مختلفی که در آنها وجود دارد می پردازد، جالب اینکه در میان اینهمه فوائد، قبل از هر چیز مسأله پوشش و مسکن را مطرح میکند، زیرا بسیاری از مردم (بخصوص بادیه نشینان) هم لباسشان از پشم و مو یا پوست تهیه می شود، و هم خیمه هایشان که آنها را از سرما و گرما حفظ میکند، و به هر حال این دلیل بر اهمیت پوشش و مسکن و مقدم بودن آن بر هر چیز دیگر است. و تنها به منافع معمولی و عادی این چهار پایان سودمند اکتفا نمیکند بلکه روی جنبه استفاده روانی از آنها در آیه بعد تکیه می کند.

به این ترتیب این چهار پایان در درجه اول، پوشش و وسائل دفاعی برای انسان در برابر گرما و سرما تولید میکنند، و در درجه بعد از فرآورده های لبنیاتی آنها استفاده می شود، و سپس از گوشتشان، و بعد آثار روانی که در دلها میگذارند، مورد توجه قرار گرفته و سرانجام باربری آنها.

در تفسیر نور الثقلین ذیل آیات مورد بحث از امام امیر مؤمنان علی (علیه السلام) میخوانیم: افضل ما یتخذہ الرجل فی منزله لعیالہ الشاء فمن کان فی منزله شاء قدست علیه الملائکة مرتین فی کل یوم: بهترین چیزی که انسان در خانه برای خانواده خود تهیه میکند گوسفند است، هر کس در منزل خود گوسفندی داشته باشد در هر روز فرشتگان خدا دو بار او را تقدیس میکنند.

در اهمیت زراعت همین بس که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: من وجد ماء و ترابا ثم افتقر فابعده الله: هر کس آب و خاکی داشته باشد و با این حال فقیر باشد، خدا او را از رحمت خویش دور کند.

و نیز از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که فرمود علیکم بالغنم و الحرث فانهما یروحان بخیر و یغدوان بخیر: وظیفه شماسست که به تربیت گوسفند و کشاورزی بپردازید که رفت و آمد هر دو خیر و برکت است.

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: ما فی الاعمال شیء احب الی الله من الزراعة: هیچ عملی نزد خدا از زراعت محبوبتر نیست.

سکن - سکونت زنان مطلقه

❖ **أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولِي حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأُتْمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَفَسِّرْضِعْ لَهُ أُخْرَى**

آیه ۶ سوره طلاق

ترجمه:

❖ آنها (زنان مطلقه) را هر جا خودتان سکونت دارید، و در توانائی شما است ، سکونت دهید، و به آنها زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید (و مجبور به ترک منزل شوند) و هرگاه باردار باشند نفقه آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند، و اگر برای شما فرزند را شیر دهند پاداش آنها را بپردازید، و (درباره فرزندان کار را) با مشاوره شایسته انجام دهید، و اگر بتوافق نرسیدید زن دیگری شیر دادن آن بچه را بر عهده می گیرد.

تفسیر نمونه جلد ۲۴ صفحه ۲۴۷

تفسیر:

درباره چگونگی مسکن زنان مطلقه می فرماید: "آنها را هر جا خودتان سکونت دارید و امکانات شما ایجاب می کند سکونت دهید. "وجد" (بر وزن حکم) به معنی توانائی و تمکن است ، بعضی از مفسران تفسیرهای دیگری برای آن ذکر کرده اند که در نتیجه به همین معنی باز می گردد، راغب نیز در مفردات می گوید: تعبیر به "من وجدکم" مفهومی این است که به مقدار توانائی و به اندازه غنای خود مسکن مناسب برای زنان مطلقه در نظر بگیرید.

- ❖ رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ الْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ .
پیامبر خدا صلی الله علیه وآله : از خوشبختیهای مرد مسلمان ، داشتن مسکن وسیع است .
- ❖ الإمامُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مِنْ شَقَاءِ الْعَيْشِ ضَيْقُ الْمَنْزِلِ .
امام باقر علیه السلام : یکی از تیره روزیها تنگی منزل است .
- ❖ ان ابا الحسن عليه السلام سئل عن افضل عيش الدنيا؟ فقال: سعة المنزل، وكثرة المحبين
کسی از حضرت ابوالحسن (ع) پرسید: والایی زندگی دنیا در چیست؟ حضرت پاسخ دادند: در گستردگی خانه و انبوه بودن دوستداران.
- کافی، ج ۶، ص ۵۲۶، حدیث ۵
- ❖ شكَا رجل من الأنصار إلى رسول الله (صلى الله عليه وآله) أن الدور قد اكتنفته. فقال النبي (صلى الله عليه وآله): ارفع صوتك ما استطعت، وسل الله أن يوسع عليك
مردی از انصار پیش رسول خدا (ص) گلایه کرد و گفت: خانه های مجاور، گرداگرد خانه اش را فرا گرفته است (خانه اش فروافتاده و تیره گشته). پیامبر اکرم (ص) فرمود: صدایت را به نیایش برافراز و از خدای بخواه تا بر تو گشایش پدید آورد.
- کافی، ج ۶، ص ۵۲۶، حدیث ۸
- ❖ و عن ابي عبد الله، عن آبائه، عن علي عليه السلام، قال: ان للدار شرفاً، وشرفها الساحة الواسعة، والخلطاء الصالحون. وان لها بركة، وبركتها جودة موضعها، وسعة ساحتها، وحسن جوار جيرانها.
امام صادق (ع) به وسیله نیاکانشان از علی (ع) نقل کردند که: بی تردید برای خانه، والایی و برتری وجود دارد. والایی خانه به گستردگی حیاط آن و همنشین های شایسته است و برای خانه فرخندگی و میمندی هست و آن فرخندگی، به موقعیت و جای نیکوی خانه، گستردگی فضای آن و خوبی همسایگان است.
- بحار، ج ۷۶، ص ۱۵۴، حدیث ۳۴، باب ۲۶
- میزان الحکمه ، صفحه ۲۵۱۶
- ❖ عن ابي عبد الله عليه السلام قال: الشوم في ثلاثة اشياء في الدابة و المراه و الدار ... فاما الدار ... فشومها ضيقها و خبث جيرانها

امام صادق (ع) فرمود: شوم و بدی در سه چیز است: چهار پا، زن و خانه (که معرض آن دوی اولی نمی شویم) اما خانه شوم خانه ایی است که کوچک و به اندازه کفاف نباشد و همسایگانی خبیث داشته باشد. همسایگانی که آسایش و راحتی را از انسان سلب می کند و به شکلهای مختلف آزار و اذیت می رسانند.

تهذیب، ج ۷، ص ۳۹۹، روایت ۲، باب ۳۴

التَّحْذِيرُ مِنَ الْبِنَاءِ فَوْقَ الْكَفَافِ - هشدار از ساختن بیش از نیاز

❖ الامام الحسين عليه السلام - لرجل بنی دارا فدعاه ان یدخلها فلما دخلها و نظر اليها قال:- اخربت دارک و عمّرت دار غیرک، غرک من فی الارض، و مقتک من فی السماء.

مردی خانه ای ساخت و از امام حسین علیه السلام دعوت کرد که داخل آن شود. حضرت وقتی وارد خانه شد و به آن نگاه کرد فرمود: خانه خودت را ویران کردی و خانه دیگری را آباد ساختی. کسی که در زمین است تو را فریفت و آن که در آسمان است با تو دشمن شد.

❖ انس: رای رسول الله صلی الله علیه وآله قبه مشرفه فسال عنها فقيل: لفلان انصاری، فجاء فسلم عليه فاعرض منه، فشکا ذلك الی اصحابه فقالوا: خرج فرای قبتک - فهدمها حتی سواها بالارض، فاخبر بذلك - اما ان کل بناء وبال علی اصحابها الا ما لا بد منه.

انس: رسول خدا صلی الله علیه وآله چشمش به خانه گنبدی بلندی افتاد و درباره صاحب آن سوال کرد، عرض شد از فلان انصاری است، آن مرد آمد و به پیامبر سلام کرد، اما رسول خدا به او بی اعتنایی نمود. آن مرد نزد اصحاب پیامبر از این رفتار حضرت گله کرد. اصحاب گفتند: علتش این است که رسول خدا صلی الله علیه وآله خانه گنبدی تو را دیده است. پس، آن مرد انصاری، خانه را ویران و با خاک یکسان کرد و این خبر به پیامبر رسید. (حضرت فرمود:) بدانید که هر ساختمانی وبال صاحب آن است مگر آنچه که گریزی از آن نباشد.

❖ الإمام علی عليه السلام : مِنَ الْعَنَاءِ أَنْ الْمَرْءَ يَجْمَعُ مَالًا يَأْكُلُ وَيَبْنِي مَا لَا يَسْكُنُ ، ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَا مَالًا حَمَلًا ، وَلَا بِنَاءً تَقَلَّ

امام علی علیه السلام: یکی از رنجها این است که انسان چیزی را فراهم آورد که نمی خورد و بنایی بسازد که در آن سکونت نمی کند و سپس به جانب خداوند متعال می رود در حالی که نه مالی با خود می برد و نه ساختمانی منتقل می کند!

میزان الحکمه ، صفحه ۲۵۱۸

❖ الإمام الصادق عليه السلام : كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَبَالَ عَلَى صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

امام صادق علیه السلام: هر بنایی که بیش از نیاز باشد، در روز قیامت وبال گردن صاحب اوست.

❖ الإمامُ عليُّ عليه السلام - و قد مرَّ بباب رجلٍ قد بناه من أجرٍ - لمن هذا الباب؟ فقيل: لمغرور الفلاني، ثم مرَّ باب آخرٍ قد بناه صاحبه بالأجر فقال: هذا مغرور آخر.

امام علی علیه السلام: از کنار خانه مردی گذشت که آن را از آجر ساخته بود، پرسید: این خانه از کیست؟ عرض شد: از فلان فریب خورده ی (دنیا) ؛ بعد از کنار خانه دیگری گذشت که صاحب آن نیز آن را از آجر ساخته بود، فرمود: این هم فریب خورده دیگری است.

❖ عنه عليه السلام : مَنْ بَنَى فَوْقَ مَسْكِنِهِ كَلَّفَ حَمَلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

امام صادق علیه السلام : هر که بنایی بیش از نیاز سکونتش بسازد، در روز قیامت مکلف به حمل آن شود .

❖ الإمامُ عليُّ عليه السلام: معاشر الناس (المسلمين)، اتقوا الله، فكم من مؤمل ما لا يبلغه، و بان ما لا يسكنه، و جامع ما سوف يترکه.

امام علی علیه السلام: ای مردم (مسلمان)! از خدا بترسید. زیرا بسا کسی که امید و آرزویی دارد و به آن نمی رسد و بنایی می سازد و در آن سکونت نمی کند و مالی گرد می آورد و به زودی آن را رها می کند (و می رود).

❖ رسولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله : من بنى بنيانا رياء و سمعه حمله يوم القيامة الى سبع ارضين، ثم يطوقه ناراً توقد في عنقه، ثم يرمى به في النار، فقلنا: يا رسول الله، كيف بينى رياء و سمعه؟ قال: بينى فضلا على ما يكفيه او بينى مباحاه.

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: کسب که برای خودنمایی و شهرت ساختمانی بسازد در روز قیامت آن را بر پشت خود تا هفت زمین حمل می کند و سپس به صورت طوقی از آتش در گردن او در می آید و آن گاه در آتش پرت می شود. عرض کردیم: ای رسول خدا! چگونه برای خودنمایی و شهرت می سازد؟ فرمود: اضافه بر نیاز و کفایتش یا برای فخرفروشی می سازد.

❖ عن ابي عبد الله عليه السلام : من كسب مالا في غير حله سلطه الله عليه البناء و الطين و الماء.

امام صادق (ع) فرمود: کسی که مالی را از غیر حلال بدست آورد خداوند ساختمان و خاک و آب را بر او مسلط می سازد. (توان مالی او در ساختن ساختمان هایی که مورد نیازش نیست، تباه گردد).

کافی، ج ۶، ص ۵۳۱، حدیث ۲

میزان الحکمه ، صفحه ۲۵۱۸

❖ عن ابی عبد الله علیه السلام قال: ان الله و کل ملکا بالبنا یقول لمن رفع سقفا فوق ثمانیه اذرع : این ترید یا فاسق؟

خداوند ، فرشته ای را وکیل بر ساختمان قرار داده است، آن فرشته به هر کس که سقفی را بیش از هشت ذراع بالا ببرد ، خطاب کرده می گوید : ای تبه کار کجا می روی؟

بحار، ج ۷۶، ص ۱۵۰، حدیث ۱۳

التَّسْلِيمُ عِنْدَ دُخُولِ الْبَيْتِ - سلام کردن هنگام وارد شدن به خانه

❖ ایها الذین امنوا لاتدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسوا و تسلموا علی اهلها فان لم تجدوا فیها احداً فلاتدخلوها حتی یؤذن لکم و ان قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو ازکی لکم و الله بما تعملون علیم

❖ ای اهل ایمان هرگز به هیچ خانه‌ای مگر خانه‌های خودتان تا با صاحبش انس و (اجازه) ندارید وارد نشوید و چون رخصت یافته داخل شوید، به اهل آن خانه نخست سلام کنید. (اگر در خانه کسی را نیافتید داخل مشوید تا شما را رخصت دهند و اگر گویند باز گردید، مراجعت کنید این برایتان پاکیزه‌تر است و خداوند به هر کاری که می‌کنید آگاه است.

سوره نور، آیه ۲۷

❖ «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً» .

«هر گاه وارد خانه‌هایی شدید به خودتان سلام کنید که آن تحیتی است مبارک و پاکیزه از جانب خدا» .

نور، ۶۱،

❖ رسولُ اللهِ صلی الله علیه وآله : إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ بَيْتَهُ فَلْيَسَلِّمْ ؛ فَإِنَّهُ يَنْزِلُ الْبَرَكَةُ ، وَتُؤَنَسُ الْمَلَائِكَةُ .

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله : هرگاه یکی از شما وارد خانه خود شد ، سلام کند ؛ زیرا سلام بر آن (خانه) برکت فرود می‌آورد و فرشتگان با آن (خانه) انس می‌گیرند .

میزان الحکمه ، صفحه ۲۵۱۹

بَيْعُ الدَّارِ - فروش خانه

❖ رسولُ اللهِ صلی الله علیه وآله : مَنْ بَاعَ دَارًا ثُمَّ لَمْ يَجْعَلْ تَمَنَّا فِي مِثْلِهَا لَمْ يُبَارَكْ لَهُ فِيهَا .

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله : هر که خانه‌ای بفروشد و با پول آن همانند آن نخرد ، مالش برکت نمی‌یابد .

❖ عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ بَاعَ مِنْكُمْ دَارًا أَوْ عَقَارًا ، فَلْيَعْلَمْ أَنَّهُ مَالٌ قَمَنُ أَنْ لَا يُبَارَكَ لَهُ فِيهِ إِلَّا أَنْ يَجْعَلَهُ فِي مِثْلِهِ .

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله : هر یک از شما منزلی یا ملکی بفروشد ، بداند که پول آن سزاوار برکت نیست ، مگر این که صرف خرید همانند آن شود .

الامتناع من اسکان المومن - خودداری از اسکان مومن

❖ الإمام الصادق عليه السلام : من كان له دار و احتاج مومن الى سكنها فمنعه ايها قال الله عزوجل : ملائكتي، عبيد بخل على عبيد بسكنى الدنيا، و عزتي لا يسكن جناني ابدا.

امام صادق علیه السلام: هر که خانه ای داشته باشد و مومنی نیازمند سکونت در آن باشد و او آن را از او دریغ دارد، خدای عزوجل فرماید: فرشتگان من! بنده ام از سکونت دادن بنده ام در دنیا بخل ورزید. به عزت خودم سوگند که هرگز در بهشت من سکونت نکند.

❖ وَ اذْكُرُوا اِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْاَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُورًا وَ تَنْجِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَادْكُرُوا اِءَالَءَ اللّٰهِ وَ لَا تَعْتَوْا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ

آیه ۷۴ سوره اعراف

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۳۴

ترجمه:

- و بخاطر بیاورید که شما را جانشینان قوم عاد قرار داد و در زمین مستقر ساخت ، که در دشتهایش قصرها برای خود بنا می کنید و در کوه ها برای خود خانه ها می تراشید، بنابراین نعمتهای خدا را متذکر شوید و در زمین فساد نکنید.

تفسیر:

این آیه روی بعضی از نعمتها و امکانات خداداد قوم ثمود تکیه کرده می گوید: شما در سرزمینی زندگی دارید که هم دشتهای مسطح با خاکهای مساعد و آماده دارد که می توانید قصرهای مجلل و خانه های مرفه در آن بسازید و هم کوهستان های مستعدی دارد که می توانید خانه هایی مستحکم در دل سنگها (برای فصل زمستان و شرائط جوی سخت) ایجاد کنید و تراشید.

از این تعبیر چنین به نظر می رسد که آنها محل زندگی خود را در تابستان و زمستان تغییر می دادند، در فصل بهار و تابستان در دشتهای وسیع و پربرکت به زراعت و دامداری می پرداختند و به همین جهت خانه های مرفه و زیبایی در دشت داشتند، و به هنگام فرا رسیدن فصل سرما و تمام شدن برداشت محصول ، به خانه های مستحکمی که در دل صخره ها تراشیده بودند و در مناطق امن و امانی قرار داشت و از گزند طوفان و سیلاب و حوادث بر کنار بود آسوده خاطر زندگی می کردند.



دانشگاه علم و صنعت ایران

Islamicarchitecture.ir

کتابخانه

قطب علمی
معماری اسلامی

کد فایل: قطب علمی معماری اسلامی - معماری اسلامی

❖ وَ كَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا ءَامِنِينَ

آیه ۸۲ سوره حجر

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۱۲۰

ترجمه:

- آنها خانه های امن و امانی در دل کوهها می تراشیدند.

تفسیر:

قرآن درباره اصحاب الحجر چنین می گوید: ما آیات خود را برای آنها فرستادیم ولی آنها از آن روی گرداندند ((و آتیناهم آیاتنا فکانوا عنها معرضین.)) تعبیر به اعراض (روی گرداندن) نشان میدهد که آنها حتی حاضر نبودند این آیات را بشنوند و یا به آن نظر بیفکنند.

اما به عکس در کار زندگی دنیایشان آنقدر سختکوش بودند که برای خود خانه های امن و امانی در دل کوهها می تراشیدند ((و کانوا ینحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُیُوتًا ءَامِنِينَ.)) و این نشان میدهد که اولاً منطقه آنها یک منطقه کوهستانی بوده ، و ثانیاً تمدن مادی پیشرفته ای داشتند که به آنها امکان میداد در درون کوهها خانه های امن تهیه کنند که در برابر طوفانها و سیل و حتی زلزله ها کاملاً، مقاومت داشته باشد. عجیب است که انسان برای چند روز زندگی دنیا اینهمه محکم کاری میکند، ولی برای زندگی جاویدان و ابدیش آنچنان سهل انگار است که حتی گاهی حاضر به شنیدن سخن خدا و نظر افکندن در آیات او نیست!

❖ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۲۷)

❖ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِن قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (۲۸)

آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور

ترجمه :

- ای کسانی که ایمان آورده اید در خانه هائی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید، این برای شما بهتر است ، شاید متذکر شوید. (۲۷)
- و اگر کسی در آن نیافتید داخل آن نشوید تا به شما اجازه داده شود، و اگر گفته شود بازگردید، بازگردید، که برای شما پاکیزه تر است و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (۲۸)

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۲۷

تفسیر :

خانه هر انسانی حریم خصوصی وی بشمار می رود. اگر بنا باشد هر کس سر زده وارد این محیط گردد و به حریم امن آن تجاوز کند دیگر آن آزادی و استراحت و آرامش وجود نخواهد داشت. در این آیات بخشی از آداب معاشرت و دستورهای اجتماعی اسلام که ارتباط نزدیکی با مسائل مربوط به حفظ عفت عمومی دارد بیان شده است ، و آن طرز ورود به خانه های مردم و چگونگی اجازه ورود گرفتن است .حتی اجازه گرفتن باید کاملاً مؤدبانه و دوستانه و خالی از هر گونه خشونت باشد، مفهومش این است فریاد نکشید، در را محکم نکوبید با عبارات خشک و زننده اجازه نگیرید، و به هنگامی که اجازه داده شد بدون سلام وارد نشوید، سلامی که نشانه صلح و صفا و پیام آور محبت و دوستی است. (۲۷) در آیه (۲۸) ممکن است منظور آن باشد که گاه در آن خانه کسانی هستند ولی کسی که به شما اذن دهد و صاحب اختیار و صاحب البیت باشد حضور ندارد شما در اینصورت حق ورود نخواهید داشت، و اشاره به اینکه هرگز جواب رد شما را ناراحت نکند، چه بسا صاحب خانه در حالتی است که از دیدن شما در آن حالت ناراحت می شود، و یا وضع او و خانه اش آماده پذیرش مهمان نیست!

در حدیثی می خوانیم : که ابو سعید از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اجازه ورود به منزل گرفت در حالی که روبروی در خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ایستاده بود، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: به هنگام اجازه گرفتن روبروی در نایست!

در روایت دیگری می خوانیم که خود آنحضرت هنگامی که به در خانه کسی می آمد روبروی در نمی ایستاد بلکه در طرف راست یا چپ قرار می گرفت و می فرمود: السلام علیکم (و به این وسیله اجازه ورود می گرفت) زیرا آن روز هنوز معمول نشده بود که در برابر در خانه پرده بیاویزند.

حتی در روایات اسلامی می خوانیم که انسان به هنگامی که می خواهد وارد خانه مادر یا پدر و یا حتی وارد خانه فرزند خود شود اجازه بگیرد.

در روایت دیگری می خوانیم که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هنگامی که می خواست وارد خانه دخترش فاطمه (علیه السلام) شود، نخست بر در خانه آمد دست به روی در گذاشت و در را کمی عقب زد، سپس فرمود :السلام علیکم ، فاطمه (علیه السلام) پاسخ سلام پدر را داد، بعد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: اجازه دارم وارد شوم ؟ عرض کرد وارد شو ای رسول خدا! پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی که همراه من است نیز اجازه دارد وارد شود فاطمه عرض کرد: مقنعه بر سر من نیست ، و هنگامی که خود را به حجاب اسلامی محجب ساخت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مجددا سلام کرد و فاطمه (علیه السلام) جواب داد، و مجددا اجازه ورود برای خودش گرفت و بعد از پاسخ موافق فاطمه (علیه السلام) اجازه ورود برای همراهش جابر بن عبدالله گرفت.

❖ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ

آیه ۲۹ سوره نور

ترجمه :

- گناهی بر شما نیست که وارد خانه های غیر مسکونی بشوید که در آنجا متاعی متعلق به شما وجود دارد، و خدا آنچه را آشکار می کنید یا پنهان می دارید می داند.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۲۷

تفسیر :

بعضی گفته اند: منظور از بیوت غیر مسکونه ساختمانهایی است که شخص خاصی در آن ساکن نیست، بلکه جنبه عمومی و همگانی دارد، مانند کاروانسراها، مهمانخانه ها، و همچنین حمامها و مانند آن. این مضمون در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) صریحا آمده است.

و در پایان ((و الله يعلم ما تبذون و ما تکتمون)) شاید اشاره به این است که گاه بعضی از افراد از این استثناء سوء استفاده کرده و به بهانه این حکم وارد خانه های غیر مسکونی می شوند تا کشف اسراری کنند، و یا در خانه های مسکونی به این بهانه که نمی دانستیم مسکونی است ورود کنند، اما خدا از همه این امور آگاه است و سوء استفاده کنندگان را بخوبی می شناسد. ضمنا از این بیان روشن می شود که انسان تنها به عنوان اینکه متاعی در خانه ای دارد نمی تواند در خانه را بدون اجازه صاحب خانه بگشاید و وارد شود هر چند در آن موقع کسی در خانه نباشد.

❖ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَمِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالَكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَلَتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ بَيَّنَّ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

آیه ۶۱ سوره نور

ترجمه:

- بر نابینا و افراد شل و بیمار گناهی نیست (که با شما هم غذا شوند) و بر شما نیز گناهی نیست که از خانه های خودتان خانه های فرزندان یا همسرانتان که خانه خود شما محسوب می شود بدون اجازه خاصی غذا بخورید، و همچنین خانه های پدرانتان، یا خانه های مادرانتان، یا خانه های برادرانتان، یا خانه های خواهرانتان، یا خانه های عموهایتان، یا خانه های عمه هایتان، یا خانه های دایه هایتان، یا خانه های خاله هایتان، یا خانه ای که کلیدش در اختیار شما است، یا خانه های دوستانتان، بر شما گناهی نیست که بطور دسته جمعی یا جداگانه غذا بخورید، و هنگامی که داخل خانه ای شدید بر خویشتن سلام کنید، سلام و تحیتی از سوی خداوند، سلام و تحیتی پر برکت و پاکیزه، اینگونه خداوند آیات را برای شما تبیین می کند شاید اندیشه کنید.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۵۴۹

تفسیر:

از آنجا که در آیات سابق سخن از اذن ورود در اوقات معین یا به طور مطلق به هنگام داخل شدن در منزل اختصاصی پدر و مادر بود، آیه مورد بحث در واقع استثنائی بر این حکم است که گروهی می توانند در شرائط معینی بدون اجازه وارد منزل خویشاوندان و مانند آن شوند و حتی بدون استیذان غذا بخورند. بعضی از مفسران منظور از سلام کردن بر خویشتن را اشاره به خانه هائی می دانند که شخصی در آن ساکن نیست، انسان به هنگام ورود در آنجا با این عبارت بر خویشتن سلام می کند: السلام علینا من قبل ربنا (درود بر ما از سوی پروردگار ما) و یا، السلام علینا و علی عباد الله الصالحین (درود بر ما و بر بندگان صالح خدا). به هنگام ورود در هر خانه ای باید سلام کرد، مؤمنان بر یکدیگر، و اهل منزل بر یکدیگر، و اگر هم کسی نباشد، سلام کردن بر خویشتن، چرا که همه اینها در حقیقت باز گشت به سلام بر خویشتن دارد.

در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم هنگامی که از تفسیر این آیه سؤال کردند در جواب فرمود: هو تسلیم الرجل علی اهل البیت حین یدخل ثم یردون علیه فهو سلامکم علی انفسکم: منظور سلام کردن انسان بر اهل خانه است ، به هنگامی که وارد خانه می شود، آنها طبعاً به او پاسخ می گویند، و سلام را به خود او باز می گردانند و این است سلام شما بر خودتان.

و باز از همان امام (علیه السلام) می خوانیم که می فرمود: اذا دخل الرجل منکم بیده فان کان فیہ احد یسلم علیه ، و ان لم یکن فیہ احد فلیقل السلام علینا من عند ربنا یقول الله عز و جل تحیة من عند الله مبارکة طیبة: هنگامی که کسی از شما وارد خانه اش می شود اگر در آنجا کسی باشد بر او سلام کند، و اگر کسی نباشد بگوید: سلام بر ما از سوی پروردگار ما، همانگونه که خداوند در قرآن فرموده: تحیة من عند الله مبارکة طیبة.

❖ مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

آیه ۴۱ سوره عنکبوت

ترجمه:

- کسانی که غیر از خدا را اولیاء خود برگزیدند، همچون عنکبوتند که خانه ای برای خود انتخاب کرده و سست ترین خانه ها خانه عنکبوت است اگر می دانستند!

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۷۷

تفسیر:

تکیه گاههای سست همچون لانه عنکبوت! چه مثال رسا و جالبی و چه تشبیه گویا و دقیقی! هر حیوان و حشره ای برای خود خانه و لانه ای دارد، اما هیچیک از این خانه ها به سستی خانه عنکبوت نیست . اصولاً خانه باید دیوار و سقف و دری داشته باشد، و صاحب آن را از حوادث حفظ کند طعمه و غذا و نیازهای او را در خود نگاه دارد. بعضی از خانه ها سقف ندارند اما لاقط دیواری دارند یا اگر دیوار ندارند سقفی دارند. اما لانه عنکبوت که از تعدادی تارهای بسیار نازک ساخته شده نه دیواری دارد، نه سقفی ، نه حیاطی و نه دری ، اینها همه از یک سو، از سوی دیگر مصالح آن بقدری سست و بی دوام است که در برابر هیچ حادثه ای مقاومت نمی کند. معبودهای دروغین این گروه نیز نه سودی دارند و نه زبانی ، نه مشکلی را حل می کنند، و نه در روز بیچارگی پناهگاه کسی هستند. کسانی که غیر خدا را تکیه گاه خود قرار دهند تکیه آنها بر تار عنکبوت است.

آیه ۴ سوره طور

ترجمه:

- و سوگند به بیت المعمور (خانه آباد)

تفسیر نمونه جلد ۲۲ صفحه ۴۱۰

تفسیر:

در مورد ((بیت المعمور)) تفسیرهای گوناگونی شده، بعضی آنرا اشاره به خانه ای می دانند که در آسمانها محاذی خانه کعبه است و با عبادت فرشتگان، معمور و آباد است، این معنی در روایات متعددی که در منابع مختلف اسلامی آمده است دیده می شود. طبق روایتی هر روز هفتاد هزار فرشته به زیارت آن می آیند و هرگز بار دیگر به سوی آن باز نمی گردند.

بعضی آنرا به کعبه و خانه خدا در زمین تفسیر کرده اند که بوسیله زوار و حاجیان همواره معمور و آباد است، و می دانیم نخستین خانه ای است که برای عبادت، در روی زمین ساخته و آباد شده است. بعضی نیز گفته اند منظور از آن، خانه قلب مؤمن است که با ایمان و ذکر خدا، آباد است. ولی ظاهر آیه یکی از دو معنی اول است، و با توجه به تعبیرات مختلفی که در قرآن، از ((کعبه)) به عنوان ((بیت)) آمده، معنی دوم از همه مناسبتر به نظر می رسد.

❖ إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

آیه ۴ سوره حجرات

ترجمه:

❖ ولی کسانی که تو را از پشت حجره ها بلند صدا می زنند اکثرشان نمی فهمند!

تفسیر نمونه جلد ۲۲ صفحه ۱۴۱

تفسیر:

حجرات " جمع " حجره " در اینجا اشاره به اطاقهای متعددی است که در کنار مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای همسران او تهیه شده بود، و در اصل از ماده حجر (بر وزن اجر) به معنی منع است ، زیرا " حجره " مانع ورود دیگران در حریم زندگی انسان است ، و تعبیر به " وء " در اینجا به معنی بیرون است ، از هر طرف که باشد، زیرا در حجره های پیامبر به مسجد گشوده می شد، و افراد نادان و عجول گاه در برابر در حجره می آمدند و فریاد یا محمد! می زدند قرآن آنها را از این کار نهی می کند.

در آخرین آیه مورد بحث برای تکمیل این معنی می افزاید : "اگر آنها صبر می کردند تا خود بیرون آئی ، و به سراغشان روی برای آنها بهتر بود" (و لو انهم صبروا حتی تخرج اليهم لكان خيرا لهم) . مسأله رعایت ادب در برابر کبیر و صغیر بخش مهمی از دستورات اسلامی را شامل می شود.

البته در برابر امامان معصوم (علیهم السلام) این مسأله روشنتر است ، حتی در روایاتی که از طرق اهل بیت (علیهم السلام) به ما رسیده می خوانیم : هنگامی که یکی از یاران با حالت جنابت خدمتشان رسید امام (علیه السلام) بدون مقدمه فرمود: اما تعلم انه لا ینبغی للجنب ان یدخل بیوت الانبیاء!؟

"آیا تو نمی دانی که سزاوار نیست "جنب " وارد خانه پیامبران شود"؟!.

و در روایت دیگری تعبیر به "ان بیوت الانبیاء و اولاد الانبیاء لایدخلها الجنب " شده است ، که هم خانه پیامبران را شامل می شود و هم خانه فرزندان آنها را.



دانشگاه علم و صنعت ایران

Islamicarchitecture.ir

کتابخانه

قطب علمی
معماری اسلامی

کد فایل: قطب علمی معماری اسلامی - معماری اسلامی

جَوَارُ الْمَسْجِدِ وَالصَّلَاةُ فِيهِ - همسایگی مسجد و نماز خواندن در آن

❖ الإمامُ عليٌّ عليه السلام : لا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ عُدْرٌ أَوْ بِهِ عِلَّةٌ ، فَقِيلَ : وَمَنْ جَارُ الْمَسْجِدِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ؟ قَالَ : مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ .

امام علی علیه السلام : نماز همسایه مسجد جز در مسجد پذیرفته نیست ، مگر آن که عذری داشته باشد یا بیمار باشد . عرض شد : ای امیر المؤمنین ! همسایه مسجد کیست ؟ فرمود : کسی که ندا (ی دعوت به اقامه نماز) را بشنود .

❖ عنه عليه السلام : حَرِيمُ الْمَسْجِدِ أَرْبَعُونَ ذِرَاعًا ، وَالْجَوَارُ أَرْبَعُونَ دَارًا مِنْ أَرْبَعَةِ جَوَانِبِهَا .
امام علی علیه السلام : حریم مسجد چهل گز است و همسایگی آن چهل خانه از چهار طرف مسجد .

اتخاذ المسجد في البيت - مسجد داشتن در خانه

❖ قال الصادق عليه السلام: كان لعلی عليه السلام بيت ليس فيه شيء الا فراش و سيف و مصحف، و كان یصلی فیہ - او قال :- كان یقیل فیہ.

امام صادق علیه السلام : علی علیه السلام اتاقی داشت که در آن چیزی جز یک فرش و یک شمشیر و یک قرآن نبود و در آن جا نماز می خواند یا فرمود : در آن به خواب و استراحت نیمروزی می پرداخت .

❖ قال الصادق عليه السلام: كان علی عليه السلام قد جعل بیتا فی داره لیس بالصغیر و لا بالكبیر لصلاته
امام صادق علیه السلام : علی علیه السلام در منزل خود اتاقی را که نه کوچک بود نه بزرگ ، مخصوص نمازش قرار داده بود.

❖ الصادق عليه السلام فی کتاب له الی مسمع: انی احب لک ان تتخذ فی دارک مسجدا فی بعض بیوتک، ثم تلبس ثوبین طمرین غلیظین، ثم تسال الله ان یتقک من النار و ان یدخلک الجنة ولا تتکلم بکلمه باطله و لا بکلمه بغی.

امام صادق علیه السلام در نامه ای به مسمع می فرماید : دوست دارم که یکی از اتاقهای منزلت را مسجد قرار دهی و سپس دو جامه فرسوده زیر بیوشی و آن گاه از خداوند مسالت کنی که تو را از آتش رهایی دهد و به بهشتت برد و هیچ سخن باطل یا گناه آلودی به زبان نیاوری .

میزان الحکمه ، صفحه ۲۳۹۰

❖ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : أُنْثِيَ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَتَقَبَّلُ بِالْعَمَلِ فَلَا يَعْمَلُ فِيهِ وَيَدْفَعُهُ إِلَى آخَرَ فَيُرِيحُ فِيهِ ، قَالَ : لَا ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ قَدْ عَمِلَ فِيهِ شَيْئًا .

محمد بن مسلم : از امام باقر یا صادق علیهما السلام ، پرسیده شد : فردی کاری را می‌پذیرد اما خودش آن را انجام نمی‌دهد بلکه به دیگری وا می‌گذارد و در این میان سود می‌برد ، فرمود : نه ، مگر آن که خودش نیز مقداری از آن کار را انجام دهد .

❖ الإمام الصادق عليه السلام - و قد سئل عن الدار يكتريها الرجل ثم يستاجرها منه غيره باكثر - : لا، إلا ان يحدث فيها شيئاً.

از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: مردی خانه ای را اجاره می‌کند و سپس شخص دیگری آن خانه را به قیمتی بالاتر از او اجاره می‌گیرد، فرمود: درست نیست مگر آن که تغییری در آن خانه ایجاد کند.

میزان الحکمه ، صفحه ۳۸

حق الشفعة في الشراكة - حق شفعه یا حق تقدم در شراکت

❖ الإمامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالشَّفْعَةِ بَيْنَ الشَّرَكَاءِ فِي الْأَرْضَيْنِ وَالْمَسَاكِنِ ، وَقَالَ : لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ ، وَقَالَ : إِذَا رُقَّتِ الْأَرْفُ وَحُدَّتِ الْحُدُودُ فَلَا شَفْعَةَ .

امام صادق علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره شرکای در زمین و خانه حکم به شفعه داد و فرمود: زمانی که حدود اراضی و خانه‌ها مشخص شد (و از یکدیگر تفکیک شدند و از حالت مشاع درآمدند) دیگر حق شفعه وجود ندارد.

میزان الحکمه ، صفحه ۲۷۳۰

یکی از مسائلی که بشر از بدو تولد به طور قاطع و گریز ناپذیری با آن روبرو بوده، مساله مسکن است. مسکن اسم مکان است، بر وزن مَفْعَل - به معنای محل آرامش و سکونت - که از ماده سَكَن - به معنی آرامش - می‌آید و در اصطلاح به مکانی می‌گویند که انسان در آن زندگی می‌کند. در لغت نامه دهخدا مسکن چنین معنی شده: جای باشش و خانه، منزل و بیت، جای سکونت و مقام، جای آرام....

در فرهنگ اسلامی کلماتی از قبیل بیت، منزل و دار بکار رفته است که از لحاظ مفهوم به کلمه مسکن متفاوتند.

(بیت) مکانی است که در آن بیتوته شود یعنی شب به روز آورده شود.

(منزل) جای فرود آمدن و وارد شدن می باشد، در حالیکه مسکن مفهوم کلی تری داشته و منظور مکانی است که انسان در آن ساکن بوده و آرامش می گیرد.

از آنجایی که انسان فطرتاً خواهان آرامش و مکان محفوظ می باشد تامین مسکن مناسب یکی از مسائل مهم زندگی و معیشت بشر محسوب می شود. در اصل سی و یکم قانون کشور ما نیز آمده است دسترسی به مسکن حق هر خانوار ایرانی است. سکونت را می‌توان بیانگر تعیین موقعیت و احراز هویت دانست. سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض می‌باشد که این پیوند از تلاش برای هویت یافتن یعنی به مکانی احساس تعلق داشتن ناشی گردیده است بدین ترتیب، انسان زمانی بر خود وقوف می‌یابد که مسکن گزیده و در نتیجه هستی خود در جهان را تثبیت کرده باشد.

ویژگی کیفی مسکن مطلوب

معیارهای مسکن مطلوب به این محدود نمی‌گردد که سرپناه و حافظ انسان در برابر شرایط نامساعد جوی و گزند حیوانات و احتمالاً آسیب هموعانش باشد و یا قیمت کم و یا مناسبی داشته باشد، و یا این که تامین آن برای هر کس مقدور باشد. همه اینها لازمند، لکن کافی نبوده و همهٔ مسائلی نیستند که در تعریف مسکن مطلوب باید به آن‌ها توجه شود. یکی از نکات ضروری و بسیار مهم آن است که مسکن باید محل و فضایی فراهم آورنده آرامش، آسایش و سکینه برای ساکن خویش باشد.

مسکن نه تنها باید شرایطی را داشته باشد تا خانوارها از نظر اقتصادی توان تهیه آن را داشته باشند، باید شرایطی را داشته باشد که بتواند به عنوان محل امن، سکنی و آرامش انسان عمل نماید. اگر برخی عوامل مرتبط با مسکن مثل الگوی ساخت و نوع مصالح (و حتی زمین) ثابت و به عنوان ارزش فرض شوند و مدها بر آن حاکم باشند، ناچار دائماً از ویژگی‌های کیفی و وسعت آن کاسته شده، عنوان خانه ارزان قیمت و مسکن اقشار کم در آمد و امثال آن را به خود می‌گیرد. در حالی که اگر برای مسکن به صورت عام شرایط، ویژگی‌ها و خصوصیات تدوین شود، می‌توان بسته به زمان و مکان و شرایط، تصمیم صحیح و مناسب را در طراحی و ساخت مسکن مطلوب اتخاذ نمود. چنانچه در معماری صدر اسلام چنین بوده است و اصول حاکم بر مسکن خانه‌های وسیع با اصول شکل دهندهٔ خانه‌های کوچک ثابت بوده است. در حالی که امروزه موضوع کاملاً بر عکس شده، آن‌چه که ثابت است توجه به موضوعات مادی است.

با این حال برای مسکن و عوامل مربوط به مقوله سکونت دو دسته ویژگی اصلی را می توان مطرح کرد : دسته اول مشتمل بر ویژگی های اثباتی که مرئی داشتن آن توصیه می شود و دسته دوم ویژگی های سلبی هستند که حذف و یا عدم اجازه به ظهورشان ضرورت دارد . لازم به ذکر است که هر دوی این ویژگی های اثباتی و سلبی نیز به نوبه خود مشتمل بر مقولاتی جزئی تر هستند که از جمله آنها عبارتند از :

صفات مسکن (مثل امنیت و ایمنی ، خصوصیت ، آرامش و امثال آن ، امکانات مسکن (از قبیل امکان ارتباط انسان با طبیعت ، امکان مرتفع شدن نیازهای انسانی ، و امکان دسترسی به منابع تامین کننده نیازها) و انتظارات از مسکن یا تاثیر مسکن بر مقولات اجتماعی (مانند ترجیح هویت جمعی به هویت فردی ، احترام به حقوق دیگران ، کمک به وحدت جامعه و امثال آن) به شمار می رود . البته در ملحوظ داشتن ویژگی های اثباتی عمدتا به عنوان عاملی در جهت حذف ویژگی های نامطلوب عمل خواهند کرد . فی المثل توجه به هویت جمعی و هماهنگی ، به عنوان عاملی در جهت حذف پدیده و صفت نامطلوب "از خود بیگانگی" خواهد بود .

توجه به انسان

مهمترین موضوعی که در ارتباط با مسکن باید مورد توجه قرار گیرد ، انسان است . انسان ، به تبع چهار ساحت آفاقی و انفسی خویش از دید حضرت امیر (ع)؛ (متشکل از رشد کننده گیاهی، حس کننده حیوانی، تدبیرگر قدسی ، ملکه الهی) نیازهای گوناگونی نیز دارد که هر یک از این نیازها به قلمرو خاصی از حیات تعلق داشته فراهم آوردن زمینه پاسخگویی به هر کدام ، به تناسب اهمیتی که دارد ، برای ایجاد زمینه تحصیل زندگی و حیاتی طیب و سازگار با طبیعت و فطرت انسان ضرورت دارد . به نظر می رسد آنچه که در وهله اول اهمیت دارد ، تأمین توأمان نیاز های مادی (پاسخ به کالبد)، نیاز های روانی (پاسخ به روح) انسان است، در عین حال هدف اصلی ، تعالی معنوی و روحانی انسان و آمادگی او برای رسیدن به قرب الهی باشد . اصل سلسله مراتب از جمله مراتب عالم وجود مورد بحث است .

این اصل که ارتباط قلمروهای مختلف محیط زندگی را از عمومی تا خصوصی(عمومی،نیمه عمومی،نیمه خصوصی و خصوصی)تعریف و تعیین می کند به دلیل ویژگی های مسکن که آنرا "حرم" نامیده اند از اهمیت خاصی برخوردار است ،

❖ قال رسول الله(ص): الدار حرم، فمن دخل علیک حرماً فاقته

❖ رسول خدا(ص) فرموده‌اند: خانه حرم است، و هر که بی اجازه به حرم تو در آمد، او را بکش.

نهج الفصاحه، ص ۳۳۱، حدیث ۱۵۸۲

تأثیر اصل سلسله مراتب بر معماری مسکن ،به تبیین مراتب بر معماری مسکن ،به تبیین مراتب و نحوه ارتباط قلمروهای مختلف (عمومی ،نیمه عمومی،نیمه خصوصی و خصوصی)می پردازد و حد فضاها و عناصر ارتباطی هر یک را تعیین می نماید.ضمن آنکه در هر قلمرو نیز به جزئیات بیشتری توجه داشته ،ارتباط اجزاء و عناصر آن با یکدیگر و با سایر قلمروها را مورد توجه قرار می دهد.

تعالُد به عنوان بارزترین ویژگی و اصل حاکم بر عالم وجود که مشتق از عدل می باشد، اصلی است که رعایت آن در هر گونه طرح و بر نامه ای اولاً توصیه شده و ثانیاً می تواند فراهم آورنده امکان تجلی بسیاری ارزش ها و مفاهیم و معیارهای دیگر باشد. در ارتباط با مسکن رعایت تعادل در زمینه های زیر اهمیت بیشتری دارد:

تعالُد در پاسخگویی به نیازهای مختلف (مادی، روانی و معنوی) انسان، حفظ و تقویت تعادل های محیطی، تعادل در پاسخگویی به نیاز های توأم فرد و جامعه، تعادل در مصرف منابع طبیعی، و تعادل در فرهنگ و الگوی مصرف. مضافاً اینکه تعادل (به تبعیت از اصل عدل) در جای خود قرار گرفتن هر چیز و کل مسکن را به نحوی که بهترین بازدهی معنوی و مادی را داشته باشد به طراح یا سازنده القا می نماید. تعادل مورد نظر را در مباحث مختلف معماری مسکن می توان مطرح نمود، از جمله: در توجه متعادل به نیازهای مختلف انسان در استفاده در الگوهای آشنا و هندسی متعادل مثل تقارن، در حفظ و تقارن، در حفظ و تقویت تعادل بین اشکال و معماری مسکن با توجه به زمان و فرهنگ جامعه، در حفظ تعادل محیط با عنایت به تلفیق مناسب محیط متبوع و طبیعت، و در اجتناب از اعتدالی که بر انسان و محیط، اثر نا مطلوب و مخرب داشته باشد

ویژگیهای معماری مسکن مطلوب باید به گونه ای باشد که درجات مختلف امنیت را برای ساکنین فراهم آورد. این امنیت اعم از امنیت در مقابل بلایا و سوانح طبیعی و غیر طبیعی، امنیت در برابر تجاوز سایر آحاد جامعه، امنیت در برابر اثرات ناشی از فعالیتهای انسانی و سایر جنبه های امنیت به شمار می رود.

❖ عن الصادق عن آبائه (فی الحدیث المناهی) : نهی رسوا الله (ص) ان یطلع الرجل فی بیت جاره

❖ پیامبر خدا (ص) سرک کشیدن در خانه همسایه را نهی فرمودند.

❖ قال رسول الله (ص): ان الله عز و جل کره لکم الاشیاء العیث فی الصلوه، الی ان قال: و ادخال العین فی الدور

بغیر اذن

❖ پیامبر خدا (ص): خداوند عز و جل چیزهایی را خوش ندارد که عبارتند از: بیهودگی در نماز ... و چشم انداختن

به داخل خانه ها بدون اجازه

آرامش اعضاء خانواده کیفیت مهمی است که توجه به آن ضرورت بنیادین مسکن مطلوب است. انسان از جهات بسیاری به آرامش نیازمند است که این جهات، ناشی از قلمروهای مختلف حیات انسانی است. انسان برای عبادت نیازمند مکانی آرام است تا حضور قلب لازم برایش فراهم گردد. همچنین یکی از لوازم اصلی تفکر به عنوان فعالیت

توصیه شده در فرهنگ اسلامی ، وجود فضایی آرام است . مطالعه و کسب دانش و بهره گیری از وسایل ارتباط جمعی نیازمند آرامش است . فراهم آمدن امکان گفتگوهای خانوادگی و تحکیم مبانی آن به وجود آرامش بستگی تام دارد . علاوه بر آن برای انجام بسیاری از فعالیتهای فردی و جمعی دیگر از جمله استراحت و تماسهای رو در رو با اقوام و دوستان و همسایگان ، وجود محیطی آرام ضرورت دارد .

❖ **أَوَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَ مِنْ أَصْوَابِهَا وَ أَوْبَارِهَا وَ أَشْعَارِهَا أَثْنَا وَ مَتَاعًا إِلَى حِينٍ**

❖ و خدا برای شما از خانه های ایتان محل سکونت (و آرامش) قرار داد، و از پوست چهارپایان نیز برای شما خانه هایی قرار داد که کوچ کردن و روز اقامتتان به آسانی می توانید آنها را جابجا کنید، و از پشم و کرک و موی آنها اثاث و متاع (وسائل مختلف زندگی) تا زمان معینی قرار داد.

سوره نحل آیه ۸۰

❖ **رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ الْمَسْكِنُ الْوَاسِعُ .**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از خوشبختیهای مرد مسلمان ، داشتن مسکن وسیع است .

محرمیت

مصون بودن فضاهای داخلی مسکن از دید بیگانگان موردی است که آسایش خانواده سخت به آن وابسته است . در واقع ، مسکن به عنوان محل امن و آرامش خانواده باید به گونه مناسب از مشرف قرار گرفتن در امان بماند . مورد دیگری که در این رابطه مطرح است ، ارتباطات صحیح فضاهای داخلی است به گونه ای که اولاً غریبه ها بر فضاهای داخلی تسلط نداشته باشند و ثانیاً قلمرو اعضای خانواده (والدین و فرزندان دختر و پسر) نیز به طریق مناسب از یگدیگر تفکیک شوند

❖ **شكا رجل من الأنصار إلى رسول الله (صلى الله عليه وآله) أن الدور قد اكتفتته. فقال النبي (صلى الله عليه وآله): ارفع صوتك ما استطعت، وسل الله أن يوسع عليك**

مردی از انصار پیش رسول خدا (ص) گلایه کرد و گفت: خانه های مجاور، گرداگرد خانه اش را فرا گرفته است (خانه اش فروافتاده و تیره گشته). پیامبر اکرم (ص) فرمود: صدایت را به نیایش برافراز و از خدای بخواه تا بر تو گشایش پدید آورد.

کافی، ج ۶، ص ۵۲۶، حدیث ۸

❖ **قال رسول الله (ص): من ادخل بصره في حریم قوم قبل و جلیه فلا اثم له و هو اثم و هو اثم**

❖ پیامبر خدا (ص): هر کس قبل در حریم گروهی چشم انداخت، خدا برای او تمام نمی گرداند در حالی که گناهکار است، در حالی که گناهکار است.

امام صادق(ع) فرمودند : مؤمن در سه چیز آسوده است که یکی از آنها خانه گسترده‌ای است که از نادیدنی‌های او پرده پوشی کند و حالات ناروا را از دید مردم مصون بدارد. (کافی، ج ۵، ص ۳۲۷، روایت ۶). قرآن مسلمانان را از تجسس در امر یکدیگر منع نموده(سوره حجرات، آیه ۱۳) و این موضوع درباره خانه‌ها نیز صادق است.

خلوت

خلوت مسکن از ویژگی‌هایی است که به همراه سایر موارد فوق‌الاشاره از ضروریات یک محیط مناسب برای زیست انسان به شمار می‌رود. اگر ارتباط انسان با جهان هستی را به روابط چهارگانه ارتباط با محیط‌های طبیعی و مصنوعی، جامعه و خویشتن تقسیم کنیم، وجود خلوت در محیط زندگی، یکی از مهمترین ویژگیهای کیفی محیط است که می‌تواند به ایجاد زمینه مناسب " رابطه انسان با خویش " بیانجامد.

❖ **قال الصادق علیه السلام: کان لعلی علیه السلام بیت لیس فیه شیء الا فراش و سیف و مصحف، و کان یصلی فیه - او قال - : کان یقیل فیه.**

امام صادق علیه السلام : علی علیه السلام اتاقی داشت که در آن چیزی جز یک فرش و یک شمشیر و یک قرآن نبود و در آن جا نماز می‌خواند یا فرمود : در آن به خواب و استراحت نیمروزی می‌پرداخت .

❖ **قال الصادق علیه السلام: کان علی علیه السلام قد جعل بیتا فی داره لیس بالصغیر و لا بالکبیر لصلاته** امام صادق علیه السلام : علی علیه السلام در منزل خود اتاقی را که نه کوچک بود نه بزرگ ، مخصوص نمازش قرار داده بود.

❖ **الصادق علیه السلام فی کتاب له الی مسمع: انی احب لک ان تتخذ فی دارک مسجدا فی بعض بیوتک، ثم تلبس ثوبین طمرین غلیظین، ثم تسال الله ان یتقک من النار و ان یدخلک الجنة ولا تتکلم بکلمه باطله و لا بکلمه بغی.**

امام صادق علیه السلام در نامه ای به مسمع می‌فرماید : دوست دارم که یکی از اتاقهای منزلت رامسجد قرار دهی و سپس دو جامه فرسوده زیر بپوشی و آن گاه از خداوند مسالت کنی که تو را از آتش رهایی دهد و به بهشتت برد و هیچ سخن باطل یا گناه آلودی به زبان نیاوری .

میزان الحکمه ، صفحه ۲۳۹۰

یکی از ارتباطات انسان با عالم وجود ، ارتباط انسان با طبیعت است . فراهم بودن این ارتباط که کثرت تأکید بر لزوم آن در تعالیم اسلامی و فرهنگ ایرانی ما را از ذکر جزئیات آن بی نیاز می نماید ، امر مهمی است که می تواند به عنوان یکی از معیارهای مسکن مطلوب مطرح شود . علاوه بر نیاز انسان به تماس با طبیعت ، هماهنگی محیط مصنوع و از جمله عمارت و مسکن (به عنوان مهمترین و بیشترین اثر معماری مستحدثه توسط انسان در زمین (با طبیعت (محیط ، عناصر ، سیما و مناظر ، مصالح ، زیبایی های طبیعی) ضرورتی انکارناپذیر است. بنابراین انسان از جنبه های مادی و معنوی متفاوتی به طبیعت و عناصر طبیعی و برخورداری از تماس مداوم با آنها نیازمند است .

❖ **عن ابی الحسن (ع):** ثلاثه یجلون البصر: لنظر الی الخضره و النظر الی الماء الجاری و النظر الی الوجه الحسن
 ❖ سه چیز است که چشم را جلا می دهد: ۱- نگاه کردن به سبزی، ۲- نگاه کردن به آب جاری، ۳- نگاه کردن به روی زیبا

بحارالانوار ج ۱۰، ص ۲۴۶ و ج ۵۹، ص ۱۴۴ و ج ۷۵، ص ۲۹۱ و ج ۱۰۱، ص ۴۵

❖ **إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (یونس/۳)**

میانه روی که همان مشی در حد تعادل و اجتناب از افراط و تفریط است از کیفیاتی است که در به تعادل رساندن جامعه لیفای نقش می نماید . جنبه ای از میانه روی عبارت از اجتناب از اسراف و تبذیر است که در مقولاتی همچون انتخاب مصالح و شیوه های ساخت و تنوع فضاهای درونی مسکن و هر آنچه که بتوان آنرا به عنوان خروج از تعادل ذکر کرد ، بروز می نماید . علاوه بر آن میانه روی به معنای اجتناب از لغو و بطالت است که این اعراض و دوری به عنوان ویژگی مؤمنین ذکر شده است . جملگی اینها هوشیاری جامعه را در تقابل با موج ترویج مصرف گرایی و مدگرایی رایج طلب می نماید که دنیای صنعتی و مادی گرای معاصر به شدت مبلغ و مروج آن است و به صورت اشکال ، مصالح ، فضاها و روابطی ظاهر می شود که در تضاد با اقلیم و ارزشهای فرهنگی جامعه و حتی اقتصاد خانواده ها است .

❖ **الإمامُ عليُّ عليه السلام : مِنَ الْعَنَاءِ أَنْ الْمَرْءَ يَجْمَعُ مَا لَا يَأْكُلُ وَيَبْنِي مَا لَا يَسْكُنُ ، ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَا مَالًا حَمَلًا ، وَلَا بِنَاءً ثَقَلًا**

امام علی علیه السلام : یکی از رنجها این است که انسان چیزی را فراهم آورد که نمی خورد و بنایی بسازد که در آن سکونت نمی کند و سپس به جانب خداوند متعال می رود در حالی که نه مالی با خود می برد و نه ساختمانی منتقل می کند !

❖ و عن ابی عبد الله، عن آباءه، عن علی علیه السلام، قال: ان للدار شرفاً، وشرفها الساحة الواسعة، والخلطاء الصالحون. وان لها برکة، وبرکتها جودة موضعها، وسعة ساحتها، وحسن جوار جيرانها.

امام صادق (ع) به وسیله نیاکانشان از علی (ع) نقل کردند که: بی تردید برای خانه، والایی و برتری وجود دارد. والایی خانه به گستردگی حیاط آن و همنشین های شایسته است و برای خانه فرخندگی و میمندی هست و آن فرخندگی، به موقعیت و جای نیکوی خانه، گستردگی فضای آن و خوبی همسایگان است.

بحار، ج ۷۶، ص ۱۵۴، حدیث ۳۴، باب ۲۶

میزان الحکمه، صفحه ۲۵۱۶

❖ انس: رای رسول الله صلی الله علیه وآله قبه مشرفه فسال عنها فقيل: لفلان انصاری، فجاء فسلم عليه فاعرض منه، فشكا ذلك الي اصحابه فقالوا: خرج فرای قبتک - فهدمها حتی سواها بالارض، فاخبر بذلك - اما ان كل بناء وبال علی اصحابها الا ما لا بد منه.

انس: رسول خدا صلی الله علیه وآله چشمش به خانه گنبدی بلندی افتاد و درباره صاحب آن سوال کرد، عرض شد از فلان انصاری است، آن مرد آمد و به پیامبر سلام کرد، اما رسول خدا به او بی اعتنایی نمود. آن مرد نزد اصحاب پیامبر از این رفتار حضرت گله کرد. اصحاب گفتند: علتش این است که رسول خدا صلی الله علیه وآله خانه گنبدی تو را دیده است. پس، آن مرد انصاری، خانه را ویران و با خاک یکسان کرد و این خبر به پیامبر رسید. (حضرت فرمود:) بدانید که هر ساختمانی وبال صاحب آن است مگر آنچه که گریزی از آن نباشد.

❖ رسول الله صلی الله علیه وآله : من بنی بنیانا ریاء و سمعه حمله یوم القیامه الی سبع ارضین، ثم یتوکه ناراً توقد فی عنقه، ثم یرمی به فی النار، فقلنا: یا رسول الله، کیف یبنی ریاء و سمعه؟ قال: یبنی فضلا علی ما یکفیه او یبنی مباحاه.

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: کسب که برای خودنمایی و شهرت ساختمانی بسازد در روز قیامت آن را بر پشت خود تا هفت زمین حمل می کند و سپس به صورت طوقی از آتش در گردن او در می آید و آن گاه در آتش پرت می شود. عرض کردیم: ای رسول خدا! چگونه برای خودنمایی و شهرت می سازد؟ فرمود: اضافه بر نیاز و کفایتش یا برای فخرفروشی می سازد.

احترام به حقوق دیگران

مرعی داشتن حقوق سایر آحاد جامعه از جمله همسایگان تأثیری بسزا در شکل گیری مسکن مطلوب و ارتباطهای مسکن مطلوب با یکدیگر خواهد داشت . این به آن معناست که مسکن مطلوب در عین حالی که امکان ارتباط مناسب بین افراد خانواده فراهم می آورند از بروز مزاحمت های بصری ، صوتی ، روانی و امثال آن پیشگیری می کنند .

❖ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلَّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ



دانشگاه علم و صنعت ایران

Islamicarchitecture.ir

کتابخانه

قطب علمی
معماری اسلامی

کد فایل: قطب علمی معماری اسلامی - معماری اسلامی

❖ ای کسانی که ایمان آورده اید در خانه هائی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیریید و بر اهل آن خانه سلام کنید، این برای شما بهتر است ، شاید متذکر شوید.

سوره نور، آیه ۲۷

❖ **الامام الصادق علیه السلام: الأستیدانُ ثلاثةٌ: أولهنَّ يسمعون، والثانيةٌ يحذرونَ و الثالثةُ إنْ شاؤوا آذنوا و إنْ شاؤوا لم يَفْعَلوا، فَيَرْجِعُ المستأذِنُ**

❖ امام صادق (ع): برای ورود به خانه‌ای، اذن گرفتن و اعلام، سه بار است: بار اول، تا بشنوند. بار دوم برای آنکه خود را جمع و جور کنند. در مرتبه سوم اگر مایل بودند اجازه دهند، والا، اذن نمی‌دهند و اجازه‌گیرنده برمی‌گردد.

وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۱

❖ **عن ابی عبد الله علیه السلام قال: الشوم فی ثلاثة اشیاء فی الدابّه و المراه و الدار ... فاما الدار ... فشومها ضیقها و خبث جیرانها**

امام صادق (ع) فرمود: شوم و بدی در سه چیز است: چهار پا، زن و خانه (که معرض آن دوی اولی نمی‌شویم) اما خانه شوم خانه ایی است که کوچک و به اندازه کفاف نباشد و همسایگانی خبیث داشته باشد. همسایگانی که آسایش و راحتی را از انسان سلب می‌کند و به شکل‌های مختلف آزار و اذیت می‌رسانند.

تهذیب، ج ۷، ص ۳۹۹، روایت ۲، باب ۳۴

از دیدگاه شریعت اسلامی هیچ کس حق ندارد بدون اطلاع و اجازه قبلی به خانه دیگری وارد شود. رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: برای خبردادن به اهل خانه ذکر خدا بر زبان جاری گردد همچون سبحان الله، الله اکبر و این که ایرانیان به هنگام ورود به منازل افراد یا الله می‌گویند: الهام گرفته از این توصیه است. همچنین طبق آیه قرآن باید بر اهل خانه سلام کرد. امام باقر (ع) فرموده‌اند: به هنگام ورود به منازل افراد باید بر اهل آن سلام نمود و چنانچه کسی نباشد بگوئید السلام علینا من عند ربنا (درود بر ما از جانب پروردگار ما) چرا که خداوند فرموده است: تحیت با برکت و پاکیزه نزد خداست. آداب معاشرت از دیدگاه معصومین، ص ۶۹ رسول اکرم (ص) وقتی به در خانه کسی می‌آمدند با صدای بلند اجازه ورود می‌گرفتند زیرا آن روزها متداول نبود بر در خانه‌ها پرده‌ای نصب کنند (تفسیر فخر رازی، ج ۲۳، ص ۱۹۸). اگر اهل خانه اجازه ورود می‌دادند داخل می‌شدند و اگر جوابی نمی‌شنیدند در نوبت دوم و سوم سلام را تکرار می‌فرمودند و اگر پاسخی نمی‌شنیدند برمی‌گشتند. آن حضرت این روش را حتی در مورد خانه دخترش حضرت فاطمه زهرا (س) به اجرا در می‌آوردند. (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۳۱)

به نظر علامه طباطبایی اجازه گرفتن برای آمدن به داخل خانه این زمینه را فراهم می‌سازد که ساکنین منزل خود را بپوشانند و از ناحیه خویشان ایمن و خاطر جمع باشند و این شیوه شایسته کمک می‌کند روح اخوت، تفاهم و تعاون عمومی در مسیر گسترش فضایل و مکارم و پوشانیده شدن امور ناروا استمرار یابد. (المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۱۸)

خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است که ارتباطهایی با اعضاء خود و با جهان خارج دارد. هر یک از این ارتباطها، نیازمند فضایی مناسب برای فعالیت های فردی و جمعی است که در مسکن رخ می دهد. رابطه این فضاها با یکدیگر و با فضای خارج و تناسب آنها با ویژگی ها و مختصات و اهدافی که برای خانواده مطرح است و همچنین تناسب آن با فعالیتهای مرتبط، موضوعاتی هستند که توجه طراحان را طلب می نماید. بنابراین مسکن مناسب، شرایط مناسب را برای زیست ساکنین خویش به عنوان یک واحد بنیادین اجتماعی (خانواده) فراهم می نماید.

❖ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ**

❖ ای کسانی که ایمان آورده اید باید بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده اند در سه وقت از شما اجازه بگیرند: قبل از نماز فجر، و در نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می آورید، و بعد از نماز عشاء، این سه وقت خصوصی برای شما است، اما بعد از این سه وقت گناهی بر شما و بر آنها نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر طواف کنید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمائید) اینگونه خداوند آیات را برای شما تبیین می کند و خداوند عالم و حکیم است. و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همانگونه که اشخاصی که پیش از آنها بودند اجازه می گرفتند، اینچنین خداوند آیاتش را برای شما تبیین می کند و خدا عالم و حکیم است.

سوره نور، آیه ۵۸ و ۵۹

در پاسخ به بعضی معیارهای مطرح شده در مورد مسکن مطلوب همچون محرمیت، خلوت و ارتباط با طبیعت، یکی از مهمترین اصول، رعایت درونگرایی است. توجه به بسیاری از ارزش های اسلامی در درونگرایی نهفته است، همچون: توجه به درون (باطن) بیش از بیرون (ظاهر) توجه به حیا، عدم تفاخر، ریا و خود نمایی، پرهیز از برهنگی و خود آرائی، و از بین بردن زمینه رشد عجب، تقویت وحدت جامعه، و نمایش وحدت کالبدی. این شیوه معماری علاوه بر اینکه بطور نمادین، توجه انسان به خدا، و پشت کردن به دنیا را به نمایش می گذارد، نمایشی از پاسخ به سیر در انفس و در درون خویش است که به تبعیت از تعالیم قرآنی، همواره مورد توجه عرفای مسلمان بوده است. تأثیر درونگرایی مورد نظر، بر معماری مسکن، دگرگونی در نحوه نگرش به معماری و همچنین تحول در فرم ها، سبک ها و الگوهای رایجی را طلب می نماید که طی دهه های اخیر رشد یافته، سبب طرد و انزوای معماری مسکن علاوه بر نحوه ارتباط داخل عمارت با فضای خارج که عمدتاً

بر ارتباط داخل عمارت با فضای خارج که عمدتاً بر ارتباط مستقیم با حیات خصوصی و یا فضایی نیمه خصوصی استوار است.

تجلی ویژگیهای کیفی فوق الذکر در مسکن و محیط مسکونی مناسب زیست ، رعایت اصولی در طراحی و برنامه ریزی مسکن را طلب می کند که از طریق اجرای آنها امکان تجلی بخشیدن به مسکن مطلوب فراهم می گردد . این اصول در واقع پاسخگوی ویژگیهای مذکور در بحث فوق به شمار می رود .

اشراف و محرمیت

آیات مربوط به اشراف و محرمیت
احادیث مربوط به اشراف و محرمیت
تفسیر آیات و احادیث

اشراف و محرمیت

بحث اشراف از جمله معضلات بسیار مهم مسکن است که تا حدود زیادی به علت مکان یابی و ارتفاع نادرست بلند مرتبه ها ایجاد می شود. در معماری صدر اسلام اشراف ساختمانی بر ساختمان دیگر وجود نداشته و ساختمانی برای ساختمان دیگر مزاحمت ایجاد نمی کرد چون این امر برخلاف عدالت و حفظ حریم اسلامی است. مورد دیگری که در این رابطه مطرح است، ارتباطات صحیح فضاهای داخلی است؛ به گونه ای که اولاً غریبه ها بر فضاهای داخلی تسلط نداشته باشند و ثانیاً قلمرو اعضای خانواده (والدین و فرزندان دختر و پسر) نیز به طریق مناسب از یگدیگر تفکیک شوند. نحوه زندگی، اشراف خانه های مسلمانان، روابط همسایگی، عرصه خصوصی و عمومی و محرمیت از جمله پیامدهای اعتقادات اسلامی در معماری است.

آیات:

❖ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ**

❖ ای کسانی که ایمان آورده اید در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید، این برای شما بهتر است ، شاید متذکر شوید.

سوره نور، آیه ۲۷

❖ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ وَّ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ بَعْضٌ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ**

❖ ای کسانی که ایمان آورده اید باید بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده اند در سه وقت از شما اجازه بگیرند: قبل از نماز فجر، و در نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می آورید، و بعد از نماز عشاء، این سه وقت خصوصی برای شما است ، اما بعد از این سه وقت گناهی بر شما و بر آنها نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر طواف کنید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمائید) اینگونه خداوند آیات را برای شما تبیین می کند و خداوند عالم و حکیم است. و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همانگونه که اشخاصی که پیش از آنها بودند اجازه می گرفتند، اینچنین خداوند آیاتش را برای شما تبیین می کند و خدا عالم و حکیم است.

سوره نور، آیه ۵۸ و ۵۹

❖ الامام الصادق عليه السلام: الأستيدانُ ثلاثةٌ: أولهنَّ يسمعون، والثانيةٌ يحذرونَ و الثالثةُ إنْ شاؤوا آذِنوا و إنْ شاؤوا لم يَفْعَلوا، فَيَرْجِعُ المُستأذِنُ

❖ امام صادق (ع): برای ورود به خانه‌ای، اذن گرفتن و اعلام، سه بار است: بار اول، تا بشنوند. بار دوم برای آنکه خود را جمع و جور کند. در مرتبه سوم اگر مایل بودند اجازه دهند، والا، اذن نمی‌دهند و اجازه‌گیرنده برمی‌گردد.

وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۱

❖ عن الصادق عن آبائه (فی الحدیث المناهی) : نهی رسوا الله (ص) ان یطلع الرجل فی بیت جاره

❖ پیامبر خدا (ص) سرک کشیدن در خانه همسایه را نهی فرمودند.

❖ قال رسول الله (ص): ان الله عز و جل کره لكم الاشياء العبت فی الصلوه، الی ان قال: و ادخال العین فی الدور

بغیر اذن

❖ پیامبر خدا (ص): خداوند عز و جل چیزهایی را خوش ندارد که عبارتند از: بیهودگی در نماز ... و چشم انداختن به داخل خانه‌ها بدون اجازه

❖ قال رسول الله (ص): ثلث یطفین نور العبد الی ان قال: او وضع بصره فی الحجرات من غیر ان یوذن له

❖ پیامبر خدا (ص): سه چیز است که نور بنده را خاموش می‌کند: ... یا چشم انداختن در اطاق‌های دیگران بدون اجازه گرفتن

❖ قال رسول الله (ص): من ادخل بصره فی حریم قوم قبل و جلیه فلا اثم الله له و هو اثم و هو اثم

❖ پیامبر خدا (ص): هر کس قبل در حریم گروهی چشم انداخت، خدا برای او تمام نمی‌گرداند در حالی که گناهکار است، در حالی که گناهکار است.

❖ قال رسول الله (ص): الدار حرم، فمن دخل علیک حرماً فاقته

❖ رسول خدا (ص) فرموده‌اند: خانه حرم است، و هر که بی اجازه به حرم تو درآمد، او را بکش.

نهج الفصاحه، ص ۳۳۱، حدیث ۱۵۸۲

مسکن به عنوان محل امن و آرامش خانواده باید به گونه‌ی مناسب از مشرف قرار گرفتن در امان بماند. اشراف بر زندگی دیگران و گشودن روزنه و پنجره به مسکن اهل محل در نظام معماری اسلامی روا نبوده و تجاوز به حقوق دیگران به حساب می‌آید. اگر خانه‌ای مصون از دید دیگران و چشم و نگاه‌های آلوده نباشد دیگر محل آسایش، آرامش و امنیت نخواهد بود. محرمیت مورد نظر برای مسکن مطلوب عبارت از مصون بودن فضای داخل مسکن از دید بیگانگان است.

برای مثال مکانهایی از مسکن مثل حیاط یا محل اجتماع خانواده و فعالیتهای فردی باید از دید و دسترسی بیگانه در امان باشد. در حالی که اطاق های فردی (مثل اطاق خاص والدین) باید از دید سایر اعضاء خانواده نیز به دور باشد.

رسول خدا(ص) فرموده‌اند: خانه هر کس حرم اوست.(نهج الفصاحه، ص ۳۳۱، حدیث ۱۵۸۲) پس نباید کسی بدون اجازه و جلب رضایت صاحبش وارد آن شود. امام صادق(ع) فرمودند: مؤمن در سه چیز آسوده است که یکی از آنها خانه گسترده‌ای است که از نادیدنی‌های او پرده پوشی کند و حالات ناروا را از دید مردم مصون بدارد.(کافی، ج ۵، ص ۳۲۷، روایت ۶). قرآن مسلمانان را از تجسس در امر یکدیگر منع نموده(سوره حجرات، آیه ۱۳) و این موضوع درباره خانه‌ها نیز صادق است. نقل کرده‌اند یکی از خلفاء شبی در مدینه صدای مردی را شنید که در منزل خود مشغول خواندن آواز بود. پس از دیوار خانه‌اش بالا رفت و خطاب به وی گفت: ای دشمن خدا گمان کردی معصیت پروردگار را مرتکب شدی و خداوند از تو می‌گذرد. آن مرد در پاسخ گفت: در عقوبت من تعجیل مکن چون اگر مرتکب خالی شده‌ام تو در طریق معصیت بر من سبقت گرفته‌ای زیرا سه تخلف نموده‌ای، چرا که خداوند انسا نها را از جستجو در امور هم نهی نموده است ولی تو این تجسس را انجام دادی، همچنین بدون اجازه وارد منزل من شدی و قرآن چنین مجوزی را صادر ننموده است جز به استیناس و نیز از دیوار بالا آمدی نه از درب که این عمل نیز خلاف می‌باشد. امام خمینی (قدس سره) در این باره چنین فتوا داده‌اند: دید زدن به خانه مردم و نگاه به نامحرم گناه است.(تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۹۳)

مهمان

آیات مربوط به میهمانی
احادیث مربوط به میهمانی
تفسیر آیات و احادیث

حضور بموقع

پرهیز از حضور بدون دعوت
ورود با اجازه به منزل میزبان
سلام کردن به اهل منزل

الضِّيَافَةُ - مِيهْمَانِي (حضور به موقع)

❖ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بِيُوتِ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَظَرٍ فِيهَا

آیه ۵۳ سوره احزاب

ترجمه:

❖ ای کسانی که ایمان آورده اید، داخل اتاق های پیامبر نشوید، مگر آن که برای [خوردن] طعام به شما اجازه داده شود، [آن هم] بی آن که در انتظار پخته شدن آن باشید.

الضِّيَافَةُ - مِيهْمَانِي (ورود با اجازه به منزل میزبان)

❖ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بِيُوتَا غَيْرِهِ بِيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا

آیه ۲۷ سوره نور

ترجمه:

❖ ای کسانی که ایمان آورده اید! به خانه هایی که خانه های شما نیست داخل نشوید، تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوئید.



دانشگاه علم و صنعت ایران

Islamicarchitecture.ir

کتابخانه

قطب علمی معماری اسلامی

کد فایل: قطب علمی معماری اسلامی - معماری اسلامی

❖ عنه صلى الله عليه وآله : الضَّيْفُ يَنْزِلُ بِرِزْقِهِ ، وَيَرْتَجِلُ بِذُنُوبِ أَهْلِ الْبَيْتِ .
پیامبر خدا صلی الله علیه وآله : میهمان ، روزی خود را می آورد و گناهان اهل خانه را می برد .

ذَمُّ الْبَيْتِ الَّذِي لَا يَدْخُلُهُ ضَيْفٌ - نَكْوَهْشْ خَانِهْ اِيْ كِهْ مِهْمَانْ وَاَرْدَانْ نَمِيْ شُوْد

❖ عنه صلى الله عليه وآله : كُلُّ بَيْتٍ لَا يَدْخُلُ فِيهِ الضَّيْفُ لَا تَدْخُلُهُ الْمَلَائِكَةُ .
پیامبر خدا صلی الله علیه وآله : هر خانه ای که مهمان به آن وارد نشود، فرشتگان واردش نمی شوند .

❖ الامام عليُّ عليه السلام - لعلا بن زياد، لما رأى سعة داره - : ماكنت تصنع بسعة هذه الدار في الدنيا. أما أنت إليها في الآخرة كنت أحوج ، و بلى إن شئت بلغت بها الآخرة ، تقرى فيها الضيف و تصل فيها الرحم، و تُطلع منها الحقوق مطالعها ، فإذا أنت قد بلغت بها الآخرة.

امام علی علیه السلام وقتی خانه وسیع علا بن زیاد را دید به او فرمود: این خانه وسیع در دنیا به چه کار تو می آید . وقتی در آخرت به آن محتاجتری؟ آری. اگر خواهی می توانی به وسیله چنین خانه ای به آخرت دست یابی به شرط آن که در این خانه از میهمان پذیرایی کنی، به خویشاوندان رسیدگی کنی و حقوق آن را بگزاری، در این صورت به وسیله این خانه به آخرت دست یافته ای.

حاضر شدن در منزل میزبان ابتدایی ترین نکته ای است که هر میهمانی باید بداند. چگونگی حضور و زمان حضور در میهمانی در آیه ای از قرآن مورد توجه قرار گرفته است.

«یاایهاالذین ءامنوا لا تدخلوا بیوت النبی إلا أن یؤذن لکم الی طعام غیر ناظرین اناه؛ (احزاب- ۵۳) ای کسانی که ایمان آورده اید، داخل اتاق های پیامبر نشوید، مگر آن که برای [خوردن] طعام به شما اجازه داده شود، [آن هم] بی آن که در انتظار پخته شدن آن باشید.»

یکی از پیام های این فراز از آیه آن است که اگر برای طعام دعوت شدید، پیش از وقت غذا در منزل میزبان حاضر نشوید، به طوری که تا زمان آماده شدن غذا، مدتی طول بکشد، بلکه بموقع به آنجا بروید تا مزاحم اهل خانه نباشید و وقت صاحب خانه، بیش از اندازه ای که تعیین کرده، تلف نشود.

پرهیز از حضور بدون دعوت

یکی از آداب حضور در میهمانی، با دعوت رفتن است. شایسته نیست شخصی بدون دعوت صاحب خانه، بویژه در وقت غذا خوردن به خانه او رود. در ادامه آیه ۵۳ سوره احزاب می خوانیم: «ولکن إذا دعیتم فادخلوا؛ ولی هنگامی که دعوت شدید داخل گردید.» این فراز، تنها مختص میهمانی های پیامبر نیست. بلکه یک دستور اخلاقی در میهمانی است. شاهد این مدعا، روایاتی است که در این زمینه آمده است.

در وصایای پیامبر (صلی الله علیه وآله) به امیر مؤمنان (علیه السلام) می خوانیم: «یا علی ثمانیه ان اھینوا فلا یلوموا إلا انفسهم الذاهب الی مائده لم یدع الیها؛^۱ یا علی! هشت گروه اند که اگر به آنها اهانت شد، باید تنها خود را ملامت کنند: یکی از آنها کسی [است] که بدون دعوت به سر سفره ای می نشیند.»

رعایت این مسأله، از یک سو، احترام به میزبان است و از سوی دیگر اطمینان از این که مزاحمتی برای میزبان و خانواده او ایجاد نخواهد شد. البته قبول دعوت میزبان نیز در فرهنگ اسلامی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: «من الجفاء ان یدعی الرجل الی طعام فلا یجیب او یجیب فلا یأکل؛^۲ یکی از موارد جفا آن است که انسان را به غذایی دعوت کنند و نپذیرد یا بپذیرد ولی غذا نخورد.»

^۱ بحارالانوار، ج. ۷۲، ص ۴۵۲.

^۲ قرب الاستناد، حمیری قمی، ص ۱۶۰؛ میزان الحکمه، حدیث ۱۱۱۱۵.

ورود با اجازه به منزل میزبان

در سوره مبارکه نور آیه ۲۷ آمده است: «یاایها الذین امنوا لا تدخلوا بیوتا غیره بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا علی أہلہا؛ ای کسانی کہ ایمان آورده اید! بہ خانہ ہایی کہ خانہ ہای شما نیست داخل نشوید، تا اجازہ بگیریید و بر اہل آن سلام گوئیید.»

ابویوب انصاری از رسول خدا(صلی اللہ علیہ و آلہ) دربارہ معنای «حتی تستأنسوا» سؤال کرد. آن حضرت در پاسخ فرمود: «إذا جاء الرجل الی باب الدار یسبح و یہلل حتی یعلم اہل الدار انه یرید الدخول فیہا؛^۱ هنگامی کہ شخص بہ در منزل نزدیک می شود، تسبیح و تہلیل گوید تا اہل خانہ بدانند کہ او قصد داخل شدن دارد.»

در روایت حتی اجازہ خواستن شرح داده شدہ است. از امام صادق(علیہ السلام) نقل شدہ کہ فرمود: «ہنگامی کہ یکی از شما اجازہ می خواہد، باید با «سلام» آغاز کند، زیرا سلام اسمی است از اسماء خداوند عزوجل؛ و باید از پشت در قبل از نگاہ کردن بہ درون خانہ، اجازہ بگیرد... اجازہ خواستن، سہ مرتبہ است؛... نخستین مرتبہ برای آگاہ شدن اہل خانہ است. در مرتبہ دوم، ساکنان خانہ آمادہ می شوند و در بار سوم، ایشان مختارند کہ اگر خواستند اجازہ دهند و اگر مایل نبودند اجازہ ندهند؛ کہ در آن صورت، میہمان باید برگردد. رسول خدا(صلی اللہ علیہ و آلہ)، چون بہ در خانہ گروہی می آمد، قبل از آن کہ، سہ بار با «سلام» آنها را آگاہ کند، باز نمی گشت.»^۲

سلام کردن بہ اہل منزل

یکی از زیبا ترین آداب دین، سلام کردن بہ ہنگام ملاقات دیگران است. لطافت معنای این تعبیر، با توجہ بہ آن کہ نامی از نام ہای خداست و معنای بلندی دارد، دو چندان می گردد. بخصوص اگر بہ ویژگی ہای روحی انسان ہا توجہ شود، ارزش این ادب آشکار تر خواہد شد. چرا کہ انسان، طبیعتاً موجودی سرکش و خودخواہ است. این ادب، بہ ہنگام ورود بہ منزل میہمان نیز مورد توجہ قرار گرفتہ است. قرآن کریم یکی از توصیہ ہا بہ میہمان را سلام کردن ذکر کردہ است.

«یاایها الذین ءامنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستأنسوا وتسلّموا علی أہلہا؛ (نور - ۲۷) ای کسانی کہ ایمان آورده اید! بہ خانہ ہایی کہ خانہ ہای شما نیست داخل مشوید تا اجازہ بگیریید و بر اہل آن سلام گوئیید.»

«ونبئہم عن ضیف ابراہیم اذ دخلوا علیہ فقالوا سلما؛ (حجر - ۵۱ و ۵۲) و از میہمانان ابراہیم بہ آنان خبر دہ، هنگامی کہ بر او وارد شدند و سلام گفتند.»

«فإذا دخلتم بیوتا فسلموا علی أنفسکم؛ (نور - ۶۱) پس چون بہ خانہ ہایی [کہ گفتہ شد] در آمدید، بہ یکدیگر سلام کنیید.»

^۱ مستدرک الوسائل، ج. ۸، ص ۳۷۷.

^۲ مستدرک الوسائل، ج. ۱۴، ص ۲۸۴.

چنان که در آیات ۵۱ و ۵۲ سوره حجر مشاهده می فرمایید، نخستین کلام میهمانان ابراهیم(علیه السلام) که فرشتگان الهی بودند در برخورد با پیامبر خدا، «سلام» عنوان شده است. در این زمینه، روایات فراوان است. سلام کردن، حتی به هنگام ورود به منزل شخصی خود نیز تأکید شده است. به عنوان نمونه، امام صادق(علیه السلام) فرمود: «إذا دخل الرجل منكم بيته فآن كان فيه أحد يسلم عليهم و ان لم يكن فيه أحد فليقل السلام علينا من عند ربنا يقول الله^۱ «تحيه من عند الله مبارکه طيبه؛ (نور - ۶۱) چون یکی از شما وارد خانه اش شود، اگر کسی در آن بود بر ایشان سلام می کند و اگر کسی در خانه نبود، باید بگوید: سلام بر ما از جانب پروردگاران، خداوند می فرماید: «درود و تحیتی است مبارک و پاک از جانب خداوند.»

^۱ بحارالانوار، ج، ۷۳ ص ۳.

آرایه و تزیین

آیات مربوط به زینه - زخرف
احادیث مربوط به زینه - زخرف
تفسیر آیات و احادیث

آرایه ها

منع پیکر سازی و تصویر جانداران
تصویری از خانه ها و معماری دوران
آخرالزمان در روایات

بیت - زخرف

❖ وَ لَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسَ أُمَّةً وَحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُوتِيَهُمْ سُقْفًا مِّنْ فَضَّةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ (۳۳)

❖ وَ لِيُوتِيَهُمْ أَبْوَابًا وَ سُرُرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ (۳۴)

❖ وَ زُخْرَفًا وَ إِن كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ عِنْدَ رَبِّكَ لِمُتَّقِينَ (۳۵)

آیات ۳۳ - ۳۵ سوره زخرف

ترجمه:

- اگر تمکن کفار از مواهب مادی سبب نمی شد که همه مردم امت واحد گمراهی شوند ما برای کسانی که کافر می شدند خانه هائی قرار می دادیم با سقفهائی از نقره و نردبانهائی که از آن بالا روند! (۳۳)
- و برای خانه های آنها درها و تختهائی (زیبا و نقره گون) قرار می دادیم که بر آن تکیه کنند. (۳۴)
- و انواع وسائل تجملی، ولی تمام اینها متاع زندگی دنیا است و آخرت نزد پروردگارت از آن پرهیزگاران است. (۳۵)

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۵۶

تفسیر:

جمعی از مفسران گفته اند منظور پله هائی از نقره است، و اصل وجود پله های فراوان دلیل بر عظمت بنا و داشتن طبقات متعدد است. وجود درها و تختهای متعدد خود دلیل بر عظمت آن قصرها می باشد، زیرا هرگز برای یک خانه محقر درهای متعدد نمی گذارند، این مخصوص قصرها و خانه های مجلل است.

در آیه ۳۵ می افزاید: علاوه بر همه اینها انواع وسائل تجملی و زینت آلات برای آنها قرار می دادیم، ((و زخرفا)) تا زندگی مادی و پر زرق و برقشان از هر نظر تکمیل گردد، قصرهائی مجلل و چند اشکوبه با سقفهائی از نقره، و درها و تختهای متعدد، و انواع وسائل زینتی، و هر گونه نقش و نگار آنچنانکه مطلوب و مقصود و معبود دنیاپرستان است.

«زخرف» در اصل به معنی هر گونه زینت و تجمل توأم با نقش و نگار است، و از آنجا که یکی از مهمترین وسائل زینت طلا است به آنهم زخرف گفته شده است، و اینکه به سخنان بیهوده، مزخرف می گویند به خاطر زرق و برقی است که به آن می دهند.

البته هدف در آیات مورد بحث، شکستن ارزشهای دروغین است، هدف این است که مقیاس شخصیت انسانها را ثروت و زینت آنها نشمارند، نه اینکه امکانات مادی بد چیزی است، مهم این است که به آنها به صورت یک ابزار نگاه شود نه یک هدف متعالی و نهائی.

❖ يٰۤاٰدَمُ خُذُوْا زِيْنَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوْا وَ اشْرَبُوْا وَ لَا تُسْرِفُوْا اِنَّهٗ لَا يَحِبُّ الْمُسْرِفِيْنَ (۳۱)
❖ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِيْنَةَ اللّٰهِ الَّتِي اَخْرَجَ لِعِبَادِهٖ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِيْنَ ءَامَنُوْا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَّوْمَ الْقِيٰمَةِ كَذٰلِكَ نَفْصَلُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُوْنَ (۳۲)

آیات ۳۱ و ۳۲ سوره اعراف

ترجمه:

- ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی دارد. (۳۱)
- بگو چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزیهای پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو اینها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند (اگر چه دیگران نیز با آنها مشارکت دارند ولی) در قیامت خالص (برای مؤمنان) خواهد بود اینچنین آیات (خود) را برای کسانی که آگاهند شرح می دهیم.

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۴۸

تفسیر:

نخست به همه فرزندان آدم به عنوان یک قانون همیشگی که شامل تمام اعصار و قرون می شود دستور می دهد که زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود داشته باشید (یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد) این جمله می تواند هم اشاره به زینتهای جسمانی باشد که شامل پوشیدن لباس های مرتب و پاک و تمیز، و شانه زدن موها، و به کار بردن عطر و مانند آن می شود، و هم شامل زینتهای معنوی، یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص.
در آیه بعد با لحن تندتری به پاسخ آنها که گمان می برند تحریم زینتها و پرهیز از غذاها و روزیهای پاک و حلال، نشانه زهد و پارسائی و مایه قرب به پروردگار است، می پردازد و می گوید: ای پیامبر بگو چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگان آفریده و همچنین مواهب و روزیهای پاکیزه را تحریم کرده است؟ اگر این امور، بد بود، خدا نمی آفرید، و اکنون که برای استفاده بندگان آفریده است چگونه ممکن است آنها را تحریم کند؟
در مورد استفاده از انواع زینتها، اسلام مانند تمام موارد، حد اعتدال را انتخاب کرده است، نه مانند بعضی که می پندارند استفاده از زینتها و تجملات هر چند به صورت معتدل بوده باشد مخالف زهد و پارسائی است، و نه مانند تجمل پرستانی که غرق در زینت و تجمل می شوند، و تن به هر گونه عمل نادرستی برای رسیدن به این هدف نامقدس می دهند.

در اسلام استفاده کردن از زیبائیهای طبیعت ، لباسهای زیبا و متناسب ، به کار بردن انواع عطرها، و امثال آن ، نه تنها مجاز شمرده شده بلکه به آن توصیه و سفارش نیز شده است ، و روایات زیادی در این زمینه از پیشوایان مذهبی در کتب معتبر نقل شده است . به عنوان نمونه در تاریخ زندگی امام حسن مجتبی (علیه السلام) می خوانیم هنگامی که به نماز برمی خواست بهترین لباسهای خود را می پوشید سؤ ال کردند چرا بهترین لباس خود را می پوشید؟ فرمود: **ان الله جميل يحب الجمال فاتجمل لربي و هو يقول خذوا زينتكم عند كل مسجد**. خداوند زیبا است و زیبائی را دوست دارد و به همین جهت ، من لباس زیبا برای راز و نیاز با پروردگارم می پوشم و هم او دستور داده است که زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد بگیرید .

در حدیث دیگری می خوانیم که یکی از زاهدان ریائی به نام عباد بن کثیر با امام صادق (علیه السلام) روبرو شد، در حالی که امام (علیه السلام) لباس نسبتا زیبائی بر تن داشت ، به امام گفت : تو از خاندان نبوتی ، و پدرت (علی علیه السلام) لباس بسیار ساده می پوشید چرا چنین لباس جالبی بر تن تو است ؟ آیا بهتر نبود که لباسی کم اهمیت تر از این می پوشیدی ، امام فرمود: وای بر تو ای عباد! **«من حرم زینة الله التي اخرج لعباده و الطيبات من الرزق»** چه کسی حرام کرده است زینتهائی را که خداوند برای بندگانش آفریده و روزیهای پاکیزه را؟ ... و روایات متعدد دیگر.

این تعبیر که خداوند زیبا است و زیبائی را دوست دارد، و یا تعبیر به اینکه خداوند زیبائیهها را آفریده ، همگی اشاره به این حقیقت است که اگر استفاده از هر گونه زیبائی ، ممنوع بود، خداوند هرگز اینها را نمی آفرید، آفرینش زیبائیهها در جهان هستی خود دلیل بر این است که خالق زیبائیهها آن را دوست دارد. ولی مهم اینجاست که غالبا در این گونه موضوعات ، مردم راه افراط را می پویند، و با بهانه های مختلف رو به تجمل پرستی می آورند، و به همین دلیل قرآن مجید بلافاصله بعد از ذکر این حکم اسلامی از اسراف و زیاده روی و تجاوز از حد، مسلمانان را بر حذر می دارد.

❖ إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ.

آیه ۶ سوره صافات

ترجمه:

- ما آسمان پائین را با ستارگان تزیین کردیم.

تفسیر نمونه جلد ۱۹ صفحه ۱۶

تفسیر:

به راستی یک نگاه به صفحه آسمان در شبهای تاریک و پر ستاره ، چنان منظره زیبایی در نظر انسان مجسم می سازد که او را مسحور و مفتون خویش سازد. گوئی با زبان بی زبانی با ما سخن می گویند، و رازهای آفرینش را بازگو می کنند گوئی همه شاعرند و زیباترین غزلهای عشقی و عرفانی را پی در پی می سرایند.



دانشگاه علم و صنعت ایران

Islamicarchitecture.ir

کتابخانه

قطب علمی
معماری اسلامی

کد فایل: قطب علمی معماری اسلامی - معماری اسلامی

❖ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۳۹)
❖ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (۴۰)

آیات ۳۹ و ۴۰ سوره حجر

ترجمه:

- گفت پروردگارا! بخاطر اینکه مرا گمراه ساختی من نعمتهای مادی را در زمین در نظر آنها تزیین می دهم و همگی را گمراه خواهم ساخت!
- مگر بندگان مخلصت.

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه

تفسیر:

در اینجا ابلیس نیت باطنی خود را آشکار ساخت هر چند چیزی از خدا پنهان نبود و عرض کرد: پروردگارا! به خاطر اینکه مرا گمراه ساختی (و این انسان زمینه بدبختی مرا فراهم ساخت) من نعمتهای مادی روی زمین را در نظر آنها زینت می دهم، و انسانها را به آن مشغول میدارم و سرانجام همه را گمراه خواهم ساخت. اما او به خوبی می دانست که وسوسه هایش در دل ((بندگان مخلص خدا)) هرگز اثر نخواهد گذاشت، و دامهایش آنها را به خود مشغول نخواهد کرد، خلاصه بندگان خالص و مخلص آنچنان نیرومندند که زنجیرهای اسارت شیطان را از هم می گسلند، لذا بلافاصله برای سخن خود استثنائی قائل شد و گفت: ((مگر آن بندگان خالص شده تو)) نفوذ وسوسه های شیطانی در انسان یک نفوذ ناآگاه و اجباری نیست، بلکه ما به میل خویش وسوسه او را به دل راه می دهیم و گرنه حتی خود شیطان میدانند که بر مخلصان، که خویشان را در پرتو تربیت خالص کرده اند و زنگار شرک را از روح و جان زدوده اند، راه ندارد. به عبارتی، رابطه شیطان و گمراهان، رابطه پیشوا و پیرو است، نه رابطه اجبار کننده و اجبار شونده.

زیبایی از آن مفاهیمی است که همه مکاتب فکری به آن توجه جدی مبذول داشته و جملگی در پی ارائه تعریفی از آن بوده و همچنین مدعی شناختن مختصات آن می باشند. با استناد به حدیث معروف «ان الله جمیل و یحب الجمال» مسلمین همواره در فرایند خلق آثارشان سعی در زیبا آفرینی داشته اند. نکته مهم در این است که اولاً جنبه های مختلف زیبایی (معنوی و مادی) مورد توجه قرار گیرند، ثانیاً سایر موضوعات و مفاهیم مانند ارزش، لذت، تعجب، شگفتی، و عالی بودن، با زیبایی اشتباه نشوند و ثالثاً مفاهیم و درجات مختلف زیبایی و یا سایر واژه های مشابه مانند قشنگ، خوشگل و ... مورد توجه قرار گیرند. نکته مهم این است که باید توجه نمود تا زیبایی یا زینت شیطانی، جایگزین زیبایی الهی و معنوی نگردد، زیرا احتمال اینکه انسان در این وادی قرار گیرد، وجود دارد.

❖ عن الصادق عليه السلام قال: ان الله تعالى يحب الجمال و التجمل و يكره البوس و التباوس ، فان الله عزوجل اذا انعم على عبده نعمه احب ان يرى عليه اثرها ، قيل : و كيف ذلك قال : ينظف ثوبه و يطيب ريحه و يحسن داره و يكنس افئيته حتى ان السراج قبل مغيب الشمس ينفي الفقر و يزيد في الرزق.

امام صادق (ع) فرمود: خدا ، زیبایی و آرایش را دوست دارد و تیره روزی و بیچارگی را نمی پسندد ، خداوند عزوجل دوست دارد هرگاه به بنده خود ، نعمتی داد ، اثر آن را بر او ببیند ، به حضرت عرض شد : چگونه فرمود : لباس خود را پاکیزه ، خویشتن را خوشبو ، خانه اش را نیکو و جلوی آن را جارو نماید ، حتی روشن کردن چراغ پیش از غروب آفتاب ، موجب از بین رفتن فقر و افزایش روزی است .

وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱، ص ۳۴۱، روایت ۹

❖ در روایتی از امام موسی بن جعفر(ع) به جواز نقاشی مسجد تصریح گردیده است: «و سألته عن المسجد ینقش فی قبلته بجص او اصباغ قال لا باس

پرسیدم آیا می توان در قبله مسجد، نقشی با گچ یا رنگ ها پدید آورد؟ فرمود: اشکالی ندارد.

بحار، ج ۸۳، ص ۳۸۷، روایت ۶۷

منع پیکر سازی و تصویر جانداران

❖ الإمامُ الصادقُ علیه السلام: و الله ما هی تماثیل الرجال و النساء و لکنّها الشجر و شبهه

سوگند به خدا، آن ها مجسمه های مردان و زنان نبود، بلکه تندیس درختان و مانند آن بود.

بحار، ج ۷۶، ص ۱۶۰، روایت ۱۱، باب ۳۰

❖ الإمامُ الصادقُ علیه السلام: لاتبنوا علی القبور و لاتصوروا سقوف البیوت، فان رسول الله (ص) کره ذلك

امام صادق (ع): بر روی قبرها ساختمان نسازید و سقف خانه ها را نقاشی نکنید زیرا رسول خدا این کار را خوش نداشت.

وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۶۲، ب ۳، ح ۹

❖ الإمامُ الصادقُ علیه السلام: قال رسول الله (ص): اتانی جبرئیل، قال یا محمد (ص) ان ربک یقرئک السلام و ینهی عن تزویق البیوت. قال ابوبصیر: فقلت: و ما تزویق البیوت؟ فقال تصاویر التماثیل

امام صادق (ع): پیامبر اکرم (ص) فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد پروردگارت سلام می رساند و از تزئین خانه نهی می کند. ابوبصیر می گوید پرسیدم: منظور از تزئین خانه ها چیست؟ فرمود: منظور قراردادن تمثال در خانه است.

محاسن، ج ۲، ص ۴۵۳، باب ۵، ح ۳۷

❖ الإمام الصادق عليه السلام: انه كره الصور في البيوت
امام صادق (ع): بدرستیکه تصویرها در خانه ها مکروه اند.

❖ سالت ابا عبدالله (ع) عن تماثيل الشج و القمر فقال لا بس مالم يكن شيئاً من الحيوان
محمد ابن مسلم می گوید: از امام صادق (ع) راجع به تماثيل درخت و خورشید و ماه سوال نمودم، ایشان فرمودند: مادامی که چیزی جاندار نباشد مانعی ندارد.

تصویری از خانه ها و معماری دوران آخرالزمان در روایات

❖ الإمام علي عليه السلام: « ... اذا امانت الناس الصلاه و اضاعوا الامانه واستحلوا الكذب و اكلوا الربوا و اخذوا
الرشا و شيدوا البنیان و باعوا الدين بالدنيا ... و حليت المصاحف و زخرفت المساجد و طولت المنائر...
مساجدهم يومئذ عامرة من البنى ، خراب من الهدى
...امام علی (ع): زمانی که مردم نماز را بمیرانند و امانت را ضایع کنند و دروغ گفتن را حلال شمارند و ربا
بخورند و رشوه بگیرند و ساختمانها را محکم بسازند و دین را به دنیا بفروشند... قرآنها زینت شود و مسجدها
نقاشی و رنگ آمیزی و مناره ها بلند گردد... مسجدهایشان در آن روزگار از جهت ساختمان، آباد و از جهت
هدایتگری، ویران است.

بحار، ج ۵۲، ص ۱۹۳، روایت ۲۶، باب ۲۵

آرایه و تزیین

هنر، جلوه ای از جمال است و جمال و تجمل یعنی زیبایی، و زیباسازی از چیزهایی است که محبوب خدا و مطلوب فرهنگ اسلامی است: «ان الله جمیل یحبّ الجمال»^۱ و در تفسیر این حدیث، به زیباسازی خانه ها تصریح شده است. خدا، معمار بزرگ هستی، پیوسته مظاهر وجود را زینت داده و مزین کرده است.

إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ (صافات، ۶) آسمان این زمین را با قندیل روشن ستارگان آراسته و گستره خاک را با سبزه ها و گل ها، رودها و صخره ها و چشم انداز دلنواز دشت ها آرایش داده است و به ما می گوید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» بگو چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده را حرام کرده است (اعراف، ۳۲).

«عن الصادق علیه السلام قال: ان الله تعالى يحب الجمال و التجمل و یکره البوس و التباوس ، فان الله عزوجل اذا انعم علی عبده نعمه احب ان یری علیه اثرها ، قيل : و کیف ذلک قال : ینظف ثوبه و یطیب ریحہ و یحسن داره و یکنس افئیتہ حتی ان السراج قبل مغیب الشمس ینفی الفقر و یزید فی الرزق.»^۲

امام صادق (ع) فرمود: خدا، زیبایی و آرایش را دوست دارد و تیره روزی و بیچارگی را نمی پسندد، خداوند عزوجل دوست دارد هرگاه به بنده خود، نعمتی داد، اثر آن را بر او ببیند، به حضرت عرض شد: چگونه فرمود: لباس خود را پاکیزه، خویشتن را خوشبو، خانه اش را نیکو و جلوی آن را جارو نماید، حتی روشن کردن چراغ پیش از غروب آفتاب، موجب از بین رفتن فقر و افزایش روزی است.

در روایت دیگری تعبیر «یحسن داره»^۳ آمده است و در پایان حدیث دیگری ذکر شده: «فالبس و تجمل فان الله جمیل و یحب الجمال و لیکن من الحلال»^۴ و در روایتی از امام موسی بن جعفر (ع) به جواز نقاشی مسجد تصریح گردیده است: «و سألته عن المسجد ینقش فی قبلته بجمص او اصباغ قال لا باس»^۵ پرسیدم آیا می توان در قبله مسجد، نقشی با گچ یا رنگ ها پدید آورد؟ فرمود: اشکالی ندارد.

آرایه ها

از ویژگی های هنر مسلمین نوع تلفیق و ترکیب خطوط هندسی و منحنی، با سایه و نور و رنگ در زوایا و سطوحی متناسب است. ظریف کاریهای بکار رفته در این تلفیق و مزج هنرمندانه، هم بعد معنوی و جذبه غیر مادی به آثار معماری اسلامی میبخشد و هم انسان را در دنیائی ژرف از زیباییها و احساس های فوق طبیعی قرار میدهد. به گونه ای که به یک اثر هنری معماری، نه یک بعد، بلکه ابعادی عمیق، میدهد.

^۱ بحار، ج ۷۳، ص ۱۹۲، ح ۱، باب ۱۳۰.

^۲ وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱، ص ۳۴۱، روایت ۹.

^۳ بحار، ج ۷۶، ص ۱۴۱، روایت ۵، باب ۱۹.

^۴ بحار، ج ۶۵، ص ۱۲۵، باب ۱.

^۵ بحار، ج ۸۳، ص ۳۸۷، روایت ۶۷.

عناصر خطی و کتابی، یکی از درخشان‌ترین آرایه‌ها در هنر دوران اسلام می‌باشد. با توجه به اهمیتی که آیات قرآن نزد مسلمین داشته، آنها را به ویژه در مساجد به عنوان آرایه تزئینی بکار می‌بردند که عمدتاً به دو صورت خط کوفی (بخاطر زاویه‌های قائمه حروف) و خط نسخ (به خاطر حالت‌های دورانی و انحنای حروف) مورد استفاده قرار می‌گرفت. رنگها از موضوعاتی هستند که تاثیر زیادی بر انسان و روحيات او دارند. برخی رنگها، رنگهایی هستند که نمادین و دارای معانی و یادآور ارزشهای مطلوب خواننده می‌شود. در هنر اسلامی، رنگهای کبود، سبز، طلائی، سرخ و زرد، زیاد بکار رفته است. رنگهای سبز و کبود، رنگهای سرد و رنگهای فضا هستند که از اشیا جسمیت آنها را سلب کرده و احساس بی‌نهایت را ایجاد می‌کنند. رنگ می‌تواند عاملی در ایجاد سرور و شادمانی در انسان باشد؛ چنانکه خداوند در معرفی گاو بنی‌اسرائیل فرمود: «لونها تسر الناظرین» رنگ آن بینندگان را فرحبخش است. (بقره - ۶۹)

یکی از مهمترین وظایف مسلمین شناسایی و ترویج رنگ الهی است. خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «صبغة الله و من احسن من الله صبغة و نحن له عابدون» رنگ خدائی بپذیرند (رنگ ایمان و توحید و اسلام) و چه رنگی از رنگ خدائی بهتر است؟ و ما تنها عبادت او را می‌کنیم. (بقره - ۱۳۸) رنگ‌آمیزی خداست که به ما مسلمانان رنگ فطرت ایمان و سیرت توحید بخشیده است. هیچ رنگی خوشتر از ایمان به خدای یکتا نیست و ما او را بی‌هیچ شائبه شرک پرستش می‌کنیم.

رنگ، غالباً نقش نور را ایفاء می‌کند، رنگهای تیره بجای سایه و تاریکی به کار می‌روند و سایه‌ها، نوعی زیبایی و تنوع می‌انگیزد. نور پدیده‌ای است که در تعالیم قرآنی به عنوان نماد و نشانه بسیاری وجود و مفاهیم والا و زیبا معرفی می‌گردد، از جمله:

الله نور السموات و الارض خدا نور «وجود بخش» آسمانها و زمین است. (نور - ۳۵)

یا اهل الكتاب قد جائکم رسولنا یبین لکم کثیرا مما کنتم تخفون من الكتاب و یعفو عن کثیر قد جائکم من الله نور و کتاب مبین (ای اهل کتاب رسول ما آمد تا حقایق و احکام بسیاری از آنچه از کتاب آسمانی (تورات و انجیل) را پنهان می‌دارید، برای شما بیان کند و از سر بسیاری (از خطاهای شما) درگذرد. همانا از جانب خدا برای هدایت شما نوری و کتابی آشکار آمد. (مائده - ۱۵)

فامنوا بالله و رسوله و النور الذی انزلنا و الله بما تعلمون خبیر پس به خدا ایمان آرید و به رسول او و نوری که «در آیات قرآن» فرستاده‌ایم، بگروید و خدا به هر چه کنید، آگاهست. (تغابن - ۸)

الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الی النور خدا یار اهل ایمان است. آنان را از تاریکی‌ها بیرون آورد و به عالم نور برد. (بقره - ۲۵۷)

هنرمندان مسلمان در تزئین آثار خود، از هر چه که به زیبایی و جذابیت اثر بیفزاید استفاده می‌کردند. مثلاً گیاهان و شاخ و برگ‌ها و میوه‌ها و ساقه‌های گیاهان، سهم عمده‌ای در تزئین آثار هنری داشت و جهان گیاهان یک منبع الهام به حساب می‌آمد. عناصر هندسی هم سهم زیادی در اشغال سطوح و مساحت‌ها داشته و یکی از مشغولیات ذهنی هنرمند مسلمان، تلاش برای نوآوری‌ها و ابتکارهای جدید از برخورد زوایا با آمیختگی اشکال هندسی بود تا از این طریق، زیبایی

سرشاری را پدید آورد. از بارزترین این تزئینات، همان شکل‌های نجومی و چند ضلعی‌هاست که در قرن‌های متوالی در آثار هنرمندان مسلمان مشاهده می‌شود.

منع پیکر سازی و تصویر جانداران

ساختن پیکرهای انسان و جانداران و همچنین تصویر آنها در تعالیم اسلام، نارواست. زمان، تلاش و استعداد های هنرمندان اسلامی در زمینه های سازنده دیگر غیر از پیکرتراشی و صورت نگاری هدایت شده است و این از ویژگی های معماری اسلامی است که به جای آرایش با پیکرهای آدمی و جانداران دیگر، با خطوط بسیار زیبای هندسی و با هنرهای متنوع دیگر تزیین شده است.

امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحْرِبٍ وَ تَمَثِيلٍ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَتٍ...» آنها هر چه سلیمان میخواست برایش درست میکردند، معبدها، تمثالها، ظروف بزرگ غذا همانند حوضها! و دیگهای ثابت (که از بزرگی قابل حمل و نقل نبود) (سبا، ۱۳) فرمودند: «و الله ما هي تماثيل الرجال و النساء و لكنّها الشجر و شبهه»^۱ سوگند به خدا، آن ها مجسمه های مردان و زنان نبود، بلکه تندیس درختان و مانند آن بود.

آیه‌ای که در این روایت مورد بحث قرار گرفته، در ضمن داستان حضرت سلیمان در قرآن کریم آمده و نشان می‌دهد که جنیان برای حضرت سلیمان تمثال‌هایی می‌ساخته‌اند که آن حضرت از آنها می‌خواست، ولی طبق این روایت حضرت صادق (ع) با قسم تاکید می‌فرماید که آنها تمثال درخت می‌ساخته‌اند نه تمثال انسان.

روایات متعدد دیگری نیز در این رابطه موجود می باشد، از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: «لاتبنوا علی القبور و لاتصوروا سقوف البيوت، فان رسول الله (ص) كره ذلك»^۲ بر روی قبرها ساختمان نسازید و سقف خانه‌ها را نقاشی نکنید زیرا رسول خدا این کار را خوش نداشت. و در روایتی دیگر فرمودند: «انه كره الصور في البيوت» بدرستیکه تصویرها در خانه ها مکروه اند.

امام صادق (ع): «قال رسول الله (ص): اتاني جبرئيل، قال يا محمد (ص) ان ربك يقرئك السلام و ينهي عن تزويق البيوت. قال ابوبصير: فقلت: و ما تزويق البيوت؟ فقال تصاویر التماثيل»^۳ پیامبر اکرم (ص) فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد پروردگارت سلام می‌رساند و از تزئین خانه نهی می‌کند. ابوبصیر می‌گوید پرسیدم: منظور از تزئین خانه‌ها چیست؟ فرمود: منظور قراردادن تمثال در خانه است.

«سالت ابا عبدالله (ع) عن تماثيل الشج و القمر فقال لا بس ما لم يكن شيئاً من الحيوان» محمد ابن مسلم می‌گوید: از امام صادق (ع) راجع به تمثال درخت و خورشید و ماه سوال نمودم، ایشان فرمودند: مادامی که چیزی جاندار نباشد مانعی ندارد.

^۱ بحار، ج ۷۶، ص ۱۶۰، روایت ۱۱، باب ۳۰.

^۲ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۶۲، ب ۳، ح ۹

^۳ محاسن، ج ۲، ص ۴۵۳، باب ۵، ح ۳۷

تصویری از خانه ها و معماری دوران آخرالزمان در روایات

الإمامُ عليٌّ عليه السلام: «... إذا مات الناس الصلاة و اضعوا الامانه واستحلوا الكذب و اكلوا الربوا و اخذوا الرشا و شيدوا البنيان و باعوا الدين بالدنيا ...»^۱ زمانی که مردم نماز را بمیرانند و امانت را ضایع کنند و دروغ گفتن را حلال شمارند و ربا بخورند و رشوه بگیرند و ساختمانها را محکم بسازند و دین را به دنیا بفروشند.

«... و حلیت المصاحف و زخرفت المساجد و طولت المنائر ...»^۲ قرآنها زینت شود و مسجدها نقاشی و رنگ آمیزی و مناره ها بلند گردد.

از جمله مستحبات مسجد، مسطح بودن مناره با دیوار و سقف مسجد است. چرا که مناره برای آن بوده که مؤذن بر فراز آن رفته و اذان بگوید. بطور طبیعی بلند بودن مناره، با توجه به وضع خانه‌های زمان پیامبر - و یا حتی خانه های امروزی - موجب اشراف داشتن بر خانه‌های اطراف و در نتیجه، سلب امنیت و آسایش از همسایگان مسجد می‌شده است و با بالای دیوار و مناره رفتن، مردم در خانه‌های خود تامین نداشته و ندارند.

«... مساجدهم يومئذ عامرة من البني ، خراب من الهدى ...»^۳ مسجدهایشان در آن روزگار از جهت ساختمان، آباد و از جهت هدایتگری، ویران است.

مساجد، کاخهایی برای افتخار نیستند، بلکه برای خضوع و خشوع و عبادت و بیان آداب اسلامی و مناجات و نیایش‌اند. عظمت مساجد، به زنده نگهداشتن آنها، با یاد خدا و امر بمعروف و نهی از منکر و ارشاد مردم براه مستقیم است، نه به دیوارهای بلند و قبه‌های رفیع و ستون‌های برافراشته و گلدسته‌های سر بفلک کشیده... از همینجاست که گرچه شکوه ظاهری و هنری و معماری مساجد افزایش یافته ولی در جان بیننده، آن هیبت و زیبایی و جلال را بر نمی‌انگیزد. مسجد پیامبر در صدر اسلام، با آن وضع ساده‌ای که داشت، آن هیبت و عظمت معروف را دارا بود، بدون اینکه سادگی، از قدر و جلال آن بکاهد.

البته، نباید فراموش کرد: تقدس و محتوای مسجد بوده که باعث می‌شده است تا مسلمین به شکل ظاهری آن هم اهمیت داده و در بنای مساجد با شکوه جهت استفاده‌های خوب، همت گمارند و اگر خراب و فرسوده، یا تنگ و کم ظرفیت می‌شد، تجدید بنا و تعمیر کنند یا بر وسعتش بیفزایند. خود عقیده دینی، بخصوص در زمینه ساختن و آباد کردن و بنای مساجد، نقش مهمی ایفا کرده است. با توجه به اینکه در آنچه بنای مساجد، نهی و تحریم شده، تذهیب و طلاکاری و «زخرف» است نه ظرافتکاری‌ها، بنابراین مسلمین در مورد پرداختن ظریفانه به بنای مساجد و آفرینش‌های هنری در معماری آن، مورد نکوهش نیستند.

حضرت علی (ع) در یک پیشگویی وضع معماری بصره را اینگونه ترسیم فرمود: «ویل لسکککم العامرة، و الدور المزخرفة التي لها أجنحة النسور، و خراطيم كخراطيم الفيلة ...»^۴ وای بر راه های آباد شما و خانه های مزین که کنگره هایش چونان بال های بازگشاده و ناودان هایش بسان خرطوم فیل ها آویزان است.

^۱ بحار، ج ۵۲، ص ۱۹۳، روایت ۲۶، باب ۲۵.

^۲ همان

^۳ همان

^۴ نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۲۸.

- در روایات بسیاری به سکونت در شهرهای بزرگ و ممانعت از تشکیل روستاهای کوچک و پراکنده و یا کوچ نشینی و زندگی عشایری توصیه شده است، زیرا رساندن خدمات اقتصادی، فرهنگی و امنیتی به این مکانهای پراکنده، مقدور نیست و اکثراً این گونه افراد زندگی‌های بسیار سطح پایینی دارند.
- امنیت یکی از مختصات معنوی مهم جامعه اسلامی است. اهمیت امنیت و ایمنی در جامعه مسلمین به حدی است که اولین وظیفه مسلمین در تماس با یکدیگر القاء این مطلب به طرف مقابل است و در این راستا ابتدایی‌ترین راه القاء امنیت، سلام است.
- نقش عدل در ایجاد شهر مناسب زیست مسلمین و تداوم حیات آن، بسیار حساس و حیاتی است. رعایت عدل نافی ایجاد قطبهای شهری بر مبنای درآمد و ثروت مردم و معیارهای مادی و عامل توزیع عادلانه امکانات شهری و فراهم آوردن امکان دسترسی متعادل ساکنین به آنها است. استقرار و مکان‌یابی مناسب هر عنصر و فضای شهر و ارتباط منطقی و مناسب آنها با یکدیگر نیز ریشه در رعایت عدل دارد.
- یکی از مهمترین ویژگیهای عناصر، عملکردها و فضاهای شهر اسلامی عبارت از تعریف و تعیین حدود آنها به وضوح و روشنی است، زیرا این بی‌حد و مرز بودن و اختلاط عملکردها و فضاها، مشکلات عدیده‌ای را در استفاده از آنها برای ساکنین شهر فراهم خواهد آورد.
- شهرها، توسط سازمان فضایی خاص خود، تنوع عناصر شهری، نوع پراکندگی و ارتباط عناصر شهری و وحدت کالبدی و فضایی شهر، نقش بسیار مهمی در تنظیم روابط اجتماعی و ارتباطاتی که هر فرد با جامعه خویش دارد ایفا می‌نمایند. یکی از عوامل تاثیرگذار بر وحدت جامعه، افزایش میزان امکان تماسهای رو در رو بین آحاد جامعه، در مکانهای مختلفی چون کوچه، خیابان، مسجد، بازار و میدان است.
- مسجد باید اولین بنایی باشد که در محلات و نواحی و شهرک‌ها و توسعه‌های جدید شهری مسلمانان بنا می‌گردد. کالبد مسجد بایستی تسلط روانی و فیزیکی خویش را بر محیط مصنوع (عمارات و شهر) بالاخص ابنیه‌ای که محل فعالیت‌های صرف مادی هستند، حفظ نماید.

- توجه به طبیعت و عناصر طبیعی (گیاهان، آب، جریان هوا، آفتاب و نور خورشید و سایر عناصر) و ارتباط انسان با آن جهت پاسخگویی به نیازهای جسمی و معنوی انسان
- هماهنگی محیط مصنوع با طبیعت
- شناسایی و معرفی عناصر طبیعی بسته به ارزشی که در برآورده نمودن نیازهای معنوی و روانی انسان با توجه به معانی نمادینشان دارند.

- لحاظ داشتن شرایط اقلیمی و محیطی در طراحی مسکن
- شناسایی قوانین حاکم بر طبیعت و استفاده از آنها در طراحی و برنامه ریزی محیط مصنوع و از جمله مسکن

همسایه

- در قرآن کریم و به ویژه در سخنان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) توجه بسیاری به موضوع همسایه‌داری شده است. امام علی علیه السلام در مورد خرید خانه فرموده اند: « سل عن الجار قبل الدار، پیش از خریدن خانه ببین همسایه ها کیستند.»
- نرمش نشان دادن با همسایه آثار و برکات فراوانی دارد. از جمله آن، جا گرفتن در دل مردم است. از دیگر آثار همسایه داری رونق گرفتن محله‌ها و شهرهاست.
- بر اساس روایت رسول اکرم(ص) که در خصوص حد همسایگی فرموده‌اند: تا چهل خانه از روبرو، پشت سر، طرف راست و سوی چپ همسایه محسوب می‌شوند، در روستاها و شهرهای کوچک، محلات مسکونی، شهرک‌ها و بلوک‌های ساختمانی افراد کثیری با یکدیگر همسایه‌اند و لازم است حقوق متقابل خویش را مراعات نمایند.

مسکن

- تامین مسکن به عنوان مکانی امن و فراهم آورنده آرامش ، آسایش و سکینه برای ساکنان خویش
- تعادل در پاسخگویی به نیاز های مختلف(مادی،روانی و معنوی)انسان، حفظ و تقویت تعادل های محیطی، تعادل در پاسخگویی به نیاز های توأم فرد و جامعه، تعادل در مصرف منابع طبیعی و تعادل در فرهنگ و الگوی مصرف
- توجه به انسان و چهار ساحت آفاقی و انفسی وی در طراحی مسکن و تامین توأمان نیاز های مادی و نیاز های روحی
- میانه روی (از اجتناب از اسراف و تبذیر در مقولاتی همچون انتخاب مصالح و شیوه های ساخت و تنوع فضاهای درونی مسکن و هر آنچه که بتوان آنرا به عنوان خروج از تعادل ذکر کرد، و اجتناب از لغو و بطالت در تقابل با موج ترویج مصرف گرایی و مدگرایی رایج)
- رعایت درونگرایی و توجه به درون(باطن)بیش از بیرون(ظاهر)، (توجه به سیر در انفس) توجه به حیا،عدم تفاخر،ریا و خود نمایی، و پرهیز از خودآرائی
- توجه به اصل سلسله مراتب در ارتباط قلمروهای مختلف محیط زندگی از عمومی تا خصوصی و حد فضاها و عناصر ارتباطی هر یک
- امنیت در مقابل بلایا و سوانح طبیعی و غیر طبیعی ، امنیت در برابر تجاوز سایر آحاد جامعه ، امنیت در برابر اثرات ناشی از فعالیت‌های انسانی و سایر جنبه های امنیت
- آرامش اعضاء خانواده به عنوان یکی از ضروریات بنیادین مسکن مطلوب و احترام به خانواده
- فراهم آوردن مکانی آرام برای عبادت و حضور قلب که از لوازم اصلی تفکر است (خلوت مسکن)

- فراهم آوردن امکان گفتگوهای خانوادگی و تحکیم مبانی آن
- مصون بودن فضاهای داخلی مسکن از دید بیگانگان و ارتباطات صحیح فضاهای داخلی (اشراف و محرمیت)
- مرعی داشتن حقوق سایر آحاد جامعه از جمله همسایگان

مهمان

- یکی از زیباترین آداب دین، سلام کردن به هنگام ملاقات دیگران است. لطافت معنای این تعبیر، با توجه به آن که نامی از نام های خداست و معنای بلندی دارد، دو چندان می گردد. این ادب، به هنگام ورود به منزل میهمان نیز مورد توجه قرار گرفته است.
- یکی از آداب حضور در میهمانی، با دعوت رفتن است. شایسته نیست شخصی بدون دعوت صاحب خانه، بویژه در وقت غذا خوردن به خانه او رود و اگر برای طعام دعوت شد، پیش از وقت غذا در منزل میزبان حاضر نشود، بلکه بموقع به آنجا برود تا مزاحم اهل خانه نباشد.

زینة - تزئین

- با استناد به حدیث معروف «ان الله جمیل و یحب الجمال» مسلمین همواره در فرایند خلق آثارشان سعی در زیبا آفرینی داشته‌اند. نکته مهم این است که باید توجه نمود تا زیبایی یا زینت‌شیطانی، جایگزین زیبایی الهی و معنوی نگردد.
- از ویژگی‌های هنر مسلمین نوع تلفیق و ترکیب خطوط هندسی و منحنی، با سایه و نور و رنگ در زوایا و سطوحی متناسب است. ظریف کاریهای بکار رفته در این تلفیق و مزج هنرمندانه، بعد معنوی و جذبه غیر مادی به آثار معماری اسلامی میبخشد.
- ساختن پیکرهای انسان و جانداران و همچنین تصویر آنها در تعالیم اسلام، نارواست. در معماری اسلامی است به جای آرایش با پیکرهای آدمی و جانداران دیگر، از خطوط بسیار زیبای هندسی و هنرهای متنوع دیگر استفاده شده است.



دانشگاه علم و صنعت ایران

Islamicarchitecture.ir

کتابخانه

قطب علمی
معماری اسلامی

کد فایل: قطب علمی معماری اسلامی - معماری اسلامی